

سوره سینما

ماهنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری - شماره ۱۸، مرداد ماه ۱۳۹۷

شمع در ظلمات

آقای گوزن در جهان مے درخشد

آسیب شناس طنزه‌ای سینمای گیشه پسند

بازدیدمدیران مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری از روند تولید لوپتو

مؤسسه هنرهای تصویری سوره تقدیم می کند



کارگردان: برزو نیک نژاد
تهیه کننده: سعید خانی

DIRECTOR: BORZOU NIKNEJAD
PRODUCER: SAEID KHANI

vespiary

لونه زنپور



محسن کیایی
پژمان جمشیدی
هومن برق نورد
بهاره کیان افشار
پیام احمدی نیا

و رعنا آزادی ور

با حضور

فرید سجادی حسینی

نویسنده: محسن کیایی
مدیر فیلمبرداری: روزبه رایگان
تدوین: نیما جعفری جوزانی
طراح و ترکیب صدا: مهرداد مشکوری
جانشین تهیه کننده: مصطفی غلامی آبادانی
مدیر تولید: میثم معراجی
برنامه ریز: افشین رضایی
طراح صحنه: محسن نصراللهی
طراح جلوه پردازی: علیرضا فرابین
طراح لباس: دلیله صوفیانی
موسیقی متن: احسان یوسفی
جلوه های بصری: سینا قویلد
طراح جلوه های ویژه: میدان احمد رسولیان
مدیر تدarکات: سجاد توری
عکاس: میلاد کیایی
تلفیحات: گروه هنری دیالوگ

با صدای: هوروش بند

همراه با زیرنویس انگلیسی



سوره سینما

ماهنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری
شماره هجدهم، مرداد ۱۳۹۷

صاحب امتیاز: سازمان سینمایی حوزه هنری
مدیر مسئول و سردبیر: یزدان عشیری
مجری طرح: آرش رمضانیان

تحریریه: محیا رضایی، الناز نعمتی، امید
عشریه، راحله خدامی، نرگس ساجد

صفحه آرایی: مانی گرافیک
عکس: بهادر زارع، سحر قریب
با سپاس از فاطمه پزشکی، حامد نیکومرام،
محمد علی حیدری.

روی جلد: قسمتی از پوستر فیلم مستند ادوارد (طراح: علی باقری)

تلفن: ۸۸۹۱۸۱۲۸-۸۸۸۰۹۵۰۷

آدرس: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ
ساختمان حوزه هنری، طبقه چهارم، سازمان سینمایی حوزه هنری

«سوره سینما» پایگاه خبری تحلیلی سینمای ایران:
www.sourehcinema.ir

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران
www.sourehcinema.com/Default.aspx

صفحه اینستاگرام «سوره سینما»
[instagram.com/sourehcinema](https://www.instagram.com/sourehcinema)



۴



۱۶



۲۶



۳۴

عبور از تنگه هزارپاها!

سینمای ایران در سال‌های اخیر گرفتار نوعی «روزمرگی» شده است. تولید انبوهی از آثار نازل در ژانر کمدی جلوه‌ی از روزمرگی هولناکی است که سینما را از رهگذر فشارهای مختلف اقتصادی و اجتماعی به این سوی کشانده است. سینمایی که زمانی انتظار می‌رفت پیشاهنگ حرکت‌های آگاهی‌بخش و امیدآفرین جامعه باشد سال‌هاست که در خودش می‌پیچد و دست و پا می‌زند و از مرحمت جنگ انداختن به رشته‌های پیدا و پنهان جذابیت‌های جنسی و شوخی‌های هرزه و کلامی و ادا و اطوارهای سخیف روی پایش ایستاده است. دور زمانی یک مدیر دلسوز هشدار داده بود که صدای پای ابتذال در سینما به گوش می‌رسد اکنون، اما، مدت‌هاست که ابتذال در ساختار این سینما رخنه کرده و گسترش یافته است. در وانفسای چنین بحران و وضعیت بغرنجی، بعضاً فیلم‌هایی همچون شهاب می‌درخشند و حال و هوای تازه‌ی را خلق می‌کنند. «تنگه ابوقریب» با دستمایه‌ی از فضای عملیات دفاع مقدس یکی از این دست آثار است.

این فیلم که با حمایت حوزه هنری و بهمن سبز بخش می‌شود در آغازین روزهای اکرانش نشان داد که ضمیر خودآگاه جامعه همچنان، برغم حاکمیت کور کورانه سینمای نازل و سخیف تشنه آثار خوب و نجیب است. هنوز مردم و خانواده‌ها کنجکاو و مشتاق دیدن اثری هستند که ضمن احترام به شعور آن‌ها چند پله به آگاهی و وسعت ذهن‌شان بیافزاید. هنوز، میراث ارجمند دوران دفاع مقدس برای طیف‌ها و سلاقی گوناگون این مردم حرمت، احترام و جذابیت دارد. «تنگه ابوقریب» با همه کاستی‌ها و بعضاً، ایرادات فنی فیلمی خوب، تکان‌دهنده و ارزشمند است که گوشه‌های از رنج‌ها، حماسه‌ها، روحیه و هویت رزمندگی را روایت می‌کند.

استقبال از این فیلم که قطعاً، حمایت همه‌جانبه حوزه هنری در نحوه اکرانش را نمی‌توان نادیده گرفت نشان داده؛ خانواده‌ها همچنان، از فیلم‌های خوب و نجیب استقبال می‌کنند و زمانی به سینما می‌آیند و با آن آشتی می‌کنند که با احساس امنیت خاطر و احترام، بازتابی از واقعیت‌های جامعه و تاریخ این مرز و بوم را با زبان هنر شاهد باشند. «تنگه ابوقریب» نشان داد که می‌توان با ارائه و خلق فیلم‌های خوب از تنگه هزارپاهای سینما عبور کرد.

یزدان عشیری

توسط پخش بین الملل سازمان سینمایی حوزه هنری صورت گرفت حضور فیلم‌های ایرانی در جشنواره بین‌المللی «رجینا» کانادا

دو فیلم سینمایی و دو عنوان فیلم کوتاه از ایران در جشنواره بین‌المللی فیلم «رجینا» کانادا حضور دارد.



روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری با اعلام این خبر عناوین فیلم‌ها را به این ترتیب معرفی کرد: فیلم‌های بلند «۲۱ روز بعد» به کارگردانی محمدرضا خردمندان، «کمدی انسانی» به کارگردانی محمدهادی کریمی و فیلم‌های کوتاه «گزارشگر» و «مادر» در سومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «رجینا» کانادا به نمایش در می‌آیند.



بر پایه این خبر؛ این جشنواره که با هدف «الهام بخشی و انگیزه مردم برای کشف جهان از طریق هنر سینما است» در پنج روز از تاریخ ۱۴ تا ۱۸ آگوست برابر با ۲۳ تا ۲۷ مرداد در شهر رجینا ساسکچوان کانادا برگزار می‌شود.

در این خبر آمده است: روز سوم جشنواره (۲۶ مرداد) در سالن سینه پلکس فیلم سینمایی «کمدی انسانی» در ساعت ۱۱ صبح و فیلم سینمایی «۲۱ روز بعد» نیز در ساعت ۵ بعد از ظهر همان روز به نمایش در خواهند آمد. همچنین دو فیلم کوتاه «گزارشگر» و «مادر» نیز در همین روز در ساعت ۹ صبح در این سالن نمایش داده خواهند شد.

امسال حضور موسسه سوره سینما با چهار فیلم در سومین دوره این جشنواره بسیار پر رنگ خواهد بود. کسب بیش از ۳۰ عنوان جایزه بین‌المللی و حضور در ۹۲ جشنواره رقابتی و غیررقابتی از جمله دستاوردهای پخش بین‌الملل سازمان سینمایی حوزه هنری در یکی دو ساله اخیر بوده است.

بازدید مدیران مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری از روند تولید لوپتو

مدیران مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری از روند تولید لوپتو بازدید کردند.



این اثر به کارگردانی عباس عسکری و به تهیه کنندگی مشترک

مرکز تلویزیون و انیمیشن سوره و موسسه فرهنگی هنری فراسوی ابعاد در راستای سیاست مرکز دایمی و در جهت توجه به جوانان مستعد انیمیشن در شهر کرمان، در حال تولید است و احتمالاً سال آینده آماده اکران خواهد شد.

در جریان این بازدید احسان کاوه مدیر مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری از نزدیک در جریان روند تولید این اثر قرار گرفت. داستان فیلم به ماجراهای یک آسایشگاه می‌پردازد، که در آن با آموختن نحوه ساخت اسباب‌بازی به بیماران، آن‌ها را درمان می‌کنند.



و روشنی چراغ سینماها مروه خدمات و مساعی منتقدان، نویسندگان و خبرنگاران است.

کاظمی در این پیام «روز خبرنگار» یادروز باشکوه تلاشگران عرصه اندیشه و قلم را به جامعه خبری کشور بویژه خبرنگاران عرصه سینما را تبریک گفت و ضمن پاسداشت خاطره شهدای اصحاب رسانه، از تلاش آن‌ها در برافروختن چراغ اطلاع‌رسانی و روشنگری قدردانی کرد.

بر پایه این خبر، همچنین رضا سعیدی پور مدیر سینما آزادی، تسهیلاتی از سوی این پردیس برای روز خبرنگار در نظر گرفته بود. در روز خبرنگار، خبرنگاران طبق معمول با ارائه کارت خبرنگاری، می‌توانستند از صبح تا شب روز هفدهم مرداد در پردیس آزادی حاضر شده و فیلم مورد علاقه خود را ببینند.

سینماهای حوزه هنری

۱۷ مرداد برای خبرنگاران رایگان بود

سینماهای حوزه هنری در تهران، هفدهم مرداد برای خبرنگاران رایگان بود. در آستانه روز خبرنگار، محمود کاظمی مدیرعامل موسسه بهمن سبز طی پیامی سینماهای استقلال، سپیده، بهمن و شاهد از سینماهای حوزه هنری را برای خبرنگاران رایگان اعلام کرد. این حرکت نمادین برای احترام و امتنان از مجاهدت‌ها و تلاش‌های جامعه خبری کشور در نظر گرفته شده بود. رسانه‌ها نقشی اساسی و موثر در رشد و ارتقای سینمای کشور دارند و رونق



«آقای گوزن» در جشنواره «انیبار» کوزوو

انیمیشن «آقای گوزن» به کارگردانی مجتبی موسوی در جشنواره «انیبار» کوزوو حضور دارد.



به گزارش روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری، «آقای گوزن» محصول مشترک مرکز انیمیشن و تلویزیون حوزه هنری در ادامه حضورهای بین‌المللی خود، اینبار در نهمین دوره از جشنواره «انیبار» تنها جشنواره انیمیشن کشور کوزوو نمایش داده می‌شود. طی مدت برگزاری جشنواره «انیبار» برنامه‌های متنوع هنری برپا خواهد بود و مخاطبان شاهد انیمیشن‌های متفاوتی از سراسر دنیا خواهند بود. هدف این جشنواره نه برای مطرح کردن بیشتر شهرهای اصلی کوزوو، بلکه شهرهای کوچک و دور افتاده هستند تا ساکنان آن شهرها و روستاها هم بتوانند دنیای انیمیشن را تجربه کنند.

این جشنواره از ۱۳ تا ۱۹ آگوست برابر با ۲۲ تا ۲۸ مرداد در شهر پژیای کوزوو در حال برگزاری است.

انیمیشن «آقای گوزن» در جشنواره «جیفونی» ایتالیا، جشنواره «زاگرب» کرواسی، جشنواره «انیماموندی» برزیل، جشنواره «انسی» فرانسه، جشنواره «انیماتریکز» فنلاند، جشنواره جهانی فجر، بازار فیلم برلین حضور داشته و

لوح تقدیر بخش مسابقه بین‌الملل جشنواره جهانی فجر، جایزه ویژه جشنواره انیمیشن «زاگرب» کرواسی را دریافت کرد. لازم به ذکر است، انیمیشن «آقای گوزن» هم‌اکنون در شصت و ششمین دوره از جشنواره «ملبورن» استرالیا که از ۱۱ تا ۲۸ ماه مرداد در حال برگزاری است، حضور دارد.

حمله تروریستی به مجلس و حرم امام خمینی (ره) در «ماجرای آن روز»

فیلم کوتاه «ماجرای آن روز» در دفتر هنرهای تصویری و پویانمایی حوزه هنری استان سمنان تهیه و تولید شد.



فیلم کوتاه «ماجرای آن روز» با موضوع حمله تروریستی به مجلس و حرم امام خمینی (ره)، به مدت ۵ دقیقه و به تهیه کنندگی حوزه هنری استان سمنان تولید شد.

بر اساس این گزارش، حسین شیخ نویسنده و کارگردان، مصطفی مدرسی، بهار ذوالفقاری و زهرا مدرسی بازیگران، رسول ولی افتری دستیار کارگردان، حسین یوسفی و حسین شیخ فیلمبردار، حسین یوسفی تدوین و حوزه هنری استان سمنان تهیه کننده فیلم کوتاه «ماجرای آن روز» است.



«تمام مریم‌ها» با موضوع مادر یک مفقودالاثر در سمنان

فیلم داستانی «تمام مریم‌ها» کار مشترک حوزه هنری استان سمنان و صدا و سیما مرکز سمنان به تولید رسید.



بر اساس این گزارش، داستان این فیلم ۳۸ دقیقه‌ای، درباره مادر مفقودالاثری است که نامه‌ای از پسرش مبنی بر خواستگاری از دختری به نام مریم دریافت می‌کند و جستجوی مادر برای پیدا کردن مریم آغاز می‌شود.

محمد اسکندر زاده نویسنده و کارگردان، عمار خطی تهیه کننده، امین رنجبر دستیار کارگردان و برنامه ریز، محمد رحمانیان طراح صحنه و لباس، زهرا بابایی طراح چهره پردازی، اهورا جواهری مدیر تدارکات، امیر صدھزاری مدیر تولید، صابر جعفری آهنگساز، هادی ساعد محکم صدابردار، احسان افشاریان صداگذاری و ترکیب صدا، حسین صدقی اصلاح رنگ و نور، مهدی مهرنیا تدوین، حسن سلطانی مدیر فیلمبرداری و مهتری آل آقا، مینا نوروزی، فریبا طالبی، سلمان خطی، سحر روانبخش و مرجان حق پناه از بازیگران فیلم هستند.



فیلمساز کردستانی در جشنواره جهانی «ساپورو» ژاپن

«آخرین آغوش» ساخته سامان حسین پور در سیزدهمین جشنواره جهانی فیلم کوتاه «ساپورو» ژاپن حضور دارد و با آثار بیش از ۲۲ کشور جهان حاضر در این دوره جشنواره به رقابت خواهد پرداخت.



امین مرادی، رئیس حوزه هنری کردستان گفت: «آخرین آغوش» ساخته سامان حسین پور از تولیدات حوزه هنری کردستان، داستان خانواده‌ای است که آنچنان سرگرم موبایل و فضای مجازی هستند که حتی متوجه مرگ یکی از اعضای خانواده‌شان نمی‌شوند.

وی ادامه داد: در کنار سامان حسین پور که نویسنده‌گی، کارگردانی و تدوین این فیلم را برعهده داشته است، زانبار لطفی به عنوان تصویربردار، محمد تورپوریان به عنوان صدابردار، آکو زندکریمی به عنوان دستیار کارگردان، نوید زارع به عنوان دستیار تصویر و ژونا سجادی، فریدون علی رمایی، رشید حسین پور، علی پناهی، محمد پناهی، نیما حسینی، پروین فلاحتی و کژال صادقی به عنوان بازیگر در ساخت این فیلم همکاری داشته‌اند.

مرادی با بیان اینکه سیزدهمین جشنواره جهانی فیلم کوتاه «ساپورو» ژاپن ۱۱ تا ۱۴ اکتبر برگزار می‌شود گفت: جشنواره «ساپورو» علاوه بر نمایش فیلم‌ها، چندین ورک‌شاپ و سمینار هم برگزار می‌کند و در طول برگزاری بازار فیلم جشنواره نیز برگزار می‌شود. تمام فیلم‌هایی پذیرفته شده در جشنواره در بازار فیلم نیز عرضه خواهند شد. گفتنی است، سامان حسین پور فیلمساز کردستان تاکنون نویسنده‌گی و کارگردانی ۶ فیلم کوتاه و بالغ بر ۳۰ جایزه ملی و بین‌المللی را در کارنامه‌اش دارد.



نقد فیلم «مریم مجدلیه» در اصفهان

فیلم سینمایی «مریم مجدلیه» ساخته «گارت دیویس» در پنجاه و ششمین نشست کافه نقد به نمایش درآمد و نقد و بررسی شد.



نشست پنجاه و ششم کافه نقد با کارشناسی «معین مشکات» دانش آموخته کارشناسی ارشد ادیان و عرفان از دانشگاه فردوسی مشهد و پژوهشگر سینما یک‌شنبه ۱۴ مرداد در سالن سوره هنری، واقع در خیابان آمادگاه برگزار شد.

علی خطیبی مدیر هنرهای تصویری حوزه هنری استان اصفهان در خصوص برگزاری نشست‌های کافه نقد گفت: نشست‌های کافه نقد با برگزاری بیش از ۵۰ برنامه در طول سه سال در فصل تابستان ۹۷ به صورت هفتگی از سر گرفته می‌شود. کافه نقد تابستان در ادامه نشست‌های بهار به نمایش و نقد فیلم‌های سینمایی روز جهان می‌پردازد.

وی افزود: این برنامه‌ها با همکاری حوزه هنری اصفهان و فرهنگسرای رسانه و دفتر تخصصی سینما وابسته به سازمان فرهنگی اجتماعی شهرداری اصفهان روزهای یکشنبه ساعت ۱۶ در سالن سوره هنری استان اصفهان برگزار می‌شود. شناسایی و بهره‌مندی از کارشناسان سینمایی و رسانه‌ای اصفهان؛ نمایش آثار به روز و بحث‌های آزاد و چالشی پیرامون آن‌ها از ویژگی‌های نشست‌های کافه نقد می‌باشد که با استقبال انبوه نخبگان و جوانان علاقه‌مند به سینما و رسانه در اصفهان همراه بوده است.

گفتنی است، کافه نقد با شعار «به تماشای اندیشه» با نمایش و نقد یک فیلم آمریکایی - استرالیایی - انگلیسی در سبک درام و درباره زندگی «مریم مجدلیه» برگزار شد.

در این فیلم «رونی مارا» نقش مریم مجدلیه و «جاکوئین فونیکس» نقش عیسی مسیح را بازی می‌کنند. این فیلم که مبتنی بر کتاب مقدس ساخته شده، به ارتباط میان عیسی و مریم مجدلیه قبل و بعد از تصلیب عیسی می‌پردازد.



آموزش

کارگاه آموزشی «مبانی فیلم سازی با تلفن همراه» در کرمان

مسئول روابط عمومی حوزه هنری استان کرمان از برگزاری دور مقدماتی کارگاه آموزشی «مبانی فیلم سازی با تلفن همراه» با هدف شناسایی و توانمندسازی علاقه‌مندان حوزه سینما خبر داد.

سیدجواد میر حسینی گفت: دور مقدماتی کارگاه آموزشی «مبانی فیلم سازی با تلفن همراه» با برگزاری دهمین جلسه، با حضور محمدصادق اسماعیلی مدرس کارگاه به پایان رسید.

مسئول روابط عمومی حوزه هنری استان کرمان عنوان کرد: این کارگاه که به همت واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان کرمان و با همکاری جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی استان کرمان و با حضور جمعی از علاقه‌مندان به سینما در محل سازمان هنری رسانه‌ای اوج برگزار شد، به شیوه‌های روایت در سینمای مستند، تکنیکهای مصاحبه در فیلم مستند و تدوین فیلم پرداخته شد.

میر حسینی با اشاره به اینکه این کارگاه آموزشی در سه سطح مقدماتی - پیشرفته و تخصصی برگزار می‌گردد، بیان کرد: کارگاه آموزشی «مبانی فیلم سازی با تلفن همراه» با هدف شناسایی و توانمندسازی علاقه‌مندان حوزه سینما در استان برگزار می‌شود. وی ادامه داد: در این کارگاه فراگیران بطور ملموس با مطالب پایه و اساسی فیلم سازی بلاخص فیلم نامه نویسی، کارگردانی و تدوین آشنا شده و با مهندسی معکوس، به رمز و رازهای نویسندگی و کارگردانی آثار پی می‌برند.

مسئول روابط عمومی حوزه هنری استان کرمان در پایان اظهار امیدواری کرد با توجه به استقبال علاقه‌مندان به این حوزه، دوره‌های پیشرفته و تخصصی به زودی برگزار خواهد شد.



نشست هم اندیشی رئیس حوزه هنری آذربایجان غربی با فیلمسازان

آینده نزدیک می‌باشیم. معاون فرهنگی حوزه هنری آذربایجان غربی نیز، در این نشست طی سخنانی در پاسخ به برخی از انتقادات هنرمندان، ضمن ابراز خوشحالی از دقت نظر و مسئولیت پذیری هنرمندان فیلمساز استان و توجه و دلوایسی‌های آنها در خصوص رشد کیفی و کمی هنر فیلم سازی در آذربایجان غربی، کمبود اعتبارات و فقدان آموزشهای لازم در این خصوص را از دلایل اصلی برخی عقب ماندگی‌ها در حوزه هنرهای تصویری آذربایجان غربی بیان کرد. پدram رحمانی افزود: حوزه هنری آذربایجان غربی تمام تلاش خود را در استای بهبود وضعیت این رشته هنری طبق سنوات گذشته در استان بکار بسته است و لی لازمه موفقیت چشمگیر در این خصوص حضور فعال همه هنرمندان این عرصه در کنار حوزه هنری است تا با همکاری یکدیگر به نتایجی بهتر از گذشته دست یابیم. برگزاری کارگاههای آموزشی در خصوص ایده یابی، فیلمنامه نویسی، کارگردانی و تصویر برداری با حضور اساتید برتر کشور، تهیه امکانات سخت افزاری بروز و مناسب توسط حوزه هنری استان و دسترسی فیلمسازان به این امکانات، جبران کمبود اعتبارات مالی در راستای افزایش تولیدات تصویری (فیلم و انیمیشن)، برگزاری جشنواره‌های معتبر ملی و بین المللی در استان و ایجاد سیستم معرفی و نمایش آثار تولید شده توسط هنرمندان استان برای عموم از درخواستهای فیلمسازان حاضر در این نشست بود.

نشست هم اندیشی رئیس حوزه هنری آذربایجان غربی با هنرمندان فیلمساز شهرستان ارومیه نشست هم اندیشی جمعی از فیلمسازان شهرستان ارومیه با رئیس حوزه هنری آذربایجان غربی در ارومیه برگزار شد. در این نشست که با دعوت هنرمندان و با هدف ساماندهی وضعیت تولید فیلمهای کوتاه و جریان سازی بهتر روند تولیدات تصویری در حوزه هنری آذربایجان غربی برگزار گردید، انتقادات و پیشنهادات اعضای حاضر در نشست بررسی و مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی آذربایجان غربی در این نشست صمیمی ضمن ارائه گزارشی از برنامه‌ها و تولیدات حوزه هنری استان در حوزه هنرهای تصویری در پنج سال گذشته، بر تولید آثار فاخر تصویری که مطابق با نیازها و بیان کننده دغدغه‌های جامعه باشد تاکید کرد. احد هوشمند قره باغ در ادامه سخنان خود با اشاره بر رسالت‌ها، اهداف و سیاست‌های حوزه هنری در زمینه تولیدات هنری افزود: کسانی که در زمینه تولیدات تصویری کار می‌کنند و بر همه کسانی که دستی در رشته فیلم سازی دارند معلوم و مشخص است که حوزه هنری یکی از مهمترین و پر تلاش ترین دستگاه‌های فرهنگی در زمینه تولیدات تصویری و اجرای کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی بوده و می‌باشد و اگر تلاش جمعی هنرمندان این عرصه نیز به آن اضافه گردد شاهد رشد و توسعه بیش از پیش این هنر در استان در



انیمیشن «محراب آرامش» در جشنواره «تورنتون» آمریکا

جان فرزندش از فرش‌هایی با نقوش مختلف می‌گذرد.

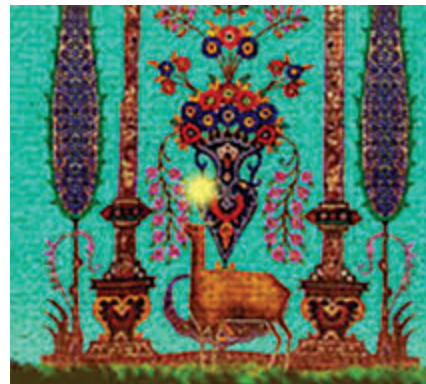
این انیمیشن تاکنون با استقبال خوبی در جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی مواجه شده است و می‌واند نوید بخش تولید آثار فاخر در این حوزه باشد.

توجه و حمایت از آثار تولیدی در حوزه انیمیشن از سیاست‌های حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد در چند سال اخیر بوده و تاکنون چندین اثر موفق در این حوزه تولید شده است.

انیمیشن «محراب آرامش» از تولیدات واحد هنرهای تصویری

حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد بعد از حضور در دو جشنواره معتبر بین‌المللی در کشورهای آلبانی و روسیه این بار موفق به حضور در یک جشنواره جهانی در تورنتون آمریکا شد.

این انیمیشن ساخته زیبا ارژنگ از هنرمندان حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد است که با نگاه به قصه «ضامن آهو» ساخته شده است و داستان آهویی است که برای نجات



درخشش آثار حوزه هنری در جشنواره «ایثار»

دومین جشنواره فیلم «ایثار» با درخشش هنرمندان فیلمساز حوزه هنری به پایان رسید. در اختتامیه جشنواره ملی فیلم ایثار، فیلم کوتاه «ولد» و پویانمایی «آنتراکت» از آثار باشگاه فیلم سوره و فیلم «ته ته» از تولیدات حوزه هنری استان کهگیلویه و بویراحمد موفق به دریافت جوایزی از دومین جشنواره ملی فیلم ایثار شدند.

امیرعباس ربیعی در بخش فیلم کوتاه داستانی جایزه بهترین کارگردانی را برای فیلم «ولد» بدست آورد. جایزه بهترین پویانمایی نیز به «آنتراکت» ساخته سیدمحمد رضا خردمندان اهدا شد.

همچنین، فیلم «ته ته» به کارگردانی سید جواد هادی اصل توانست تندیس جشنواره و مقام سوم را کسب کند.

لازم به ذکر است، در این جشنواره از فیلم «کوتاه پایی که جاماند» ساخته سعید کریمی محصول حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد تقدیر شد.



استقبال از «وروجک‌ها» در پارک ساحلی یاسوج

همزمان با پخش فیلم «وروجک‌ها» در پارک ساحلی یاسوج استقبال بسیار خوبی از پخش این فیلم شد. فیلم «وروجک‌ها» با موضوع کودک و نوجوان به همت حوزه هنری استان و با همکاری معاونت فرهنگی سپاه فتح استان و شهرداری یاسوج در محل تالای بخش پارک ساحلی یاسوج پخش شد. قبل از آغاز نمایش فیلم فرزاد اژدری کارگردان این فیلم طی سخنان کوتاهی در مورد این فیلم با تماشاگران صحبت کرد.

فیلم «وروجک‌ها» تاکنون در چندین جشنواره معتبر موفق به دریافت جوایز برتر شده است. در این برنامه شریف اسلامی رئیس حوزه هنری استان بر توجه به مقوله سبک زندگی ایرانی و اسلامی تأکید کرد و این مهم را از اولویت‌های حوزه هنری عنوان کرد و گفت: حوزه هنری با برنامه‌ای متعدد و همچنین برگزاری کلاس‌های آموزشی در پی جذب و توجه به مردم و رفع نیازمندیهای فرهنگی و هنری آنان است.



بررسی «سفر به چراه» در «نمای نزدیک» بوشهر



درام هر کسی از هر کجای دنیا وقتی در سالن سینما می‌نشیند به نوعی کنتور خود را صفر می‌کند و با شروع فیلم این کنتور روشن می‌شود. در این هنگام عناصری فرامتنی که در قالب درام قرار بگیرند کارکردی نخواهند داشت و اصطلاحاً فیلم برای مخاطب غیر وطنی کار کرد خود را از دست می‌دهد. من با این نقص در اینگونه فیلم‌ها مشکل دارم. در پایان جلسه مژده غضنفری به تحلیل و نقد این فیلم پرداخت و اهمیت فیلم سفر به چراه را در این نشست که در زمانه خود با روایتی متفاوت به جنگ پرداخته است و آن را نمونه یک فیلم دفاع مقدس دانست که جریان سیال ذهن در آن نقش اول را بازی می‌کند.

بیان نقطه نظرات خود پرداخت و گفت: جذابیت‌های یک فیلم، مانند احساسی که از دیدن یک فیلم خانوادگی به ما دست می‌دهد، ممکن است به مرور زمان از دست برود. او ادامه داد: این مورد برای من خارج از قاب تلویزیون یا سینما معنا و جذابیت دارد. امثال فیلم «سفر به چراه» یک پایش در نوستالژی شخصی من است که وقتی از آن زمان فاصله می‌گیرم جذابیت خود را از دست می‌دهد. صافی در مورد ساختار این فیلم گفت: در واقع نکته مهم این است که فیلم نمی‌تواند با منطق درام با من حرف بزند و همین جا پای فیلم می‌لنگد. در ساختار درست

در ششمین جلسه از سلسله نشست‌های سینمایی، «سفر به چراه» توسط علاقه‌مندان و منتقدان مورد نقد و بررسی قرار گرفت. ششمین جلسه از سلسله نشست‌های سینمایی حوزه هنری بوشهر با عنوان «نمای نزدیک» با هدف بررسی چهار دهه سینمایی پس از انقلاب در حوزه هنری بوشهر برگزار شد. در این نشست فیلم «سفر به چراه» ساخته رسول ملاقلی‌پور توسط مژده غضنفری منتقد سینما و با حضور سیدرضا صافی فیلمساز و منتقد حوزه دفاع مقدس مورد نقد و بررسی قرار گرفت. بعد از پخش این فیلم سینمایی، سیدرضا صافی به

پاتوق فیلم کوتاه و کلاس‌های تخصصی فیلمنامه‌نویسی در اراک



مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان مرکزی از برگزاری پاتوق فیلم کوتاه در اراک خبر داد.

حمیدرضا مجیدی گفت: به منظور آشنایی با مسائل تئوری و عملی فیلمسازی و همچنین نظر به برگزاری کلاسهای تخصصی فیلمنامه‌نویسی، برگزاری پاتوق فیلم و نمایش فیلمهای کوتاه منتخب و تاثیرگذار ایران و جهان را در دستور کار قرار داده‌ایم و این جلسات در عصر روزهای یکشنبه هر هفته در محل حوزه هنری استان با اکران آثار برتر فیلمهای کوتاه برگزار می‌شود.

وی افزود: این جلسات فرصت مناسبی برای ارتقای سطح دانش علاقه‌مندان و هنرمندان فیلمسازی است زیرا در کنار مشاهده فیلم با ساختار فیلمنامه، کارگردانی و تصویربرداری آنها بصورت تخصصی آشنا می‌شوند.

مجیدی، از برگزاری کلاس‌های تخصصی فیلمنامه‌نویسی در اراک خبر داد و گفت: این کلاس‌ها با حضور تنی چند از هنرجویان و علاقه‌مندان به فیلمنامه‌نویسی در محل حوزه هنری استان مرکزی برگزار شد و محمدرضا آزاد مطالبی پیرامون مباحث تخصصی فیلمنامه‌نویسی را برای حاضرین بیان کرد.

وی اظهار داشت: با توجه به اهمیت فیلمنامه و ایده پردازی در تولید آثار فاخر فیلم کوتاه و به منظور تربیت هنرمندان متعهد در خلق آثار فاخر هنری در زمینه فیلمسازی و همچنین تولید فیلمنامه و فیلم‌های کوتاه، کلاس‌های تخصصی فیلمنامه‌نویسی در ۲۰ جلسه به صورت هفتگی با حضور استاد محمدرضا آزاد در محل حوزه هنری استان مرکزی برگزار می‌شود.

تولید «ایشیق» در آذربایجان غربی



تولید فیلم کوتاه داستانی «ایشیق» به کارگردانی سیامک خوش‌نیت خرداد ماه سال جاری در حوزه هنری آذربایجان غربی به پایان رسید. این فیلم به اخلاق اجتماعی و امید در جامعه می‌پردازد. در فیلم «ایشیق» با ایفای نقش هنرمند پیشکسوت استان بهمن حاتمی و هنرمند خردسال هلیا برادران در مدت سه دقیقه به تصویر کشیده شده است.

این فیلم داستانی با تصویربرداری محمد خلیلی، تدوین بهمن رضایی و مشاوره امید برجسته طی مدت دو هفته در سطح شهرستان ارومیه تصویربرداری شده و بعد از فیلم کوتاه «دیوار» به کارگردانی مجتبی پناهی دومین تولید واحد هنرهای تصویری حوزه هنری آذربایجان غربی از ابتدای سال جاری است.

سیامک خوش‌نیت پیش از این در رشته کارگردانی نمایش در شهرستان سلماس فعالیت داشته که اعطای مقام «چهره هنری شهرستان سلماس» در سال گذشته و اجرای پرتماشاگرترین نمایش در شهرستان سلماس از افتخارات هنری وی است.

همکاری حوزه هنری استان اصفهان در برگزاری جشنواره «روح‌الله»



مظلومی است، مخصوصاً نهادهایی که سبقه مذهبی دارند بسیار مظلوم واقع شده‌اند.

وی پس از بیان فعالیت‌های موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) در زمینه هنرهای تجسمی، تئاتر، جشنواره‌های فرهنگی و هنری، فیلم و سینما ادامه داد: در این میان همیشه حمایت از جوانان و هنرمندان جوان برای ما دارای اهمیت بوده است و مهم اندیشه و روش امام است که به واسطه ۴۰

حجت‌الاسلام عباس کمساری مدیر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) اصفهان و دکتر مهدی احمدی فر رئیس حوزه هنری استان اصفهان در خصوص همکاری‌های مشترک این دو نهاد فرهنگی به‌ویژه در برگزاری دومین جشنواره تئاتر «روح‌الله» با یکدیگر دیدار کردند.

مدیر موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) با اشاره به سبقه فرهنگی استان اصفهان گفت: حوزه فرهنگ حوزه

با تلاش واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان گلستان، نقد و بررسی فیلم سینمایی «نفس عمیق» به کارگردانی پرویز شهبازی، با حضور منتقد برجسته کشور عزیزا... حاجی مشهدی در محل سینما عصر جدید برگزار شد.

در ابتدای این جلسه فیلم «نفس عمیق» برای حاضرین اکران شد و سپس نقاط ضعف و قوت این اثر سینمایی مورد تحلیل و بررسی هنرمندان قرار گرفت.

آموزش، ارتقاء قدرت تحلیل در بین هنرمندان، پرورش ایده‌ها و کشف استعداد های جوان و تشویق و ترغیب فیلم‌سازان جوان برای بررسی آثار بزرگان از اهداف برگزاری این نشست بود.



نقد و بررسی فیلم
«نفس عمیق» با
حضور عزیزالله
حاجی مشهدی

«اسب» بهترین فیلم جشنواره بشر دوستی شد



کارنامه خود دارد.

وی افزود: فرهام گویلی به عنوان بازیگر، ایوب شیخ احمدی دستیار کارگردان و استوری بورد، سامان پاسیان به عنوان تصویربردار، طالب ظاهری نورپرداز، فرشید محمدی دستیار نور و تصویر، ایوب شیخ احمدی به عنوان تدوینگر، پژمان راژ به عنوان صدابردار و صداگذار، مصطفی حبیبی بخش جلوه‌های ویژه کامپیوتری، شورش و کیلی طراح تیتراژ و پوستر، اشکان ساعدپناه مدیر تولید و شهیاد فیلم به عنوان مجری طرح، رسول احمدی کارگردان و نویسنده این اثر تولیدی حوزه هنری استان کردستان را یاری کرده‌اند. پنجمین جشنواره ملی فیلم و عکس بشردوستی توسط سازمان جوانان جمعیت هلال ایران و اداره کل امور اجتماعی وزارت کشور برگزار شد.

فیلم کوتاه «اسب» از تولیدات حوزه هنری استان کردستان به نویسندگی و کارگردانی رسول احمدی جایزه بهترین فیلم بخش داستانی جشنواره ملی فیلم و عکس بشردوستی را از آن خود کرد.

امین مرادی رئیس حوزه هنری استان کردستان با اعلام این خبر گفت: این فیلم کوتاه در مدت زمان ۳ دقیقه تلاش‌های یک کودک برای نجات اسب خود را در قالب داستانی به تصویر درآورده است. مرادی تصریح کرد: این فیلم‌ساز جوان علاوه بر نویسندگی و کارگردانی ۸ فیلم کوتاه داستانی و مستند، تجربه همکاری و مدیریت تولید فیلم‌های بسیاری از فیلم‌سازان کردستان از جمله سالم صلواتی، سامان حسین‌پور، عدنان زندی، زانیار عزیزی، آکو زندکریمی، زانیار طهماسبی، اشکان ساعدپناه، و دکتر جلال نصیری هانیس و ... را در

امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی این مهم برایمان اولویت بیشتری در برگزاری جشنواره تئاتر «روح‌الله» یافته است.

در ادامه دکتر مهدی احمدی‌فر خاطرنشان کرد: امروز باید با زبان هنر و زبان روز با جوانان صحبت کرد و همسو و هم‌جهت شدن ارگان‌های فرهنگی سبب می‌شود تا از موازی‌کاری جلوگیری شود و بتوان کارهای بزرگ و موثری انجام داد.

رئیس حوزه هنری استان اصفهان همچنین با اشاره به موضوعات دفاع مقدس و جایگاه و نقش رزمندگان در شهر اصفهان، خواستار همکاری موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) با حوزه هنری برای نشان دادن هر چه بهتر این جایگاه شد.

وی با اشاره به آثار فاخری که در جشنواره تئاتر روح‌الله تولید شده بود، گفت: در سال گذشته حوزه هنری اقدام به تولید نمایش از این آثار کرد که در جشنواره‌های مختلف نیز موفق بود و این حرکت، حرکت درستی بود. حوزه هنری استان اصفهان در طی یک سال گذشته سعی کرده است که از تمامی تیم‌های تئاتری این شهر استفاده و حمایت کند و در همین راستا سالن‌های خود را برای تمرین و اجرای تئاتر در اختیار قرار داده است.

کلاکت در ادامه بحث موضوع نقش و جایگاه هنر نقاشی در سینما، مورد بررسی قرار گرفت.

وی توضیح داد: در راستای موضوع این نشست، دو فیلم کوتاه «بوطیقا» اثر فرید ناصر و «آفتاب سوخته» به کارگردانی مشترک بهمن و بهرام ارک به نمایش درآمد. سیفی یادآور شد: طبق برنامه‌ریزی صورت گرفته، قرار است در این کارگاه‌ها نگاهی ویژه به خلق ایده و محتوا برای تولید و ساخت فیلم‌ها در آینده داشته باشیم.

دومین نشست تخصصی و کارگاهی «کلاکت» با حضور هنرمندان و علاقه‌مندان رشته سینما، در حوزه هنری زنجان برگزار شد.

میثم سیفی، مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری زنجان، گفت: این نشست با هدف ارتقای درک هنری فعالان سینمای کوتاه و همچنین بررسی تاثیر انواع هنرها بر هنر هفتم به صورت هفتگی برگزار می‌شود. سیفی با اشاره به اینکه این نشست، به صورت موضوعی در حوزه هنری زنجان برگزار می‌شود، اظهار داشت: دومین نشست تخصصی و کارگاهی



دومین نشست «کلاکت» در حوزه هنری زنجان

حوزه هنری کردستان و تولید ۲۲ عنوان فیلم در سال ۹۶

«دیگران» تولید واحد هنرهای تصویری حوزه هنری کردستان، به نویسندگی و کارگردانی امید راست‌بین در قالب فیلم‌های تجربی و به صورت پلان-سکانس و با هدف تداوم همکاری با هنرمندان شناخته شده در عرصه فیلم کوتاه و تولید فیلم‌های کوتاه حرفه‌ای تهیه شده است که پس از مراحل تصویربرداری و تدوین، آماده نمایش و حضور در جشنواره‌های داخلی و خارجی است. در این فیلم در کنار نویسنده و کارگردان، مازیار قبادی به عنوان بازیگر، حسین قورچیان صداگذار، مصطفی حبیبی در بخش جلوه‌های ویژه، سامان حسین‌پور دستیار کارگردان، عدنان زندی به عنوان مدیر تولید، زانیار لطفی مدیر تصویربرداری و نوید زارع به عنوان دستیار تصویر حضور داشته‌اند.

لطفی در خصوص داستان فیلم نیز گفت: در این فیلم ۴ دقیقه‌ای به زندگی جوانی خیر که نگاه ویژه و متفاوتی در زندگی دارد از منظر یک مگس که کارهای وی را نظارت و ثبت می‌کند پرداخته شده است.

امید راست‌بین علاوه بر ثبت ۱۴ اثر داستانی به عنوان نویسنده و کارگردان، برنامه‌ریزی و دستیار کارگردانی چندین فیلم سینمایی را نیز برعهده داشته و عناوین مختلفی را نیز در جشنواره‌های مختلف به دست آورده است.



اکنون استان کردستان با پتانسیل‌های بالای انسانی و همچنین خلاقیت و سوژه‌های مناسب با حمایت‌های صورت گرفته به عنوان مطرح‌ترین استان کشور در زمینه تولید فیلم‌های کوتاه حضور موفق را در جشنواره‌های داخلی و خارجی داشته و عناوین مختلفی را نیز در بخش‌های مختلف این جشنواره‌ها کسب کرده است. وی در ادامه در خصوص فیلم «دیگران» تازه‌ترین اثر این استان نیز گفت: فیلم کوتاه

لطفی گفت: حوزه هنری کردستان در سال ۹۶ با تولید ۲۲ فیلم کوتاه داستانی، انیمیشن و مستند، سال موفقی را سپری کرد و امیدواریم در سال ۹۷ نیز این روند با تکیه بر تولید آثار حرفه‌ای و ارزشمند در کنار حمایت از هنرمندان جوان و با آتیه را بتوانیم تداوم بخشیم. زانیار مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری انقلاب اسلامی استان کردستان با اعلام این خبر افزود: خوشبختانه هم



تولید فیلم کوتاه «جستجو» در حوزه هنری

داستانی «جستجو» با موضوع امدادگران سانحه هوایی تهران-یاسوج به کارگردانی سید جواد هادی اصل در حوزه هنری استان کهگیلویه و بویراحمد تولید شد.



اکبر آیین مسئول واحد هنرهای تصویری این مرکز گفت: این فیلم کوتاه ۶ دقیقه‌ای با موضوع تلاش شبانه روزی امدادگران سازمان جمعیت هلال احمر در ارتفاعات کوه دنا برای پیدا کردن قربانیان سانحه هوایی تهران-یاسوج به کارگردانی سید جواد هادی اصل، کارگردان خوش قریحه هم‌استانی در واحد هنرهای تصویری حوزه هنری این استان تولید شد.

وی اظهار داشت: این فیلم اخیراً مراحل فنی خود را پشت سر گذاشته و هم‌اکنون آماده اکران و شرکت در فستیوال‌های ایرانی و خارجی می‌باشد. همچنین، فیلم مستند «فرودگاه ابدی» به کارگردانی هادی اصل در حوزه هنری استان کهگیلویه و بویراحمد تولید شد. این مستند ۳۰ دقیقه‌ای به سانحه هوایی تهران-یاسوج و ابعاد آن که هنوز هم اثرات و تبعات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن بر پیکره این استان وجود دارد، می‌پردازد. آیین افزود: این مستند با مشارکت صدا و سیما مرکز دنا تولید شده و هم‌اکنون در مرحله نهایی فنی قرار دارد.



«آقای گوزن» در جشنواره «ملبورن»

انیمیشن «آقای گوزن» به کارگردانی مجتبی موسوی در جشنواره بین‌المللی «ملبورن» به نمایش درآمد. «آقای گوزن» محصول مشترک مرکز انیمیشن و تلویزیون حوزه هنری که به تازگی در جشنواره «جیفونی» ایتالیا حضور داشت، در شصت و ششمین دوره از جشنواره «ملبورن» استرالیا نمایش داده شد. جشنواره بین‌المللی «ملبورن» قدیمی‌ترین جشنواره استرالیایی است که از لحاظ قدمت همپای جشنواره‌های معتبری همچون برلیناله و کن است. اهداف این جشنواره عبارتند از: ساخت یک جامعه روشن‌گر و مشارکت‌کننده از طریق فیلم، تجربه فراموش‌نشده مخاطبان از حکایات دنیا به واسطه فیلم‌ها و القای خلاقیت و الهام ایده‌ها به مخاطبان جشنواره. انیمیشن «آقای گوزن» در جشنواره جهانی فجر، جشنواره «زاگرب» کرواسی، جشنواره «انیماموندی» برزیل، جشنواره «انسی» فرانسه، جشنواره «انیماتریکز» فنلاند، بازار فیلم برلین حضور داشته و لوح تقدیر بخش مسابقه بین‌الملل جشنواره جهانی فجر، جایزه ویژه جشنواره انیمیشن «زاگرب» کرواسی را دریافت کرد.



نقد و بررسی «بچه‌های آسمان» در بوشهر



«بچه‌های آسمان» ساخته مجید مجیدی با حضور علاقه‌مندان حوزه فیلم و سینما در حوزه هنری بوشهر بررسی شد. هفتمین نشست تخصصی سینمایی پس از انقلاب در سالن اجتماعات به بررسی فیلم «بچه‌های آسمان» ساخته مجید مجیدی اختصاص داده شد. در این جلسه پس از پخش فیلم حلیمه آذریون، علی احمدی، پردیس حسینی، فرشاد محقق‌پور، صادق حسینی، بهداد شاهین و مهدی انصاری مسئول واحد فیلم و نمایش از جمله حضاری بودند که به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند. احترام متقابل شخصیت‌های فقیر فیلم در عین نداری، بازی فوق

العاده بازیگران بی‌تجربه، ساختار کلاسیک فیلمنامه، نقد فقر و حمایت فیلمساز از طبقه فقیر در برابر طبقه ثروتمند از جمله مهمترین نقطه نظرات آنها بود. در پایان جلسه مؤرده غضنفری منتقد کارگاه به جمع‌بندی نظریات پرداخت. وی در ارتباط با کیفیت فیلم گفت: دو عنصر مخاطب و جوایز هیچ کدام دلیلی برای خوب یا بد بودن فیلم‌ها محسوب نمی‌شود. میزان مخاطب یک فیلم به هیچ وجه مشخص‌کننده کیفیت یک فیلم نیست. این موضوع در طول تاریخ جشنواره‌ها و سینمای ایران بررسی و تایید گردیده است. همچنین غضنفری در مورد «بچه‌های آسمان» افزود: دریافت

اولین جایزه اسکار در تاریخ سینمای ایران یکی از نکات برجسته این فیلم محسوب می‌شود. او ادامه داد: فیلم «بچه‌های آسمان» همه معیارهای یک فیلم کانون پرورش فکری کودکان را دارد زیرا در کنار پرداختن به مسائل اخلاقی دارای پیام‌های آموزشی نیز است و با اینکه از سوژه‌های کودک و نوجوان به عنوان بازیگر در این فیلم استفاده شده است اما بیان‌کننده این نیست که مخاطب فیلم صرفاً کودک و نوجوان باشد.

بازدید مدیر کل حراست حوزه هنری کشور از پردیس سینمایی چهارباغ و ساحل اصفهان







علی ملاقلی پور:

مستند بازگان را عاقلانه و به دور از تعصب ساختیم

فکر این روزها را هم بکنند. ضمن اینکه «راه طی شده» خیلی شبیه مستندهای متداول نیست و شخصیت مورد نظر این فیلم شاید اولین فرد روشنفکر مذهبی باشد که درباره اش فیلم ساخته شده است.

وی در پایان گفت: برای تولید این مستند با مسئولان هم مشکلی نداشتیم چرا که می‌دانستیم می‌خواهیم نگاهی متصفانه و بیابینی را در نظر بگیریم و پیشنهاد می‌کنم کسانی که به این سوژه علاقمند هستند حتماً این کار را ببینند و بعد درباره آن قضاوت کنند. با اطمینان می‌گویم که شبیه آن وجود ندارد و به این شیوه نگاه تا کنون توجه نشده است.

علی ملاقلی پور در مستند «راه طی شده»، به بررسی افکار و اندیشه‌های مهندس مهدی بازگان به عنوان روشنفکر دینی، سیاستمدار و نخست‌وزیر دولت موقت ایران در سال ۵۷ پرداخته است. عنوان فیلم هم از یکی از کتاب‌های مهم و تاثیرگذار مهندس بازگان گرفته شده است.

عوامل تولید این فیلم مستند عبارتند از: نویسندگان و کارگردان: علی ملاقلی پور، پژوهشگر: حامد تقی زاده، فیلمبردار: رضا تیموری، صداپرداز: علی ذوالفقاری، تدوینگر: شهاب بشیری، آهنگساز: فرید سعادت‌مند، گوینده متن: علی ملاقلی پور، عکاس: سمیه میری، تهیه کننده: محمد امین نوروزی، تهیه شده در: مرکز مستند حوزه هنری.

علی ملاقلی پور مستند سینمایی «راه طی شده» را با موضوع تفکر و نگاه مهندس مهدی بازگان برای جشنواره سینما حقیقت آماده می‌کند.

علی ملاقلی پور کارگردان درباره فعالیت این روزهای خود گفت: آخرین مستندی که کار کردم «راه طی شده» نام دارد و سوژه آن شخصیت مطرحی به نام مهندس مهدی بازگان است. این روزها در مراحل پایانی تولید قرار دارد و به زودی آماده نمایش می‌شود تا در جشنواره سینما حقیقت رونمایی شود.

وی درباره چگونگی پرداخت مستند گونه به این شخصیت توضیح داد: مهدی بازگان صرفاً یک شخصیت سیاسی یا یک مهندس نیست بلکه یک روشن فکر مذهبی است که شاید این وجه کاراکترش تاثیرگذارتر بوده است. ما نیز سعی کردیم تا بیشتر از دریچه نگاه فکری او به مستندش بپردازیم.

ملاقلی پور در پاسخ به اینکه آمادگی لازم برای دریافت پیامدهای یک اثر سیاسی را دارد یا نه؛ بیان کرد: در اینکه قبل از شروع کار در چنین ژانری باید همه جوانب را پیش بینی کرد شکی نیست و ما هم کاملاً به آن واقفیم اما سعی کردیم هم در محتوا و هم فرم یک شیوه عاقلانه را برگزینیم و از هر تعصبی پرهیز کنیم.

این کارگردان با اشاره به اینکه همه اعضای نهضت آزادی در این مستند صحبت کرده اند، گفت: به هر حال کسی که می‌خواهد وارد یک فضای آمیخته با سیاست شود باید



حوزه هنری مهم‌ترین مرکز پاسداری

از حفظ ارزش‌های اسلامی



امین مرادی

رئیس حوزه هنری استان کردستان

بدون شک جایگاه ویژه حوزه هنری انقلاب اسلامی در بخش سینما در شرایط فعلی مرهون تلاش‌های آقای حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری کشور و همکاران خدمشان در موسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز است.

در عصر حاضر و با ورود تکنولوژی‌های مختلف، هنر سینما با استفاده از نبوغ و خلاقیت هنرمندان متعهد و ارزشی کشورمان در مسیر اعتلای هنر و فرهنگ ایرانی گام بردارد و پیام رسانی انقلاب اسلامی ایران را به گوش جهانیان برساند و در راستای عملیاتی کردن این مولفه بسیار مهم نقش مدیران و برنامه‌ریزی در این بخش بسیار مهم و حیاتی است.

امروز عزیزان توجه داشته باشند با وجود تکنولوژی و فضاهای مجازی ایجاد شده کوچکترین غفلت در ایفای نقش و مسئولیت خود می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری را فراهم نماید.

آبروی هر سازمان در گرو اعتباری است که کسب می‌نماید و اگر امروز سازمان سینمایی حوزه هنری به عنوان بزرگترین سینمادار در کشور و مهم‌ترین مرکز پاسداری از حفظ ارزش‌های اسلامی می‌درخشد، بخش عمده‌ای از آن در کنار مدیریت ارزشمند سازمان و همکارانشان و واکنش‌های سریع و به موقع به حرکت‌های مشکوک و شائبه‌داری که قصد آلوده کردن این صنعت را دارند، وابسته به نحوه تکریم و برخورد نیروی انسانی است که به صورت مستقیم با ارباب رجوع و مخاطبین سینما است.

تلاش در جهت پایداری به اصول ارزشی حوزه هنری توأم با حفظ کرامت مخاطبین به عنوان سرمایه‌های اصلی این صنعت است. امروز پردیس سینمایی بهمن سبز به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی نه تنها در کردستان حتی در سطح منطقه و کشور، به بهترین شکل توانسته است مردم هنردوست و فرهنگی شهر سبز را با سینما آشتی دهد و نگاهی گذرا به عملکرد این پردیس از زمان بهره‌برداری تاکنون به خوبی این مهم را نشان می‌دهد.

حوزه هنری استان کردستان از زمان بهره‌برداری پردیس سینمایی بهمن سبز، توانسته است با تعریف کاربری‌های مختلف و متعدد نقش مهمی را در راستای توسعه و اعتلا فرهنگ و هنر این دیار برعهده دارد و انتظار می‌رود که در سایه حمایت‌های مدیران محترم حوزه هنری و موسسه بهمن سبز این روند رو به رشد با جدیت بیشتری ادامه پیدا کند.

EDWARD

Director: Mohammad Bagher Shahin
Director of Photography: Mohammad Haddadi - Editor: Babak Heydari
Production Manager: Afsun M. Nezhad - Colorist: Hamidreza Fatourehchian
Sound Recordist: Hasan Shabankareh - Sound Designer: Hasan Shabankareh
Music: Artak Yeskaniyan - Producer: Mohammad Bagher Shahin

کارگردان: محمد باقر شاهین

مدیر تصویربرداری: محمد حادی

آرژان: بابک حیدری

موسیقی: آرژانک و سکاکیان

صدا بردار: حسن شباکاره

طراحی و ترکیب صدا: حسن شباکاره

محرر طرح و تدوین تولید: افسون محمودزاد

رنگ آمیزی و تقاوت: حمیدرضا فطوره چیان

طرح و تدوین: علیرضا تلوری

تجهیزکننده: محمد باقر شاهین

تعمیر شده در فرهنگستان سینما



1971



پرونده

مستند ادوارد



یک پرتره جذاب

گزارشی از نشست نقد و بررسی مستند «ادوارد» در «سینما روایت»

صدوبیست و یکمین برنامه «سینما روایت» به نقد و بررسی مستند «ادوارد» به کارگردانی محمدباقر شاهین محصول مرکز مستند سوره اختصاص داشت. صدوبیست و یکمین برنامه «سینما روایت» که دومین قسمت از فصل جدید این برنامه نیز بود، به نقد و بررسی مستند «ادوارد» با حضور عباس سلیمی نمین (منتقد)، محمدتقی فهیم (منتقد)، محمدباقر شاهین (کارگردان) و محمد مهدی شیخ صراف (مجری - کارشناس) اختصاص داشت.

ادوارد چگونه متولد شد؟

در ابتدای این نشست محمدباقر شاهین کارگردان مستند «ادوارد» درباره چگونگی آشنایی با سوژه این مستند گفت: من اولین بار «ادوارد» را در یکی از برنامه‌های شبکه بی‌بی‌سی دیدم و صحبت‌های او درباره زندگی‌اش در آن برنامه برای من جذاب بود؛ تا اینکه من در سال ۲۰۱۵ برای یکی از آثارم به جشنواره برلین دعوت شدم و در آن سفر محل زندگی ادوارد را پیدا کردم ولی احساس کردم برای پرداختن به سوژه او باید ارتباط بیشتری با او بگیرم، به همین خاطر بعد از دو سفر دیگر به اروپا و ملاقات با «ادوارد»، در اواسط سال ۲۰۱۶ ساخت این اثر آغاز شد.

این فیلم در ارتباط با سازمان منافقین نیست. البته باید بگویم متأسفانه این گونه نیست، چرا که هر جای دیگری در دنیا اگر با چنین تشکیلاتی طرف بودند که چند هزار نفر از مردم یک کشور را ترور کرده بودند، بدون شک آثار متعددی برای معرفی ماهیت واقعی آن‌ها تولید می‌شد.

«برای دخترم سمیه» هنوز بهترین مستند درباره منافقین است

فهمیم در ادامه با اشاره به آثاری که در این سال‌ها در ارتباط با منافقین در سینمای ایران تولید شده است، اظهار کرد: متأسفانه آثاری که در همین چند سال اخیر هم در ارتباط با سازمان منافقین تولید شده نیز اغلب آثار اثر ضعیفی بودند که نتوانسته بودند در رویکرد دراماتیک خود قوی ظاهر شوند. در حوزه مستند نیز وضعیت به همین شکل است و اگر بخواهیم بهترین اثر تولید شده در این حوزه درباره سازمان منافقین را انتخاب کنیم، باید به مستند «فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه» اشاره کنیم.

این منتقد پیشکسوت سینما در ادامه خاطر نشان کرد: به نظر من این مستند در گونه پرتره ساخته شده و در این گونه توانسته از عهده کار خود برآید. یعنی این فیلم اساساً در ارتباط با منافقین نیست بلکه پرتره‌ای در ارتباط با یک جوان بلندپرواز است که در زندگی خود دچار فراز و نشیب‌هایی می‌شود. در این شرایط، کار مستندساز برای اینکه بتواند او را در چارچوب مورد نظر خود قرار دهد و به لایه‌های درونی سوژه خود نزدیک شود، خیلی سخت است.

«ادوارد» یک پرتره جذاب است

وی با اشاره به هم‌نظر بودن خود با سلیمی‌نمین درباره ضعف پژوهش در این اثر گفت: این پاشنه آشیل عرصه مستندسازی کشورمان در این مستند نیز وجود دارد و من نیز در این زمینه با آقای سلیمی‌نمین هم‌نظر هستم. البته فیلمساز در بخش فرمی، هوشمندی‌هایی را به خرج داده است. فیلمساز توانسته در این اثر با تصویری لاغر و یک سوژه تقریباً معمولی اثری را بسازد که مخاطب را سرگرم کند و این کار ساده‌ای نیست. چون در گونه پرتره اصولاً ساخت مستندی که بتواند مخاطب را سرگرم کند و برای او جذاب باشد، کار بسیار سختی است ولی شاهین با هوشمندی توانسته با استفاده از عوامل مختلف از جمله موسیقی، این کار را انجام دهد.

مستندساز نتوانسته به سوژه‌اش جهت دهد

سلیمی‌نمین در ادامه این نشست با اشاره به اینکه این سوژه می‌تواند برای نسل امروز جذاب باشد، گفت: ما در دورانی زندگی می‌کنیم که اگر بخواهیم حجم بالایی از اطلاعات سیاسی را در یک اثر هنری به جوانانمان منتقل کنیم، قبول نمی‌کنند و به اصطلاح پس می‌زنند و من فکر می‌کنم نوع ورود به این قضیه خوب است و استفاده از موضوعاتی مثل موسیقی و یا آواز خواندن شخصیت اصلی که در فیلم شاهد آن هستیم، کمی می‌تواند فضای ناشی از سیاسی شدن موضوع را تلطیف کند اما مشکل این است که مستندساز نمی‌تواند به این سوژه خوب، جهت‌دهی کند تا از طریق این سوژه انتقال پیام را انجام دهد.

برخی از جریانات داخلی به دنبال تطهیر چهره منافقین هستند

کمرنگ بودن نقش پژوهش در مستند «ادوارد»

عباس سلیمی‌نمین مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران در ادامه این نشست با تقدیر از محمدباقر شاهین برای ساخت این اثر و پرداختن به بخشی از تاریخ معاصر، در ارتباط با مستند «ادوارد» گفت: اما نکته‌ای که درباره این مستند می‌خواهم بگویم آن است که این سوژه دارای ظرفیت چندانی برای پرداختن به همه ابعاد سازمان منافقین نیست. نکته دیگری که در ارتباط با این اثر با آن مواجه هستیم، کمرنگ بودن نقش پژوهش در آن است. یعنی انتظار می‌رفت که سازندگان با مطالعه در این حوزه، در اثر خود علاوه بر روایت سرگذشت زندگی شخصی ادوارد، اطلاعاتی درباره سازمان منافقین نیز ارائه می‌کردند و از این طریق سازندگان می‌توانستند به آنچه که از ساخت این اثر به دنبال آن بودند، نزدیک‌تر شوند.

سلیمی‌نمین در ادامه گفت: اما مسئله دیگر در ارتباط با ادوارد آن است که این فرد خود از جمله چهره‌های بسیار رده پایین سازمان منافقین بوده که ارتباط بسیار سطحی با سازمان داشته است. این در حالی است که در سازمان منافقین افرادی حضور داشتند که حتی تا ۱۰ سال در سلول انفرادی نگه داشته می‌شدند تا تأثیر آن‌ها بر سایر نیروهای سازمان تا حد ممکن کم شود. مثال‌های زیادی از این موارد وجود دارد ولی مسئله این است که آیا ادوارد می‌تواند به عنوان درجه‌ای برای شناخت پدیده پیچیده‌ای چون مجاهدین خلق باشد؟

اوج خشونت منافقین در مواجهه با چهره‌های جدا شده

سلیمی‌نمین در ادامه صحبت‌های خود با اشاره به ابعاد مختلفی که سازمان منافقین داشته و لزوم شناخت این ابعاد اظهار کرد: کتاب‌های مختلفی در ارتباط با سازمان منافقین از سوی افراد جدا شده از این سازمان در خارج از کشور منتشر شده است که با خواندن آن شما می‌توانید به ابعاد مختلف این سازمان و اوج معایب ضدانسانی این سازمان پی ببرید. سازمانی که انسان‌ها را از درون تهی می‌کند و البته ادوارد هم در این مستند بخشی از این موضوعات را بازگو می‌کند ولی نکته این است که او اساساً فرد مهمی در سازمان منافقین نبوده به همین خاطر پس از جدایی نیز مورد توجه افراد رده بالای سازمان قرار نمی‌گیرد؛ اما اگر شما همین رفتار را با رفتاری که سازمان منافقین پس از جدایی علی زرکش کرد، مقایسه کنید، متوجه اوج خشونت این سازمان می‌شوید.

ادوارد درباره منافقین نیست

محمد تقی فهمیم منتقد سینما دیگر چهره‌ای بود که در ادامه این نشست به نقد و بررسی مستند ادوارد پرداخت. فهمیم با اشاره به پیچیده بودن موضوع منافقین گفت: ما با تشکیلات مخوفی روبرو هستیم که آسیب‌های بسیاری را به جوانان این مملکت وارد کرده است و نمی‌توان از یک اثر انتظار داشت که به همه ابعاد این سازمان بپردازد. من باید به این نکته نیز اشاره کنم که به نظر من اساساً



به طور کلی بیشتر تلاش ما بر این بوده تا در این اثر به جای داشتن نگاهی سیاسی، با نگاهی انسانی به بررسی این سوژه بپردازیم؛ هر چند که من برای افزایش شناختم در ارتباط با منافقین، بیش از ۱۵ کتاب در ارتباط با آن‌ها خواندم و چند صد ساعت از برنامه‌ها و سخنرانی‌های آن‌ها را دیدم.

«ادوارد» روایتی متفاوت از منافقین

در چهارمین روز از هفته فیلم انقلاب اسلامی مستند ادوارد با روایتی جنجالی از فعالیت منافقین اکران شد.

مستند «ادوارد» به کارگردانی محمدباقر شاهین روایتی متفاوت از منافقین است و نقد و بررسی آن در برنامه هفته فیلم انقلاب اسلامی را محمد محبوبی که پژوهشگر فیلم «ماجرای نیمروز» و نویسنده کتاب «عملیات مهندسی» است، انجام داد. این فیلم مستند در مورد یک اقلیت مذهبی است، در واقع این فیلم در مورد یک ارمنی است که ۹ سال اسیر جنگ بوده است و بعد از آن به دلایلی به سازمان مجاهدین خلق می‌پیوندد که ۱۲ سال در آن به فعالیت می‌پردازد.

این فرد از همان سال اول احساس پشیمانی داشته اما به دلیل شرایط موجود در سازمان به وی اجازه خروج داده نمی‌شد که در نهایت او را تحویل زندان ابوغریب می‌دهند، او از آنجا به زندان اوین منتقل می‌شود که بعد از آزاد شدن به کشور آلمان مهاجرت می‌کند؛ او ۳۵ سال است که در غربت زندگی می‌کند.

مارکسیست برای مجاهدین خلق علم شد

محمد محبوبی پژوهشگر فیلم ماجرای نیمروز با بیان اینکه با نگاهی به شروع عمل سیاسی مجاهدین خلق می‌توان به ماهیت آنها پی برد، گفت: شروع عمل سیاسی این گروه از سال ۵۷ تا ۶۰ بود اما از سال ۴۴ عملیات مخفیانه شان را آغاز کردند. این سازمان ابتدا تمرکز خود را روی بحث‌های ایدئولوژیکی گذاشت و شروع به خواندن مباحث چپ و انقلاب‌های مارکسیستی دنیا کرد و مارکسیست برایشان علم شد. وی فعالیت این گروه را بعد از انقلاب ایدئولوژیکی ندانست و اظهار داشت: این سازمان از تفکر ایدئولوژیکی جدا شد و حب قدرت گرفت. نویسنده کتاب «عملیات مهندسی» سازمان مجاهدین خلق «افزود: سازمان مجاهدین خلق (منافقین) از اول انقلاب بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ نیرو داشت اما برای فعالیت‌های سیاسی و انگیزه‌هایشان نیاز به نیرو داشتند و این آمار بسیار کم بود تا تمامیت قدرت را به دست بگیرند.

عضویت چند صد هزار نفر در ۳ سال

محبوبی در ادامه بیان کرد: افرادی که در رأس تشکیلات بودند دیدند صاحب قدرت نیستند و هر کاری برای رسیدن به آن کردند اما افراد در بدنه تشکیلات ایدئولوژیکی و تشنه قدرت نبودند اما در ۳ سال از ۱۵۰ نفر به چند صد هزار نیرو رسیدند این نشان می‌داد که احساسات در این انتخاب دخیل بوده است. وی با بیان اینکه این تشکیلات احساسات افراد را بر انگیزه می‌کرد تا به سمت سازمان حرکت کنند، گفت: مثلاً دانش آموز عضو سازمان که ۱۸ سال سن داشته ۲۰ ترور انجام داده بود و این موضوع نشان از جذب بالای تشکیلات داشت. این پژوهشگر با برشمردن دو نوع ترور در سازمان اظهار داشت: ترورهای کمی ترورهای بود که افراد تشکیلات برای کشتن تعداد زیادی از مردم که ظاهر مذهبی داشتند انجام می‌دادند.

محبوبی ادامه داد: در ترورهای کیفی مسوولان، نماینده‌ها، امام جمعه‌ها و مقامات نظامی در راس عملیات‌ها شهید می‌شدند.

این مولف با بیان اینکه عملیات‌های کیفی سازمان مجاهدین خلق از سال‌ها قبل با برنامه و ساماندهی شده بود، گفت: این عملیات‌ها که بار عمده‌اش روی نفوذ و شناسایی بود یا توسط افرادی انجام می‌شد که توانسته بودند خود را در نظام جا دهند و یا افرادی آن را به عهده می‌گرفتند که از درون نظام جذب سازمان شده بودند.

این کارشناس تاریخ با اشاره به تلاش‌های اخیر برخی از جریانات داخلی برای تطهیر چهره سازمان منافقین گفت: دلیل تاکید من بر این موضوع این است که در چند سال اخیر جریاناتی در داخل کشور تلاش می‌کنند تا جنایت‌های سازمان مجاهدین را تطهیر کنند و این سازمان را مظلوم نشان دهند. این مسئله قابل تأملی است. لذا شما می‌بینید غربی‌ها با همکاری اسرائیل همزمان با نشست اخیر سازمان مجاهدین در پاریس، به دنبال حرکتی تازه برای تطهیر این سازمان بودند.

وی افزود: من در این مدت اخیر مقالاتی را در برخی از مجلات داخلی دیدم که می‌خواهند آرام آرام سازمان منافقین را تبرئه کنند و آن‌ها را افرادی نشان دهد که از سرناچاری دست به سلاح بردند در حالی که همه مقالات نوشته شده توسط اعضای برده‌ای از مجاهدین خلق در خارج از کشور نشان می‌دهد که مجاهدین خلق از ابتدای پیروزی انقلاب اعضای خود را به طرف ایجاد تنفر از انقلاب اسلامی سوق می‌دهد تا روزی آن‌ها را مجبور کند که علیه این نظام، اسلحه به دست بگیرند.

مستند ساز سیاسی نیستیم

محمدباقر شاهین کارگردان این اثر در ادامه برنامه در پاسخ به نقدهای مطرح شده به مستند «ادوارد» گفت: من با سوژه‌ای طرف بودم که حتی یک فریم آرشیوی از او موجود نبود و من باید روایتی از ۵۲ سال زندگی این فرد را بدون حتی یک فریم آرشیو روایت می‌کردم. این بزرگترین چالشی بود که با آن روبرو بودم که بتوانم همه ابعاد شخصیتی او را آن گونه که مدنظر بودم، به تصویر بکشم. من نمی‌خواهم ارزش مستندهای سیاسی را پایین بیاورم ولی من مستندساز سیاسی نیستیم و ادعایی هم ندارم که فیلم من در ارتباط با مجاهدین خلق است بلکه ارتباط سوژه با مجاهدین خلق تنها بخشی از مستند من است.

از زاویه انسانی به ادوارد نگاه کردیم نه سیاسی

وی با اشاره به این نقد که ادوارد نقش مهمی در سازمان منافقین نداشته نیز اظهار کرد: شما در هر اداره‌ای که وارد شوید، می‌توانید این نکته را ببینید که ممکن است آبدارچی یک اداره از مشاور رئیس آن مجموعه، اشراف بیشتری نسبت به شرایط و ویژگی‌های آن اداره داشته باشد و این سوژه را نیز می‌توان از همین زاویه نگاه کرد. اما به طور کلی بیشتر تلاش ما بر این بوده تا در این اثر به جای داشتن نگاهی سیاسی، با نگاهی انسانی به بررسی این سوژه بپردازم؛ هر چند که من برای افزایش شناختم در ارتباط با منافقین، بیش از ۱۵ کتاب در ارتباط با آن‌ها خواندم و چند صد ساعت از برنامه‌ها و سخنرانی‌های آن‌ها را دیدم.

او در ادامه خاطر نشان کرد: من دوست دارم برای نسل جوان که خود نیز جزئی از آن‌ها هستیم، فیلم بسازم. با همین نگاه و شناختی که از نسل خودم دارم سعی کردم به نحوی قصه ادوارد را روایت کنم که نسل جوان بتواند بیشتر به شخصیت او نزدیک شود. علاوه بر این قرار نیست که ما همه سوالات مخاطب که شاید در یک سریال ۵۰ قسمتی هم نمی‌شود به آن پاسخ داد در یک مستند ۷۰ دقیقه‌ای پاسخ دهیم بلکه همه تلاش ما بر این بود که برای مخاطبی که از سازمان مجاهدین خلق اطلاعی ندارد، سوال ایجاد کنیم.

۳ سال تلاش برای یک مستند

کارگردان مستند «ادوارد» درباره روند ساخت این اثر که به سرگذشت یکی از اعضای جداسده سازمان تروریستی منافقین می پردازد، توضیحاتی ارائه داد. محمدباقر شاهین کارگردان مستند بلند «ادوارد» درباره این اثر گفت: من مستندساز جنگ هستم و قبل از مستند «ادوارد» در عراق، سوریه و افغانستان فیلم هایی تولید کردم از همین رو همیشه دوست داشتم به جنگ از یک زاویه دیگر نگاه کنم و در مستند «ادوارد» هم تمام تلاشم را کردم که به این فضا نزدیک شوم.

وی با اشاره به اینکه شخصیت اصلی این مستند با نام ادوارد در سال ۵۹ برای وطنش می جنگد اما در حال حاضر شرایط به گونه ای شده است که با همه این سختی ها در غربت زندگی می کند، افزود: ادوارد شخصی است که در سال ۵۹ یعنی اوایل جنگ و در حالی که مشغول دفاع از کشور بوده است، اسیر می شود و ۹ سال از عمر خود را در زندان های عراق سپری می کند و در مدت اسارت فشارهای زیادی را متحمل می شود. او در همین اثنا و در حالی که از سوی همه فراموش شده بود به سازمان مجاهدین خلق می پیوندد و حدود ۱۲ سال هم به لحاظ ایدئولوژی و تفکر اسیر منافقین می شود.

شاهین با اشاره به چگونگی پیدا کردن ادوارد اظهار کرد: من برای اولین بار ادوارد را در برنامه «به عبارت دیگر» بی بی سی مشاهده کردم و از آنجا سرگذشت زندگی اش مرا درگیر کرد. بعد از چند ماه به جشنواره برلین دعوت شدم و تصمیم گرفتم که هر طور شده ردی از او پیدا کنم و بتوانم او را ببینم به همین ترتیب بعد از پرس و جو هایی که با دوستان فیلمساز و خبرنگارم در شهر کلن آلمان داشتم شماره ای از ادوارد پیدا کردم.

این کارگردان ادامه داد: اولین باری که ادوارد را دیدم متوجه شدم که نمی شود این فیلم را با یک سفر و به تنهایی ساخت به همین دلیل ارتباطم را با او بیشتر کردم و در نهایت این کار نزدیک به سه سال طول کشید.

شاهین بیان کرد: با توجه به اینکه ادوارد در آلمان زندگی می کند تمام فیلمبرداری این اثر در کشور آلمان انجام شد و به طور کلی ما در این فیلم به آسیب های جنگ همچون مهاجرت، اسارت و... نیز پرداختیم.

وی با اشاره به چگونگی ساخت مستند «ادوارد» توضیح داد: همیشه هنگام ساخت یک اثر سوژه هایم جزئی از زندگی من می شوند و اگر این اتفاق نیفتد من شروع به ساخت آن اثر نمی کنم. از همین رو برای اینکه بخواهم نظر مثبت ادوارد را برای ساخت این مستند جلب کنم نزدیک ۲ سال با او گفتگوی اسکایپی می کردم و البته سفرهایی هم به آنجا داشتم.

کارگردان «مالکیه» اضافه کرد: یکی از موضوعات مهمی که در «ادوارد» به آن پرداخته می شود این است که او شخصی از اقلیت های مذهبی است، مساله ای که چندین سال است ما آن را فراموش کرده ایم و به واسطه همین کم توجهی تاکنون تعدادی از این افراد از کشور مهاجرت کرده اند. برای مثال در حالی که ادوارد یک شخص ارمنی بوده که برای این کشور جنگیده و اسیر شده اما فراموش شده است و همه عوامل دست به دست هم داده که او در برهه ای از زمان عضوی از این سازمان تروریستی شود.

شاهین بیان کرد: ادوارد در حال حاضر در کشور آلمان مشغول انتقال تجربه های تلخ و سخت خود از مجاهدین خلق به دیگران و یک فعال علیه این سازمان در اروپا است ولی او حتی در حال حاضر هم در غربتی شبیه به اسارت زندگی می کند.

وی با اشاره به دلایل ساخته نشدن چنین آثاری در طول این سال ها گفت: سینمای مستند سیاسی در این چند ساله در ایران مهجور مانده است چون ما شاهد فیلم هایی بودیم که موضع گیری های جانب دارانه داشته اند به همین دلیل کمتر کسی سراغ ساخت چنین آثاری رفته است. نکته دیگری که می توان به آن اشاره کرد این است که در این سال ها فضای کار کارگردانان بسته بوده و نمی توانسته اند همه چیز را بیان کنند به همین دلیل فکر می کنم مستند «ادوارد» جزو معدود فیلم هایی است که شیوه جدا شدن اعضای گروهک مجاهدین خلق را از طریق زندگی شخصی شان نشان داده است.

شاهین در پایان ضمن تشکر از تمامی عوامل فیلم گفت: عوامل این فیلم خیلی صمیمانه به من کمک کردند به ویژه بابک حیدری که در تدوین و حامد شکیبانیا که به عنوان مشاور پروژه در همه مراحل من را همراهی کردند.

عوامل فیلم عبارتند از: فیلمبردار: محمد حدادی، صدابردار: حسن شابانکاره، طرح و پژوهش: علیرضا تلوری، محمدباقر شاهین، مدیر تولید: افسون محمود نژاد، اصلاح رنگ و نور: حمیدرضا فتورچیان، طراح پوستر: علی باقری و تهیه شده در مرکز مستند سوره.

«ادوارد» همانی بود که منتظرش بودیم

محسن اسلام زاده



مدت‌ها بود که اخبار جسته‌گریخته‌ای در مورد تولید فیلم جدید محمدباقر شاهین در آلمان می‌شنیدم. شاهین در چند سال اخیر با مستند کوتاه «مالکیه» که در سوریه ساخته بود، به موفقیت‌هایی در جشنواره‌های داخلی و خارجی دست پیدا کرده بود.

چند هفته قبل از شروع تولید مستند «ادوارد»، برای شرکت در جشنواره «نهج» کربلا با هم‌مسافر شدیم. گپ و گفت زیادی در مورد مستندسازی داشتیم. محمدباقر در چند سال اخیر، وقت بسیاری صرف دیدن مستند و تجزیه و تحلیل آثار سینمایی کرده بود و مشخص بود که با چنین پیشینه‌ای ایده ساخت مستند کوتاه «مالکیه» به ذهنش رسیده بود.

بالاخره بعد از یکی دو سال قرار بر رونمایی «ادوارد» در جشنواره سینما حقیقت شد. متأسفانه هیچ‌یک از اکران‌ها در سالن اصلی نبود و سالن‌های فرعی مملو از جمعیت برای دیدن مستند جدید محمدباقر شاهین شده بود.

«ادوارد» یکی از هموطنان ارمنی‌مان است که زندگی پر فراز و نشیبی داشته که بخشی از آن در اردوگاه اشرف و تحت سلطه سازمان تروریستی منافقین بوده است. اولین نکته درست فیلم انتخاب بجای شخصیت اصلی است. روایت زندگی ادوارد، نه در زندان اوین یا اتاق‌های وزارت اطلاعات یا حتی داخل ایران که در یکی از کشورهای اروپای غربی روایت می‌شود. روایتی دردناک از شخصیتی که با کابوس‌های زیادی دست به گریبان است؛ از خاطرات تلخ دوران زندگی در اشرف تا تهدید علنی به ترور توسط سازمان تروریستی منافقین در قلب اروپا. دومین نکته مثبت فیلم نزدیکی به شخصیت اصلی و به تصویر کشیدن این کابوس‌ها با کمک عنصر صدا در مقاطع مختلف فیلم است، آنجایی که فضایی وهم‌آلود ساخته می‌شود و سخنرانی‌های سرکرده منافقین پخش می‌شود. به طور حتم عهد مستندساز مبنی بر استفاده نکردن از آرشیو، او را به چنین خلاقیتی رسانده است.

در لایه‌های بعدی، مستند «ادوارد» یک اثر ضد مهاجرت است و زندگی سخت شخصیت اصلی، بخشی از واقعیت مهاجرت به غرب را به تصویر کشیده است.

مستند «ادوارد» با تیم کاملاً حرفه‌ای و با دقت و حساسیت بالای کارگردان ساخته شده؛ اما به راحتی در جشنواره سینما حقیقت بایکوت شد تا پیامی روشن به مستندسازان داده شود که سراغ اینگونه آثار نروند و اگر رفتند بدانند با سخت‌گیری نسبت به آثار اجتماعی با آن‌ها برخورد می‌شود.

هر چند بر همگان روشن است که جشنواره سینما حقیقت در چننه جریان روشنفکری بوده و آثار اجتماعی با وجود ضعیف و تکراری بودن در اولویت توجه هستند؛ اما آثار قوی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در جشنواره یازدهم، نشان داد که با تمام سخت‌گیری‌هایی که در مورد مستندهای انقلابی می‌شود، از این پس باید بپذیرند که رقاباتی جدی و غیر قابل کتمان در جشنواره‌های داخلی و خارجی ظهور کرده‌اند که محمدباقر شاهین یکی از آنهاست.



«ادوارد»؛ شمعی در ظلمات

جلیل سامان



سازمان منافقین شجره خبیثه‌ای است که جز ننگ و پشیمانی و فئای نفوس ثمره دیگری نداشته است به تعداد تک تک اعضای این سازمان داستان‌های عبرت آموزی وجود دارد که می‌توان تمام رذیلت‌های انسان را در آنها دید منشأ این انحرافات بزرگ و گرایش به سمت آن جز هوای نفس و بی‌خردی نیست. امروز کمترین تردیدی در ارتباط با جنایت‌های این سازمان کثیف وجود ندارد اما چگونه است که مدعیان حقوق بشر آن را به عنوان سازمانی غیر تروریستی به رسمیت می‌شناسند؟ این نشانه حاکمیت جهل در جهان است حاکمیتی که به مدد پول‌های کثیف و رسانه‌ها تثبیت شده است ساختن آثاری نظیر مستند «ادوارد» می‌تواند نظیر برافروختن شمعی باشد در این ظلمات... امیدوارم کارهایی از این دست برای روشنگری بیشتر و ثبت در تاریخ همچنان تولید شود.

پرانتری از نمای پاییزی در ختزار

سید محمد حسینی



معمولاً آدم وقتی خاطرات گذشته را مرور می‌کند... این خاطرات تلخ است که یاد می‌آیند... خاطرات گذشته فراموش شدنی نیست... ادوارد در همین جمله گویی خلاصه می‌شود. زندگی او از همان زمان که به سرکاری اعزام می‌شود در اجباری ناخاسته پیچیده شده و کاری نمی‌تواند بکند جز تمکین وضعیت موجود. در این میان دو اتفاق بارقه‌های امیدی هستند که او را در این جهان بی‌وجه تا حدودی خود ساخته زنده نگه می‌دارند.

دوستی با حسن رحیمی که بناست به قیمت شهادت خود جان ادوارد را نجات دهد. و دعای مادر که گویی نقش تونلی را بازی می‌کند از بازداشتگاه انفرادی اشرف به زندان مخوف ابوغریب و در نهایت از ابوغریب به ایران و بازگشت او به زندگی.

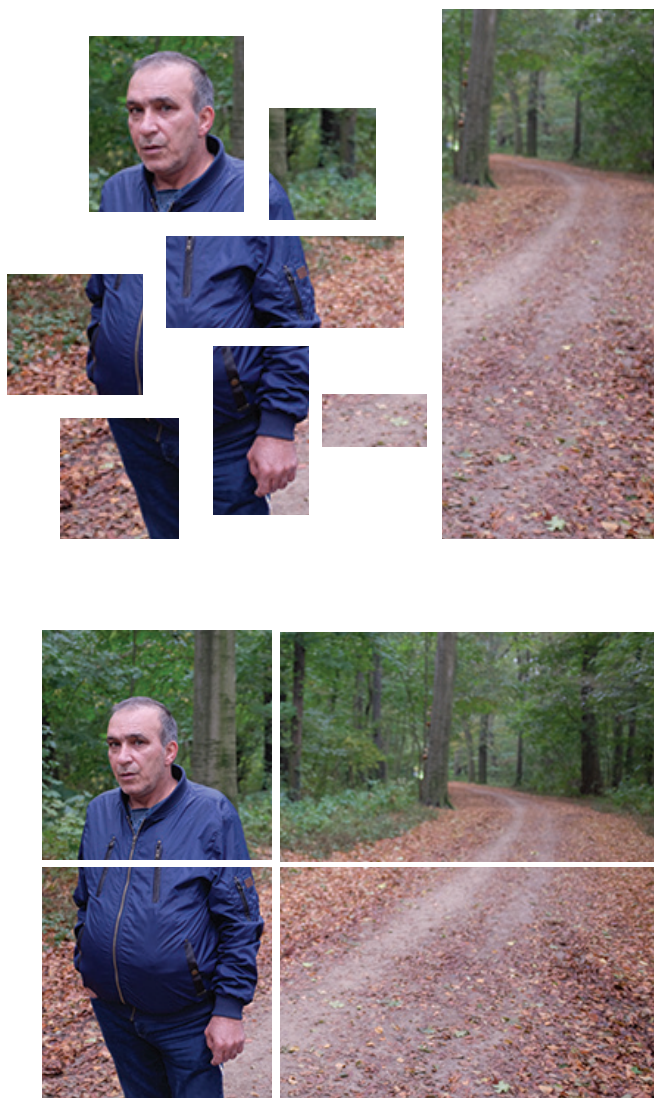
ادوارد که در تمام مدت حیاتش سعی در فراموشی این هر دو را داشته. در مسیر سرنوشت دوباره به مغناتیس عشق مادری جلب می‌شود و بعد فرصت می‌یابد به گذشته ببیند و به خاطر بیاورد حسن رحیمی چگونه با سپر کردن جانش باعث زنده ماندن او شد. زنده ماندنی که شاید یک ماموریت اساسی در قبال بخشی از تاریخ معاصر ایران است.

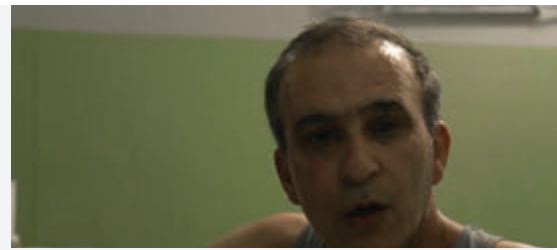
زدودن غبار تزویر و ریا از چهره فرقه‌ای که دم از آزادی می‌زند و تا نهایت ممکن دستش در خون انسانهای بی‌گناه فرو رفته و با خیانت و جنایت و قتل و دروغ خود را زنده نگهداشته تا نمادی باشد از تغییر بزرگ ملاکهای انسانیت در عصر مدرن.

فیلم در پرانتری از نمای پاییزی در ختزاری خلوت پیچیده شده. که شاید نمادین‌ترین حالت بیان معنای زندگی ادوارد است. چنانکه به نظر می‌رسد فیلمساز قصد دارد به مخاطبش بگوید زندگی ادوارد یک فصل بیشتر ندارد.

فصلی که نه می‌توان فراموشش کرد و نه می‌توان با آن تا انتها ادامه داد.

فقط باید با تی زمین آلوده آن را سایید و عرق ریخت تا شاید بخشی از آن جبران شود...





دریچه‌ی متفاوت برای کشف ماهیت منافقین

و جید یامین پور



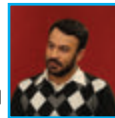
اینکه دشمنان انقلاب اسلامی از پلیدترین‌های تاریخ هستند خود نشانه‌ای بر حقانیت این انقلاب و نظام است.

مستند «ادوارد» دریچه‌ی جدید و متفاوتی بود برای کشف ماهیت غیر انسانی سازمان منافقین؛ انتخاب ادوارد به عنوان یک هموطن ارمنی و قصه پر غصه او ضمن بیان متفاوت او در نقد سازمان منافقین این مستند را از نمونه‌های دیگر متمایز کرده است. به خصوص دیدن این مستند برای کسانی که فرصت آشنایی با این مجموعه‌ی شیطانی را از طریق مطالعه اسناد نداشته‌اند، می‌تواند جذاب تر باشد.



داستان آرزوهای ذبح شده

محمد مهدی شیخ صراف



در مقابل این تلخی انباشته، زندگی در جریان است. ادوارد گروه مستندساز را به طور کامل در خانه و خانواده‌اش پذیرفته. او روزها غذا می‌پزد، شبها کف کافه را تی می‌کشد، تمرین آواز می‌کند و خانواده‌اش در تدارک جشن تولد هستند. صحنه بازی کردن او با فرزندان در خیابان پوشیده از برگهای پاییزی پلان پیچیده‌ای نیست اما بسیار شیرین است. با تمام این اوصاف فیلم قدری طولانی‌تر از انتظار شده است و این یکی از نقاط ضعف اثر است.

داستان ادوارد داستان آرزوهایست. داستان بلایی که جنگ، اسارت، بی وطن شدن بر سر یک مرد می‌آورد. داستان آرزوهای ذبح شده. کلیدی‌ترین نقطه فیلم جایی است که او می‌گوید تنها دلش می‌خواست از دواج کند و فرزند دختری داشته باشد. چطور یک مرد به جایی می‌رسد که ساده‌ترین رخدادهای زندگی برایش به آرزویی دست نیافتنی تبدیل می‌شود؟ این اتفاق در جایی می‌افتد که از دواج در آن جرم است و حتی در دوره‌ای فرزندان اعضایش را از آنها جدا کرد و به خانواده‌های اروپایی فروخت. چنین چیزی تنها در جایی مثل اردوگاه اشرف و تشکیلات منافقین می‌تواند اتفاق بیفتد. شبیه بلایی که آنها سالهاست می‌خواهند بر سر تمام مردم ایران بیاورند.

می‌کند. با زیرپیراهن رکابی شاهین را خطاب قرار می‌دهد و از این به بعد به راحتی با او صحبت می‌کند. حتی جایی در گفتگو با همسرش، کارگردان را دست می‌اندازد و البته هوشمندی کارگردان در این مواقع همان ادامه ضبط تصویر است، گاهی بدون اینکه اصلاح کادر کند.

مستند با یک تلخی انباشته مواجه است. رخدادهایی که هر یک به تنهایی می‌تواند زندگی یک نفر را تا پایان تحت تاثیر قرار دهد برای ادوارد افتاده است. تجربه جنگ و جراحت در میدان نبرد. اسارت و زندگی در اردوگاه اسرا با سخت‌ترین شرایط، پیوستن به یکی از عجیب‌ترین تشکیلات نظامی دنیا با ساختاری آهنین و غیرقابل خروج، تجربه زندان ابوغریب و استخبارات صدام، از دست دادن دختری که عاشق او بود و سالها برای بازگشت به انتظار نشست. همه اینها موجب می‌شود که ادوارد پس از گذر سالها هنوز دچار کابوسهایی باشد که بیشتر آنها به خاطراتی بر می‌گردد که از مجاهدین خلق دارد. مستندساز اما در ورود به این خاطرات زیاده روی نمی‌کند و حد نگی می‌دارد تا غلظت آن مخاطب را آزار ندهد. بلکه به نمایش اثر درونی و نتیجه آن بر سوژه‌اش پرداخت و این یکی از سخت‌ترین کارهاست.

موفقیت کارگردان ادوارد در پوشاندن نقاط ضعفی است که می‌توانست مستند را به یک اثر بدون کشش تبدیل کند اما حالا نقطه قوت اوست. مستندساز با یک مرد بازگشته از طوفان سهمگین زندگی مواجه است کسی که فقط و فقط زندگی فعلی‌اش در کلن آلمان جلوی چشم ماست و خاطراتی که تصاویر آن فقط در ذهن او موجود است. نبود حتی یک فریم تصویر آرشیوی از زندگی پر فراز و نشیب سوژه، کار را برای کارگردان بسیار دشوار می‌کند. در ایران از نوجوانی تا رفتن به جبهه، در عراق از زمان اسارت تا اردوگاه اشرف و ابوغریب و حتی دوران پس از آزادی هیچ قرینه‌ای در دسترس نیست؛ حتی از چهره مادر ادوارد که سالها چشم به راه فرزندش بوده. کار وقتی دشوارتر می‌شود که کارگردان قصد کرده یک مستند پر تره بسازد، نه مثلاً یک مستند درباره اسرار درون پادگان مخوف اشرف از زبان یک شاهد عینی.

او برای این کار پیش از همه دیوار بین سوژه و کارگردان را شکسته. در مستند این را می‌بینیم که حرف زدن با دوربین برای ادوارد دشوار است. عصبی و بر آشفته می‌شود، از صندلی بر می‌خیزد، پیراهنش را در می‌آورد، سیگاری روشن می‌کند و لحظه طلایی شکل می‌گیرد. ادوارد از دیوار نامرئی لنز دوربین عبور





تعامل، کلید حل مشکلات سینمای ایران



سید رضا اورنگ

می‌داند که حضور نهادهایی مانند حوزه هنری در عرصه تولید سینما چقدر موثر و مشکل‌گشاست. دیدار وی با مومنی شریف نیز با این دید انجام شده است.

حیدریان باید بدانند که سازمان تحت امر وی متعلق به تمام ارگان‌ها و کسانی است که در این عرصه فعالیت می‌کنند. جانب‌داری وی از یک عده خاص، نوعی تبعیض خواهد بود که تأثیر بد داشته و خواهد داشت. رییس سازمان سینمایی، باید عدالت پیشه کرده و حق همه را محترم بشمارد.

دیدار حیدریان با مومنی شریف، گویای این نکته است که با چنین نهادی نمی‌شود با زبان زور و تهدید سخن گفت، باید تعامل پیشه کرد و حق آنها را به خصوص در زمینه اکران فیلم محترم شمرد. حوزه هنری نیز مانند تمام سینماداران حق انتخاب دارد و باید به آن احترام گذاشته شود.

همان گونه که حیدریان به این مهم پی برده که حوزه هنری، شهرداری و دیگر ارگان‌ها بازوی توانایی برای کمک به سینمای ایران هستند، امید است عده‌ای از تهیه‌کنندگان نیز که همیشه ساز به دلخواه زده و می‌زنند به اهمیت تعامل با این نهادها پی ببرند.

باید همه سینمایی‌ها با یکدیگر تشریک مساعی داشته باشند که مشکلات کوچک به پیچ و تاب گره‌های کور نیفتند. / خبرگزاری دانشجو

اکران نشدن برخی از فیلم‌ها در سینماهای حوزه هنری و شهرداری، باعث شد گروهی فراقانونی عمل کرده و خودسر تصمیم به مقابله با این دو نهاد موثر بگیرند.

درگیر شدن با این نهادهای تأثیرگذار، بی‌شک به سینمای ایران و اقتصاد آن ضربه می‌زند.

عده‌ای می‌اندیشیدند که رییس حوزه هنری به زودی تغییر خواهد کرد و آنان می‌توانند خواست‌های نامعقول خود را به رییس جدید تحمیل کنند، اما ابقای محسن مومنی شریف خواب آنان را آشفته کرد.

بعد از این ابقا، رییس سازمان سینمایی و برخی از مسؤولان زیرمجموعه این سازمان به دیدار مومنی شریف شتافتند تا قافیه را نبازند.

این دیدار می‌تواند کمک حال سینمای تقریباً ورشکسته ایران باشد. این گونه دیدارها، باید بین مسؤولان سینمایی کشور و مدیران نهادها به طور مرتب انجام شود تا با تشریک مساعی مشکلات کمتر و برای آینده سینمای ایران تصمیمات کاربردی گرفت. تعامل، کلید حل مشکلات سینمای ایران است. آنانی که فراقانونی عمل می‌کنند باید بدانند که فقط تعامل چاره حل مشکل است، نه جار و جنجال مطبوعاتی و مظلوم‌نمایی.

بی‌شک محمد مهدی حیدریان بهتر از هر کسی

سینمای ایران با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان است. همه کسانی که به نوعی با سینما درگیر هستند از این مشکلات می‌گویند، اما هیچ کسی، از مسؤول گرفته تا فیلمساز راه حلی عملی برای رفع این مشکلات ارائه نداده‌اند. اگر هم کسی سخنی بر لب آورده شعاری بیش نبوده است.

متأسفانه برخی که خود را سردمدار سینما می‌دانند، به جای حل مشکل، مشکل آفرینی کرده و فراقانونی عمل می‌کنند.

رییس سازمان سینمایی و مدیران پایین دست، نه تنها با مشکل آفرینان و دردسر سازان عرصه سینما برخورد نمی‌کنند، بلکه گاهی نیز با آنان همراه می‌شوند.

در سینمای ایران علاوه بر بخش به اصطلاح خصوصی، نهادهای دیگری هم از گذشته‌های دور در این عرصه فعال بوده و تأثیرات مهمی بر جای گذارده‌اند که می‌توان به سازمان سینمایی حوزه هنری، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و شهرداری اشاره کرد.

این سه نهاد، به ویژه حوزه هنری آثار زیادی را تولید و به نمایش درآورده‌اند. متأسفانه گاهی به جای تعامل با این نهادها، چوب لای چرخ آنها گذاشته تا از حرکت بیفتند. این در حالی است که این نهادها در بدترین زمان‌ها به پروژه‌های سینمایی کمک کرده‌اند تا سینمای ایران از حرکت نیفتد.

اکران نوروزی «فیلساه»

کارنامه موفق بهمن سبز در پخش



فیلم سینمایی «فیلساه» یکی از آثار موفق اکران نوروزی بوده است. این فیلم که پخش آن را موسسه بهمن سبز حوزه هنری بر عهده داشت بر غم پیش بینی‌ها، با تدبیر و هوشمندی در بهره‌گیری از روش‌های تبلیغاتی و بازاریابی صحیح و مدیریت هدفمند بهمن سبز در مهندسی اکران سینمایی با استقبال غیرمنتظره مخاطبان سینما بوژه خانواده‌ها مواجه شد.

در همین راستا، برنامه سینما روایت که آغاز فصل ششم و یکصد و بیست و نهمین برنامه‌اش را به نقد و بررسی انیمیشن «فیلساه» با حضور هادی محمدیان (کارگردان)، حامد جعفری (تهیه‌کننده)، دکتر سید بشیر حسینی (منتقد) و محمد مهدی شیخ‌صراف (مجری - کارشناس) اختصاص داشت.

اهمیت کمپانی‌ها در تولید انیمیشن

در این برنامه حامد جعفری، تهیه‌کننده «فیلساه» با برشمردن تفاوت‌های تولید آثار انیمیشن و آثار رئال گفت: یکی از اصلی‌ترین تفاوت‌های میان آثار انیمیشن و رئال، کمپانی محور بودن آثار انیمیشن است. یعنی برای مثال اگر در همین جمع اسمی از انیمیشن برده شود، همه بلافاصله نام کمپانی‌های بزرگی که پشت سر تولید این آثار هستند، به ذهنشان می‌آید و کمتر اسم افراد در حوزه انیمیشن شناخته شده است. این یکی از نشانه‌های اهمیت کمپانی در تولید انیمیشن است. ما از سال ۸۶ کار انیمیشن‌سازی را آغاز کردیم و با راه‌اندازی گروه «هنرپویا» این راه را ادامه دادیم و در این مسیر به این جمع‌بندی رسیده بودیم که کار سینمایی بلند تولید کنیم که اولین قدم جدی آن «شاهزاده روم» بود که در سال ۹۴ اکران شد و تبدیل به پرفروش‌ترین انیمیشن تاریخ سینمای ایران تا آن زمان شد. اما در تلاش هستیم که بتوانیم به عنوان یک کمپانی انیمیشن‌سازی در کشور شناخته شویم.

اکران نوروزی یک موفقیت برای «فیلساه» بود

جعفری در ادامه با اشاره به تاثیر بازخوردهای «شاهزاده روم» بر روند تولید دومین اثر سینمایی هنرپویا یعنی «فیلساه» اظهار کرد: پس از «شاهزاده روم» سعی کردیم با توجه به بازخوردهایی که از طیف متنوع مخاطبان اثر از جمله بچه‌ها، والدین و کارشناسان گرفتیم، نواقص را در «فیلساه» کمتر کنیم و البته تاثیر خود را هم داشت. «شاهزاده روم» نقطه عطفی در تاریخ سینمای ایران است که به انیمیشن کشور کمک به سزایی کرده است، به نظر من یکی از موفقیت‌های مهم هنرپویا، اکران نوروزی «فیلساه» بود؛ چرا که کسانی که با فرآیند اکران در سینمای ایران آشنا باشند، از میزان اهمیت بالای اکران نوروزی در آن آگاه هستند. در این مسیر هم سازمان سینمایی که برای اکران یک فیلم کودک در اکران نوروزی به ما کمک کرد و هم استقبال خوب مردم موثر بود و فروش بیش از ۸،۵ میلیارد تومانی «فیلساه» حاصل اعتماد مردم به برند «هنرپویا» بوده است و البته هنوز هم اکران ما در برخی شهرها ادامه دارد، و این موفقیت قطعاً زمینه تکرار موفقیت را برای دیگر آثار کودک و انیمیشن فراهم کرده است.

محصولات جانبی «فیلساه»، از سریال تا کتاب نقاشی

رئیس هیئت مدیره گروه «هنرپویا» در ارتباط با سایر برنامه‌های

اکران این اثر گفت: ما از اینجا به بعد دو موضوع مهم را در ارتباط با «فیلساه» دنبال می‌کنیم. یکی اکران‌های دانش‌آموزی برای مدارس و دیگری هم تولید محصولات جانبی از این انیمیشن است که تا به امروز فقط نزدیک به یک میلیون جلد دفتر از کاراکترهای مختلف «فیلساه» تولید شده و در حال توزیع برای فصل شهر یورماه و آغاز سال تحصیلی جدید مدارس است. در کنار این برای «فیلساه» کتاب نقاشی و استیکر، تم تولد و تم جشن تکلیف و بسیاری محصولات متنوع دیگر طراحی شد تا بتوانیم بحث استمرار ارتباط با مخاطب را از طریق تولید محصولات جانبی داشته باشیم. در کنار همه این موارد در حال پیگیری تولید سریال «فیلساه» هستیم تا بتوانیم این موضوع را به عنوان یک پیکج به مخاطب خود ارائه کنیم.

جعفری در پایان با اشاره تحقیقات بازار و تحلیل مخاطبی که به صورت یک طرح علمی به سفارش «هنرپویا» انجام شده است گفت: برای ما بازخوردها و نظرات مخاطبان بسیار مهم است، ما از یک گروه علمی در دانشگاه علامه طباطبائی خواستیم که در حوزه تحلیل مخاطب و اثربخشی تبلیغات و پیام فیلم و سایر پارامترها به ما کمک کند که این طرح انجام شده و با حضور در سینماهای مختلف و مصاحبه با والدین و فرزندان آنها در سینماهای مختلف به بازخوردهای جالبی دست یافته ایم که انشاءالله در آثار بعدی خود از نتایج این تحقیقات استفاده خواهیم کرد.

سختی‌های ساخت فیلم برای مخاطب کودک

در ادامه هادی محمدیان، کارگردان «فیلساه» در ادامه این نشست با بیان این نکته که پس از ساخت «شاهزاده روم» و دریافت بازخوردهای مخاطبان، در گروه محتوایی «هنرپویا» تصمیم گرفته شد که سن مخاطبان آثار مجموعه باید از گروه نوجوان و جوان، به گروه کودک

و نوجوان تقلیل یابد، گفت: اجرای این تصمیم خیلی سخت بود. چرا که قبل از ما تجربه تولید انیمیشن سینمایی برای گروه کودک و نوجوان در داخل کشور وجود نداشت. اولویت اول ما این بود که بچه‌ها کار را دوست داشته باشند، به ویژه آن که مخاطب کودک و نوجوان نسبت به اثر بی‌رحم است و اگر آن را دوست نداشته باشد، در سالن سینما نمی‌نشیند. این در حالی است که در سینمای بزرگسال نگره داشتن مخاطب در سالن و توانایی فیلمساز برای اقناع مخاطب در جهت تماشای فیلم تا انتها بسیار راحت‌تر است. ما مخاطب این اثر را کودکان بالای ۶ سال در نظر گرفتیم، چرا که اساساً سینما رسانه کودکان کمتر از این سن نیست اساساً ممکن است به واسطه شرایط سینما و تارک شدن سالن پیش از آن که بخواهند با اثر ارتباط برقرار کنند، از فضای سالن بترسند.

«شاهزاده روم» نقطه عطف تولیدات انیمیشن ایران بود

دکتر سید بشیر حسینی منتقد حاضر در این برنامه نیز در سخنانی با اشاره به تغییرات مهمی که در حوزه تولید انیمیشن طی چند سال گذشته اتفاق افتاده است، گفت: تا چند سال پیش جریان انقلابی در حوزه تولید انیمیشن حضور چشمگیری نداشت و آثار و تولیداتشان رانمی‌شد جدی گرفت، ولی از چند سال پیش و خصوصاً پس از تولید انیمیشن «شاهزاده روم» فضای انیمیشن در سینمای ایران به طور کلی تغییر پیدا کرده است. به شکلی که فضای جریان اقلیت و اکثریتی که در حوزه سینمای رئال ایران داریم، به شکل کاملاً معکوس در حوزه انیمیشن شکل گرفت. یکی دیگر از اتفاقات مبارک در ارتباط با حوزه انیمیشن طی این سال‌ها همبستگی بیشتر فعالان این حوزه با هم بود، که یکی از نمونه‌های آن همراهی شبکه پویا با «فیلساه» بود. اتفاقی که نتیجه خودباوری ایجاد شده پس از تولید «شاهزاده روم» بود که خود را در اینجا نشان داد.



می‌دهد ما تا چه حدی در این زمینه موفق بوده‌ایم. به عنوان مثال یکی از انتقاداتی که من خیلی دیده‌ام در مورد «فیلشاه» مطرح می‌کنند این است که فیلم دوپاره بوده است، در حالی که بازخوردهای آماری که ما از مخاطبان گرفتیم نشان می‌دهد که کمتر از ۱۰ درصد از مخاطبان ما به این موضوع اشاره کردند و این نشان می‌دهد بخشی از این نقدها، بیشتر نظرات کارشناسی افراد است که به جای نظر مخاطب جازده می‌شود. البته ممکن است این سوال مطرح شود که چرا مخاطب با وجود همه این ضعف‌ها که خود ما بیشتر از هر کسی به آن آگاه هستیم پای این آثار می‌نشینند؟ به نظر من به این دلیل است که مخاطب برای این روند رو به رشد انیمیشن احترام قائل است و برایش مهم است که مجموعه «هنرپویا» به عنوان یک کمپانی بتواند برای بچه‌های این سرزمین آثار فاخر و با کیفیت تولید کند.

خاطره جالب دانشجوی مسلمان غیر ایرانی از دیدن «فیلشاه»

در ادامه این نشست‌های محمدیان با اشاره به نگاه سازندگان «فیلشاه» به مخاطب غیر ایرانی به ذکر خاطره‌ای در ارتباط با یک دانشجوی غیر مسلمان ایرانی پرداخت: یکی از موضوعات جالبی که ما در فضای مجازی دیدیم و خیلی برایمان لذت‌بخش بود، خاطره یکی از دانشجویان ایرانی ساکن کانادا بود که یک همکار آفریقایی مسلمان داشته است و وقتی آنونس فیلم را به او نشان داده است، وقتی او این آنونس را دیده بود و متوجه شده بود که ایران‌ها چنین انیمیشنی را ساخته تعجب کرده بود، و هم اتاکی ایرانی‌اش به او گفته بود که ما بیش از یک میلیارد مسلمان هستیم و باید برای خودمان انیمیشن بسازیم و آن دوست خطاب به او گفته بود که چه خوب که شما بالاخره کاری ساخته‌اید که خدا هم در یک انیمیشن باشد.

خنداندن بچه‌ها کار سختی است

محمدیان با بیان اینکه مخاطب ما، مخاطبی است که به واسطه تماشای انبوهی از آثار پرننگ‌ولعاب خارجی دارای نوع خاصی از سلیقه شده است، گفت: ما اول از همه سعی کردیم که اثری شاد و سرگرم‌کننده برای بچه‌ها بسازیم و این را هم بگویم که خنداندن بچه‌ها و سرگرم کردن آن‌ها کار بسیار سختی است؛ چرا که شما نمی‌توانید به سراغ بسیاری از شوخی‌ها و موضوعات بروید. این کار بسیار سختی است که چاپلین هم آن را انجام می‌داد که سعی می‌کرد مخاطبش را به شکلی سالم بخنداند. ما در این فیلم سه حلقه اصلی توحید، انتظار و توجه به باورها و ارزش‌های خودمان را مورد توجه داشتیم.

توجه به رویکرد تخصصی فیلمنامه‌نویسی برای کودکان همچنین دکتر حسینی منتقد برنامه در ادامه ایراد به فیلمنامه را در حوزه انیمیشن‌سازی نیز وارد دانست و گفت: ما از خیلی ظرفیت‌هایی که در این حوزه وجود دارد یا عمداً و یا سهواً استفاده نمی‌کنیم و در پایان خواهم این است که در ادامه این مسیر رویکرد تخصصی و جمعی فیلمنامه‌نویسی برای کودکان را برای سایر آثار خود جدی‌تر بگیرد.

زنجیره زمانی می‌تواند کامل شود که ما بتوانیم بگوییم مثلاً در بازار ما کسی از کاراکتر «فیلشاه» بدون لایسنس استفاده نمی‌کند. بازاری که عادت کرده از کاراکترهای انیمیشن‌های با کیفیت روز جهان بدون پرداخت حق لایسنس برای تولید محصولات جانبی از قبیل کیف و دفتر و... استفاده کند، نمی‌توان از آن توقع پرداخت پول برای لایسنس «فیلشاه» را داشت و این عدم توجه به حقوق معنوی صدمه بسیاری به ما می‌زند. موضوعی که از عهده ما خارج است و نیازمند توجه دولتی و ایجاد ساختارهای قانونی است. پس نمی‌توان توقع داشت که نسبت درآمدی از فیلم و محصولات جانبی آن منطبق بر فرمول «یک به سه» باشد. البته این را هم بدانیم که خود فرمول هم در سالهای اخیر برای کمپانی‌هایی مثل پیکسار و دیزنی دست خوش تغییر شده است.

برخی از نقدها کارشناسی است نه نظر مخاطب عام

جعفری اضافه کرد: برای نمونه می‌خواهم به یکی از تحقیقات آماری صورت گرفته درباره «فیلشاه» اشاره کنم. ما یک جامعه آماری با بیش از ۷۰۰ نمونه آماری داشتیم که حدود ۳۵۰ نفر از این نمونه آماری کسانی بودند که در سینماها با آن‌ها گفتگو شده است و ۳۵۰ نفر دیگر از عامه مردم بودند. ما می‌خواستیم ببینیم که «مخاطب وفادار» ما چه کسانی هستند. نکته جالب این بود که حدود ۶۰ درصد عامه مردم برند «هنرپویا» را می‌شناختند و حدود ۷۵ درصد، شعار مجموعه ما که شعار فیلم‌هایمان نیز هستند را به درستی و به طور کامل نوشته بودند که همه اینها نشان

تحلیل مخاطب از مرحله «پایلوت» آغاز می‌شود

وی افزود: به نظرم «فیلشاه» یک ضعف بزرگ در حوزه کمپانی یعنی همان فرآیند پیش تولید، تولید و پس تولید خود داشت. یعنی «فیلشاه» با پتانسیلی که به واسطه «شاهزاده روم» در مجموعه «هنرپویا» ایجاد شده بود، به مراتب می‌توانست اثر بهتری باشد. در کنار این در حوزه درآمدزایی از تولید انیمیشن و تکمیل زنجیره ساخت و توزیع یک اثر انیمیشن که منطبق بر فرمول «یک به سه» یا کسب سه برابر سود فروش از طریق محصولات جانبی است، «فیلشاه» می‌توانست عملکرد بهتری داشته باشد. اینکه ما بعد از تولید اثر به سراغ تحلیل مخاطب و گرفتن بازخورد رفته‌ایم، اتفاق خوبی است ولی در بسیاری از کمپانی‌های انیمیشن‌سازی در جهان این اتفاق در مرحله «پایلوت» و در جریان ساخت اثر اتفاق می‌افتد. البته با وجود همه احترامی که برای مجاهدت سازندگان این اثر برای ساخت آن قائل هستیم، اما توقع من از «فیلشاه» بالاتر از این‌ها بود.

عدم توجه بازار به حقوق معنوی انیمیشن‌سازان

حامد جعفری، تهیه‌کننده «فیلشاه» در پاسخ به انتقادات حسینی گفت: بازار یا درواقع همین زنجیره به شکل کامل در اختیار ما نیست. یعنی ما به عنوان سازنده یک انیمیشن نمی‌توانیم همه اجزای این زنجیره را ایجاد کنیم. البته مدعی این هم نیستیم که در حال حاضر یک کمپانی کامل انیمیشن‌سازی شده‌ایم، بلکه در حال حرکت به سمت تبدیل شدن به یک کمپانی هستیم. این



علی قربانی دبیر جشنواره عنوان کرد:

اخلاق، سبک زندگی و خانواده مهم‌ترین رویکرد جشنواره «فیلم ۱۰۰»

و متقاضیان به شرکت در جشنواره با صبر و حوصله نسبت به تولید اثر یا آثارشان اقدام نمایند. علاقمندان به شرکت در جشنواره تادی ماه فرصت دارند آثارشان را به دبیرخانه جشنواره ارائه نمایند.

دبیر جشنواره بین‌المللی «فیلم ۱۰۰» این گونه آثار را برای شرایط امروز جامعه مفیدتر و موثرتر خواند و عنوان کرد: شتاب زندگی در جامعه امروز بالاست. در عصر پرشتاب امروز که اوقات فراغت معنای واقعی اش را از دست داده و چرخه پرسرعت روند فعالیت و روزمرگی اجازه تمرکز و فراغت را نمی‌دهد ضریب وقت‌های خالی و حوصله مردم هم به شدت پایین است. شاید از دلایل دوری بخش‌هایی از مردم با سینما همین باشد. در این شرایط بدون شک، بسته‌های فرهنگی و تفریحی سهل‌الوصول و فیلم‌های کوتاه و ثانیه‌ای حرف اول را می‌زنند. بویژه اینکه با رشد تکنولوژی الکترونیک و توسعه فضاهای مجازی و گسترش روزافزون دامنه شبکه‌های اجتماعی زندگی پیوندی ناگسستنی با این فضاها دارد؛ پس بهترین، موثرترین و آگاهی‌بخش‌ترین محصول عرضه فیلم‌های کوتاه در این ظرفیت‌هاست.

و به اعتقاد وی، فیلم کوتاه نیاز جامعه امروز است. سینمای کوتاه سینمایی خلاق تر، جسورتر، کنجکاوتر است. رشد صنعت، تکنولوژی و فضاهای مجازی این مکانیسم را ایجاد کرده تا از این فرایند کاربردی تر استفاده کنیم. این استفاده هم در حیطه فرهنگ‌سازی و تعالی فرهنگی جامعه می‌تواند باشد و هم در گستره مقاصد تبلیغی، آموزشی و کاربردی.

شایان ذکر است دوازدهمین جشنواره بین‌المللی «فیلم ۱۰۰» به همت حوزه هنری اسفندماه سالجاری در تهران برگزار می‌شود.

از جمله موضوعاتی است که در این بخش ویژه مورد توجه قرار می‌گیرد.

قربانی، اخلاق و سبک زندگی، ترویج مفاهیم اخلاقی همچون قانون‌مداری، گذشت، سعه صدر، ایثار، ترویج الگوی انسان انقلاب اسلامی، خانواده الگوی ایرانی اسلامی، فرهنگ اصیل ایرانی و نگاه دوباره به زندگی و زدودن غبار روزمرگی از موضوعات این دوره جشنواره عنوان کرد و یادآور شد: تلاشمان بر این بود تا سراغ موضوعات و مفاهیمی برویم که در جامعه معاصر کاربردی و اثرگذار باشد.

به گفته وی؛ ساخت فیلم‌هایی با زمان حداکثر ۱۰۰ ثانیه در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با کلیتی منسجم کاری بسیار مشکل است و فیلمساز می‌باید داستانی را بیان کند که آغاز، میانه و پایان داشته باشد و بتواند بر مخاطب تأثیر بگذارد. چرا که بر این باوریم فیلم ۱۰۰ یک فیلم کامل است؛ با تمام مشخصات یک فیلم و با تکیه بر دو عنصر ایجاز و خلاقیت، نه یک تیزر تبلیغاتی است، نه نماهنگ و نه بخشی از یک فیلم بلند.

دبیر جشنواره «فیلم ۱۰۰» تصریح کرد: فیلم ۱۰۰ ثانیه‌ای رسانه‌ای نو و مناسب است برای ابزارهای جدید که با قابلیت تأثیرگذاری بسیار بالا در جهان پرشتاب و پرهیاهوی امروز می‌تواند ثانیه‌هایی مخاطب بی‌وقت و کم‌حوصله را به خود مشغول کند و در کنار انتقال مفهوم و پیام خود لذت بصری و زیبایی‌شناسانه هم به او هدیه کند.

وی با بیان اینکه جشنواره «فیلم ۱۰۰» با برنامه‌ریزی منسجم و بلندمدت در حال انجام است یادآور شد: خوشبختانه از زمان انتشار فراخوان تا آخرین مهلت دریافت آثار یک بازه زمانی مناسب را پیش‌بینی کردیم که این تدبیر می‌تواند کمک کند تا علاقمندان

علی قربانی دبیر دوازدهمین جشنواره بین‌المللی «فیلم ۱۰۰» همزمان با انتشار فراخوان این رویداد سینمایی گفت: جشنواره «فیلم ۱۰۰» امسال با تغییرات کیفی و موضوعی و با رویکرد اخلاق و سبک زندگی طراحی شده و امیدواریم با بهره‌گیری از تجربه دوره‌های گذشته حرکت مناسب، موثر و متفاوتی را رقم بزنیم.

وی با اشاره به اهمیت و جایگاه تولیدات کوتاه و فیلم‌های ثانیه‌ای در جامعه امروز خاطر نشان ساخت: داشتن پیام و این مسئله که فیلمساز تا چه میزانی می‌تواند در یک زمان کوتاه این پیام را منتقل کند از مشخصه‌های اصلی فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای است و چه بهتر که این پیام بر پایه نگاهی اخلاق‌مدارانه عنوان شود؛ مسئله‌ای که نیاز امروز جامعه بشری است.

دبیر جشنواره بین‌المللی «فیلم ۱۰۰» با بیان اینکه جشنواره در دوره دوازدهم در قالب بخش‌های مسابقه سینمای ۱۰۰ ثانیه‌ای ایران شامل: بخش اصلی، بخش مسیر تجربه (مسابقه فیلم‌های مستند، داستانی و پویانمایی)، مسابقه سینمای ۱۰۰ ثانیه‌ای جهان در زمینه فیلم‌های داستانی، مستند و پویانمایی برگزار می‌شود عنوان کرد: همزمان با سال حمایت از تولید ملی و حمایت از کالای ایران بخش ویژه جشنواره در این دوره به این موضوع اختصاص داده شده است.

وی اضافه کرد: حمایت از تولید ایرانی (ایران ساخت)، حمایت از تولید کالا و خدمت دانش‌بنیان ایرانی، فرهنگ تولید محصولات باکیفیت ایرانی، پوشش ملی و حمایت مردمی از تولید کالا و خدمات دانش‌بنیان باکیفیت ایرانی، تأثیرات مخرب خرید کالاهای خارجی، واردات بی‌رویه و غیرقانونی (قاچاق کالا)، معرفی کسب‌وکارهای نوین و استارت‌آپ‌ها، تولید ثروت از علم و فناوری و معرفی اقتصاد دانش‌بنیان

حمایت از کالای ایرانی

جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰

حمایت از کالای ایرانی اولویت جشنواره سینمایی حوزه هنری

امروز جامعه یعنی حمایت از تولیدات داخلی باشد. دوازدهمین دوره از جشنواره بین‌المللی «فیلم ۱۰۰» در بخش ویژه خود «ایران ساخت» حمایت از تولید و مصرف کالای ایرانی را مورد توجه قرار داده است و موضوعات این بخش شامل حمایت از تولید ایرانی (ایران ساخت)، حمایت از تولید خدمت دانش بنیان ایرانی، فرهنگ تولید محصولات باکیفیت ایرانی، پویای ملی و حمایت مردمی از تولید کالا و خدمات دانش بنیان باکیفیت ایرانی، تأثیرات مخرب خرید کالاهای خارجی، واردات بی‌رویه و غیرقانونی (قاچاق کالا)، معرفی کسب و کارهای نوین و استارت‌آپ‌ها، تولید ثروت از علم و فناوری و معرفی اقتصاد دانش بنیان است. شرکت کنندگان علاوه بر حضور در بخش مسابقه ملی می‌توانند در این بخش نیز شرکت کنند. داوری در این بخش جداگانه انجام می‌شود و جوایز بخش ویژه مجزا است. این جشنواره به همت حوزه هنری و با حمایت ستاد فرهنگ سازی اقتصاد دانش بنیان معاونت علمی ۸ تا ۱۰ اسفندماه ۹۷ برگزار می‌شود.

معاونت علمی آثاری با محوریت موضوع فرهنگ، اخلاق و اقتصاد مقاومتی تولید شد که زیر شاخه‌هایی همچون کارآفرینی، تجاری سازی ایده‌های نو، تولید ثروت از علم، حمایت از خدمات دانش بنیان ایرانی و فرهنگ تولید کالای باکیفیت ایرانی را داشت که آثاری در سطح خوب برای این موضوعات تولید شد. قربانی همچنین ابراز کرد: بر این اساس در این دوره نیز برای ایجاد انگیزه بیشتر میان تولیدکنندگان بخش ویژه ای به جشنواره اضافه شد تا فیلمسازان علاوه بر شرکت در بخش اصلی در این بخش نیز شرکت کنند. داوری و جوایز بخش «ایران ساخت» جداگانه است. علاوه بر نمایش این آثار در جشنواره در شبکه‌های مختلف به نمایش در می‌آیند که خود زمینه‌ای برای دیده شدن بیشتر این آثار و انتقال پیام است. وی تأثیرگذاری این آثار را در زمینه فرهنگسازی قابل توجه دانست و گفت: سینما ابزاری است که مخاطب را جذب می‌کند بنابراین با انتقال پیام به ارتقای فرهنگ کمک می‌شود از سویی هر میزان پیام کوتاه تر باشد مخاطب بیشتری را جذب می‌کند پس «فیلم ۱۰۰» در حال حاضر بهترین ابزار برای انتقال هر نوع پیامی محسوب می‌شود و چه بهتر این پیام دغدغه

دوازدهمین دوره از جشنواره بین‌المللی «فیلم ۱۰۰» در بخش ویژه «ایران ساخت» حمایت از تولید و مصرف کالای ایرانی را مورد توجه قرار داده است. علی قربانی دبیر دوازدهمین جشنواره بین‌المللی «فیلم ۱۰۰» با بیان اینکه این دوره با شعار «سینمای اخلاق» برگزار می‌شود اظهار کرد: در عصر حاضر سینما یکی از بهترین ابزارها برای جذب مخاطب و فرهنگ سازی است و در این میان تولید فیلم‌های صد ثانیه‌ای نیز ابزاری برای رسانه‌های نو همچون تلفن‌های هوشمند محسوب می‌شود. پس با این ابزار می‌توان انتقال پیام مد نظر را راحت‌تر انجام داد تا شاهد گسترش پررنگ‌تر آن پیام در جامعه باشیم. قربانی با بیان اینکه کوتاه و مختصر بودن این آثار باعث انتقال سریع آن به مخاطب می‌شود گفت: زمانی که با زبان هنر آن هم در زمانی کوتاه حرف خود را به مخاطب می‌زنیم به مراتب تأثیرات بیشتری دارد که این موضوع را در «فیلم ۱۰۰» می‌بینیم. پس گسترش این مسئله یکی از اهداف برگزاری این جشنواره است. وی به اضافه شدن بخش ویژه «ایران ساخت» در این دوره به جشنواره اشاره و ابراز کرد: دوره گذشته با حمایت ستاد فرهنگ سازی اقتصاد دانش بنیان

«جایزه ملی سینمای ۱۰۰» اهدا می‌شود



بر پایه این خبر؛ این جایزه که شامل: تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان جایزه نقدی خواهد بود به کارگردان بهترین فیلم جشنواره اهدا می‌شود. در این خبر آمده است: بهترین فیلم جشنواره فیلمی است که از نظر مضمون و تکنیک به تمامی اهداف جشنواره نزدیک‌تر باشد. بهترین فیلم به لحاظ مقررات می‌تواند یکی از فیلم‌های برگزیده بخش‌های گوناگون جشنواره از جمله مسیر تجربه نیز باشد.

جایزه بزرگ جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ با عنوان «جایزه ملی سینمای ۱۰۰» در دوازدهمین دوره از برگزاری این رویداد اهدا می‌شود. روابط عمومی جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰ با اعلام این خبر افزود: شورای سیاست‌گذاری این رویداد سینمایی به منظور اهتمام و تأکید بیشتر بر محورهای مضامین ملی در ساختار مسابقه‌ای جشنواره ۱۰۰، جایزه ویژه‌ای را با عنوان «جایزه ملی سینمای ۱۰۰» در نظر گرفته است.

دوازدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند

تولید ثروت از علم و فناوری
معرفی اقتصاد دانش بنیان

* این بخش برای حمایت از تولید و مصرف کالای ایرانی در این دوره از جشنواره تعریف شده است و شرکت‌کنندگان علاوه بر حضور در بخش مسابقه ملی می‌توانند در این بخش نیز شرکت کنند. داوری در این بخش جداگانه انجام خواهد شد و جوایز بخش ویژه مجزا خواهد بود.

جوایز جشنواره

جایزه ملی سینمای ۱۰۰

جایزه بزرگ جشنواره: تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان
تومان جایزه نقدی به کارگردان بهترین فیلم جشنواره
* بهترین فیلم جشنواره فیلمی است که از نظر مضمون و تکنیک به تمامی اهداف جشنواره نزدیک‌تر باشد. بهترین فیلم به لحاظ مقررات می‌تواند یکی از فیلم‌های برگزیده بخش‌های گوناگون جشنواره از جمله مسیر تجربه نیز باشد.

جوایز بخش اصلی

تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۲/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به کارگردان بهترین فیلم مستند
تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۲/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به کارگردان بهترین فیلم داستانی
تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۱۲/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به کارگردان بهترین پویانمایی
لوح تقدیر و مبلغ ۷/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به ۲ فیلم برگزیده مستند
لوح تقدیر و مبلغ ۷/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به ۲ فیلم برگزیده داستانی

لوح تقدیر و مبلغ ۷/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به ۲ برگزیده پویانمایی
لوح تقدیر و مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به تشخیص هیأت داوران به یک فیلم در هر بخش
* این جایزه به هنرمندان خلاق اهدا می‌شود که در زمینه‌های تکنیکی یا فنی سینما در عرصه فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای نوآوری و فعالیت‌های ویژه‌ای انجام داده‌اند. (فیلم‌برداری، صداگذاری، صداپردازی، جلوه‌های ویژه، جان‌بخشی و...)
* لوح تقدیر و مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی با عنوان جایزه ویژه دبیر جشنواره به یک اثر برگزیده

جوایز بخش مسیر تجربه

تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به کارگردان بهترین فیلم مستند
لوح تقدیر و مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به یک فیلم برگزیده مستند
تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به کارگردان بهترین فیلم داستانی
لوح تقدیر و مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به یک فیلم برگزیده داستانی
تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به کارگردان بهترین پویانمایی
لوح تقدیر و مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به یک برگزیده پویانمایی

شما سینماگران می‌توانید سازنده اخلاق باشید، شما می‌توانید در نسل جوان این کشور صبر، امید، شوق انگیزش، سلامت، نجابت و همه چیزهایی که یک جامعه پیشرفته نیاز دارد القاء کنید.
مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

بخش‌های دوازدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم ۱۰۰

مسابقه سینمای ۱۰۰ ثانیه‌ای ایران

۱- بخش اصلی (مسابقه ملی): مستند ■ داستانی ■ پویانمایی
۲- بخش مسیر تجربه: مستند ■ داستانی ■ پویانمایی
فیلم‌سازی که فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای اول و دوم خود را تولید کرده‌اند به اختیار می‌توانند در این بخش شرکت کنند.
لازم به ذکر است تنها در یکی از بخش‌های اصلی یا مسیر تجربه می‌توان شرکت کرد.

مسابقه سینمای ۱۰۰ ثانیه‌ای جهان

■ مستند ■ داستانی ■ پویانمایی
* این بخش از جشنواره صرفاً برای حضور شرکت‌کنندگان غیرایرانی است.

موضوعات جشنواره

اخلاق و سبک زندگی

ترویج مفاهیم اخلاقی همچون قانون‌مداری، گذشت، سعه صدر، ایثار
ترویج الگوی انسان انقلاب اسلامی
خانواده الگوی ایرانی اسلامی
فرهنگ اصیل ایرانی
نگاه دوباره به زندگی و زدودن غبار روزمرگی

* بخش ویژه:

حمایت از تولید ایرانی (ایران ساخت)

حمایت از تولید کالا و خدمت دانش بنیان ایرانی
فرهنگ تولید محصولات با کیفیت ایرانی
پویش ملی و حمایت مردمی از تولید کالا و خدمات دانش بنیان
با کیفیت ایرانی
تأثیرات مخرب خرید کالاهای خارجی
واردات بی‌رویه و غیرقانونی (قاچاق کالا)
معرفی کسب‌وکارهای نوین و استارت‌آپ‌ها

جایزه ویژه حمایت از کالای ایرانی (ایران ساخت)

تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و ۷/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به بهترین فیلم داستانی
دیپلم افتخار و مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به یک فیلم برگزیده داستانی
تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و ۷/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به بهترین پویانمایی
دیپلم افتخار و مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به یک برگزیده پویانمایی
تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و ۷/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به فیلم مستند
دیپلم افتخار و مبلغ ۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان جایزه نقدی به یک برگزیده مستند
برگزاری این بخش جداگانه انجام می شود و شرکت کنندگان می توانند علاوه بر حضور در بخش اصلی و مسیر تجربه در این بخش نیز ثبت نام کنند.

جایزه جهانی سینمای ۱۰۰

تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و جایزه نقدی معادل ۱۵۰۰ یورو به یک فیلم برگزیده داستانی
تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و جایزه نقدی معادل ۱۵۰۰ یورو به یک برگزیده پویانمایی
تندیس جشنواره، دیپلم افتخار و جایزه نقدی معادل ۱۵۰۰ یورو به یک فیلم برگزیده مستند

مقررات عمومی ثبت نام

- ثبت نام فقط از طریق وبسایت جشنواره فیلم ۱۰۰ به آدرس www.100fest.com صورت می پذیرد.
- اعضای اصلی ستاد برگزاری جشنواره، هیأت داوران و انتخاب و فیلم هایی که در دوره های قبلی جشنواره شرکت کرده اند، حق شرکت در بخش رقابتی جشنواره را ندارند.
- هر فیلم با مالکیت یک نفر به عنوان کارگردان اثر به جشنواره ارسال می شود.
- شرکت تمامی فیلم سازان، نهادها، سازمان های دولتی و تهیه کنندگان بخش خصوصی با معرفی یک نفر به عنوان کارگردان بلامانع است.
- هیچ محدودیتی در تعداد آثار ارسالی از سوی یک شخص حقیقی یا حقوقی وجود ندارد.
- آثاری که پیشتر از شبکه های تلویزیونی و یا شبکه های مجازی پخش شده باشند حق شرکت در جشنواره را ندارند. چنانچه عدم رعایت این شرط برای ستاد برگزاری محرز شود، در هر مرحله ای برای حذف فیلم از جشنواره اقدام خواهد شد.
- تصویر کارت ملی، یک قطعه عکس پرتره کارگردان با کیفیت مناسب برای چاپ در کتاب جشنواره، عکس فیلم و خلاصه داستان حداقل ۶۰ کلمه بر روی لوح فشرده به دبیرخانه ارسال شود.
- تمامی آثار ارسالی به جشنواره قابلیت اکران اینترنتی در سایت جشنواره را خواهند داشت. پس از بازبینی اولیه، آثار پذیرفته در همه بخش ها می توانند مورد هرگونه استفاده تبلیغاتی و رسانه ای دبیرخانه قرار گیرند.
- استفاده از آثار صرفاً با آرم یا کپشن جشنواره بلامانع است.
- هیچ یک از آثار ارسالی به دبیرخانه عودت داده نمی شود.

- تعیین ساعت نمایش فیلم ها برعهده دبیرخانه جشنواره است.
- اخذ تصمیم نهایی در مواردی که در مقررات و شرایط حاضر پیش بینی نشده برعهده دبیرخانه جشنواره است.
- حضور نامزدها در مراسم پایانی جشنواره الزامی است و عدم شرکت به منزله انصراف از دریافت جایزه تلقی خواهد شد.

مقررات تخصصی ارسال اثر

- مدت زمان آثار ارسالی به دبیرخانه باید حداکثر ۱۰۰ ثانیه باشد. (تیتراژ فیلم جزء زمان فیلم محسوب می شود).
- هر یک از فیلم های ارسالی در مرحله اول باید به طور مستقل بر روی DVD و با فرمت قابل پخش در دستگاه DVD ضبط شده باشد. به فیلم های ضبط شده با فرمت Data و غیره و همچنین بر روی CD ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- متقاضیان شرکت در جشنواره موظفند پس از ثبت نام در سایت جشنواره بین المللی فیلم ۱۰۰ به آدرس www.100fest.com دریافت کد رهگیری، این کد را بر روی DVD نوشته و به آدرس پستی دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.
- برای فیلم سازانی که قصد دارند با بیش از یک اثر در جشنواره شرکت کنند، ارسال هراتر بر روی DVD مجزا الزامی است.
- فیلم های ارسالی باید دارای استانداردهای لازم صدا و تصویر باشد.
- دبیرخانه آسیب های ناشی از نامطلوب بودن ارسال آثار را برعهده نمی گیرد.
- تأیید فرم فراخوان اینترنتی جشنواره در هنگام ثبت نام ضروری و به منزله قبول تمامی بندهای آیین نامه است.
- در صورت نداشتن کد اثر، فیلم ارسالی در جشنواره شرکت داده نمی شود.
- پس از راهیابی فیلم به جشنواره، امکان خارج کردن آن از برنامه وجود ندارد.
- به فیلم های راه یافته به بخش مسابقه و اکران گواهی شرکت داده می شود و این فیلم ها در اکران جشنواره بر روی پرده خواهند رفت.
- فیلم های راه یافته به بخش مسابقه و اکران باید با یکی از فرمت های فریم سائز HDV ۱۴۴۰x۱۰۸۰ یا FullHD ۱۹۲۰x۱۰۸۰ به آدرس دبیرخانه جشنواره ارسال شوند.
- فریم ریت (frame rate) فیلم ها باید ۲۴ یا ۲۵ بیت ریت (bitrate) در خروجی های MPEG2 و MXF، معادل ۵۰mbps و در حالت MP4 معادل ۲۵mbps باشد. فیلد (field order) فیلم ها هم بهتر است PROGRESSIVE باشد.

تقویم جشنواره

- اعلام فراخوان: خرداد ماه ۹۷
آخرین مهلت ارسال آثار: پایان دی ماه ۹۷
اعلام آثار راه یافته به جشنواره: ۲۰ بهمن ماه ۹۷
برگزاری جشنواره: ۸ تا ۱۰ اسفند ماه ۹۷ - تهران
اختتامیه: ۱۰ اسفند ماه ۹۷ - تالار اندیشه حوزه هنری



علیرضا زرین دست:

فیلمبرداری «تنگه ابوقریب» در خشان است

فیلمبردار «سرو زیر آب» و برنده سیمرغ بلورین جشنواره سی و ششم فیلم فجر، فیلمبرداری «تنگه ابوقریب» را در خشان و یکی از عوامل موفقیت این فیلم می‌داند.

به گزارش روابط عمومی موسسه بهمن سبز، علیرضا زرین دست فیلمبردار با سابقه درباره فیلم «تنگه ابوقریب» گفت: «تنگه ابوقریب» فیلم بسیار خوب و دیدنی است. این فیلم اثری قابل ستایش است و فیلمبرداری آن عالی و در خشان است. فیلمبرداری «تنگه ابوقریب» تلاشی نوآورانه برای رسیدن به نگاهی تازه به موضوع جنگ و اتفاقاتی است که در بطن آن رخ داده است. او ادامه داد: فیلمبرداری این حس را به شما می‌دهد که با اثری تقریباً مستند مواجه هستید. در این بین فضا سازی‌هایی که در فیلم وجود دارد باعث می‌شود تماشاگر حس کند در بطن جنگ و همراه با شخصیت‌ها در قلب حوادث است. فیلمبرداری و فضا سازی متاثر از نگاهی نو به موضوع جنگ است.

زرین دست فیلمبرداری «تنگه ابوقریب» را از عوامل موفقیت فیلم دانست و گفت: قطعاً فیلمبرداری در خشان آقای خضوعی ایبانه در موفقیت فیلم بسیار موثر است. اولین کسی که در عوامل یک فیلم روی بیننده از جهت تصویر سازی تأثیر می‌گذارد فیلمبردار است. ایجاد فضا و رسوب حس جاری در یک فیلم بر مخاطب، وظیفه فیلمبردار است و این اتفاق در فیلم «تنگه ابوقریب» به بهترین شکل ممکن رخ داده است.

فیلمبردار فیلم «سرو زیر آب» که برای فیلمبرداری این فیلم سیمرغ بلورین سی و ششمین جشنواره فجر را دریافت کرد، گفت: تأثیری که عوامل فیلم سعی می‌کنند با خلق حال و هوا و فضا سازی روی مخاطب داشته باشند بدون خلایق و درخشش در فیلمبرداری ممکن نیست. خوشبختانه در فیلم آقای توکلی فضا سازی، داستان، هم بازی‌ها و فیلمبرداری همه جذاب هستند و منجر به خلق اثری دوست داشتنی شده‌اند.



غلامرضا موسوی:

«تنگه ابوقریب» احساس تماشاگر را در گیر می‌کند

تهیه کننده فیلم سینمایی «بغض» تأثیر گذاری، روایت مستندگون و هنرمندانه «تنگه ابوقریب» را از ویژگی‌های مثبت این فیلم می‌داند.

به گزارش روابط عمومی موسسه بهمن سبز، غلامرضا موسوی تهیه کننده سینما درباره فیلم «تنگه ابوقریب» گفت: با توجه به اینکه فیلم از دل واقعیت بیرون آمده و سعی شده به آن وفادار باشد، می‌توان گفت «تنگه ابوقریب» محصولی است که از دل برخاسته و بر دل می‌نشیند. فیلم به درستی احساس مخاطب را در گیر می‌کند و این موفقیت در جذب مخاطب را مرهون بیان مستحکم در انتقال بخشی از وقایع تاریخ معاصر است.

وی با اشاره به اینکه تازه ترین ساخته بهرام توکلی فیلم ساده‌ای نیست، توضیح داد: تولید فیلم درباره آنچه در بطن روزهای جنگ و دفاع مقدس رخ داده، در عین وفاداری به واقعیت‌های جنگ از بزرگترین مشکل‌های فیلمسازی در ایران است. در این زمینه آثار مستند، موفق و ماندگار جنگی در مقایسه با تعداد تولیدات کم داریم. موسوی اضافه کرد: «تنگه ابوقریب» توانسته واقعیت جنگ را به سالن سینما بیاورد و شما آنچه را روی پرده اتفاق می‌افتد با گوشت و پوست خود احساس کنید. این به گمان من اتفاق بسیار بزرگی است. بیان یک رویداد واقعی به زبانی جذاب و هنری، در قالب فیلم سینمایی ساده نیست.

این تهیه کننده ادامه داد: فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» جزو معدود فیلم‌های دفاع مقدس است که با نگاهی قابل درک، بخشی از جانبازی و رشادت کسانی را نشان می‌دهد که توانستند مملکت را از تهاجم و ویرانی حفظ کنند. من به این قهرمان‌ها ارادت دارم، خداوند برای آنها که به شهادت رسیدند علو درجات عطا کند و آنها که در کنار ما هستند سلامت بدارد.

تهیه کننده «پارک وی» در پایان گفت: همه ما از آغاز دوران دفاع مقدس تا امروز مدیون کسانی هستیم که بی‌نام جنگیدند، بعد از آن توقع دریافت امکانات و مزایایی نداشتند و چیزی از این دنیا نخواستند. این بزرگواران سربازانی بودند که به عشق وطن و اعتقادشان جنگیدند، «تنگه ابوقریب» یادگاری از آنهاست.





«تنگه ابوقریب»؛ روایت یک حماسه

تهیه‌کننده فیلم «سرو زیر آب» با اشاره به امتیازهای «تنگه ابوقریب» تاکید کرد که این فیلم، روایت مستند و تاثیرگذار از یک حماسه ملی است. سیدحامد حسینی تهیه‌کننده سینما درباره فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» گفت: این فیلم یک اثر بسیار خوب، پرزحمت و با پروداکشنی عظیم است که استانداردهای سینما در آن به درستی رعایت شده است. چنین فیلم‌هایی که سند تصویری از تاریخ ایران هستند باید ساخته و در سطح کلان دیده شوند و طیف‌های مختلف مردم و سینماگران در جریان آن قرار بگیرند. «تنگه ابوقریب» روایت یک حماسه بزرگ است و این که اساس مستند دارد از نقاط مثبت فیلم محسوب می‌شود.

حسینی با اشاره به اینکه موضوع مستند را در این سطح به سینما آوردن کار سختی است، بیان کرد: روایت تصویری باورپذیر از یک داستان واقعی بسیار سخت‌تر از ساختن فیلمنامه داستانی است. وقتی می‌خواهیم وارد قصه‌ای از تاریخ معاصر شویم کار دشوارتر هم می‌شود. در این شرایط شما باید هر آنچه امکانات و تجهیزاتی که مستلزم فیلمنامه است را از گوشه و کنار جمع کنید و به دنیای فیلمسازی بیاورید. انگار وارد یک جنگ بزرگ شدید و برای موفقیت‌تان باید آنقدر بجنگید تا فیلم درست در بیاید و مخاطب روایت مستند را باور و عظمتش را درک کند.

این تهیه‌کننده که با فیلم سینمایی «سرو زیر آب» در سی و ششمین جشنواره فیلم فجر حضور داشت، گفت: وقتی به قصه‌ای ورود می‌کنید که اتفاق افتاده باید به باورپذیری آن در سینما فکر کنید و چاره‌ای ندارید جز اینکه سراغ پروداکشن بروید. «تنگه ابوقریب» این موضوع را به خوبی رعایت کرده بود و من مطمئنم شرایطی بسیار نفسگیر و مردافکن را از سر گذرانده است. نتیجه این زحمات را در ارتباط مخاطب با فیلم می‌توان احساس کرد.

وی افزود: من این فیلم را واقعا دوست دارم و به کارگردان و عوامل هم گفتم ای کاش قصه منسجم‌تر و جغرافیای فیلم دقیق‌تر بود، اما اثر با ارزش‌تر از این نقدهاست و حتما مکمل خیلی خوبی برای «سرو زیر آب» است. مادر هر دوره اکران باید از تمام ژانرها فیلم خوب داشته باشیم. برای هر مخاطبی لازم است که «تنگه

ابوقریب» را ببیند و حس و حال آن روزها و آدم‌هایش را لمس کند. آثار دفاع مقدس هر کدام راوی بخشی از آن روزهاست. «سرو زیر آب» هم از لحاظ مضمون به نوعی در ادامه «تنگه ابوقریب» است. در فیلم بهرام توکلی قهرمان‌ها شهید می‌شوند و در فیلم ما، به سراغ آدم‌هایی از همین خاک می‌رویم که بعد از شهادت هم سرنوشتشان پرفراز و نشیب است.

سیدحامد حسینی ادامه داد: بهرام توکلی سینما را خوب می‌شناسد، کارگردانی که سینما را بداند شاید در یک ژانر تخصصی‌تر عمل کند، اما این دلیل نمی‌شود در ژانرهای دیگر موفق نباشد. ما او را با فیلم‌های اجتماعی می‌شناسیم اما دیدیم که در موقعیت طنز هم موفق بود. گویا آن دوربین سیال پرتنش در «من دیگه مارادونا هستم» تجربه‌ای بود که دوربینش در «تنگه ابوقریب» بهتر و تاثیرگذارتر عمل کند.

وی در پایان گفت: شناخت درست از حرفه سینما این اجازه را به شما می‌دهد هر فضایی را تجربه کنید، بدون آنکه شکست بخورید. قطعاً همه فیلم‌های یک کارگردان در بالاترین سطح نیستند، اما این نباید مانع تجربه‌گرایی فیلمسازان شود. بهرام توکلی فیلمسازی است که می‌توان یک پروژه با این پروداکشن را به او سپرد و نگران نبود.





علی سلیمانی:

«تنگه ابوقریب» الگوی ایرانی برای سینمای جنگی جهان است

بازیگر «تنگه ابوقریب» معتقد است این فیلم از نظر ویژگی‌های ساختاری و تکنیک، الگویی ایرانی برای سینمای جنگی دنیا محسوب می‌شود. فیلم تحسین شده «تنگه ابوقریب» از فردا در سینماهای کشور به نمایش در خواهد آمد. این فیلم روایت قهرمانانه از دفاع مردان این سرزمین از خاک ایران است. فیلم بهرام توکلی داستان رشادت‌های رزمندگان گردان عمار در حفظ تنگه موسوم به ابوقریب است. علی سلیمانی بازیگر با تجربه سینما و تلویزیون در این فیلم نقش رزمنده‌ای آذری را بازی می‌کند و مانند سایر بازیگران این فیلم در ایفای نقش درخشان عمل است.

الناز نعمتی

و تمرین باعث شد رفاقت این چهار نفر در فیلم به اصطلاح دربیاید.

یکی از بازیگران فیلم در نشست مطبوعاتی جشنواره گفته بود بازی در این فیلم فرقی با حضور در کارزار جنگ نداشت. برای شما چطور تجربه‌ای بود؟

بجز سکانس‌های ابتدای فیلم یعنی همان سکانس‌های گپ و گفت رزمندگان کنار رودخانه و هویج بستنی خوردن که در پایان کار فیلمبرداری شد، همه سکانس‌های فیلم رسماً جنگ بود. (می‌خندد) ما واقعا حس می‌کردیم در میدان جنگ حضور داریم. وقتی

تکمیلی را داد. از ایشان درباره سایر بازیگران فیلم پرسیدم و او جواب داد که جواد عزتی، حمیدرضا آذرنگ و امیر جدیدی نقش‌های اصلی را ایفا خواهند کرد. من بسیار از نقش و فیلمنامه استقبال کردم و می‌دانستم برایم تجربه‌ای جدید خواهد بود.

تعاملتان با بازیگران فیلم چطور بود؟ بسیار عالی. با جواد عزتی و حمیدرضا آذرنگ دوستم و قبلاً تجربه همکاری داشتیم و فقط امیر جدیدی بود که قبلاً با او آشنایی نداشتم. خوشبختانه ارتباط گرم و صمیمانه ما و همچنین جلسات متعدد روحوانی

چطور برای ایفای نقش در فیلم «تنگه ابوقریب» انتخاب شدید و وقتی فیلمنامه را خواندید چه حسی درباره آن داشتید؟

آقای سعید ملک‌ان با من تماس گرفت و گفت نقشی در یک فیلم دارند که کاراکتری ترک زبان است که از تبریز به جبهه اعزام شده است. این کاراکتر در بخش‌هایی از فیلم به زبان آذری حرف می‌زند و اصلاً هم تعصبی به آذری بودن ندارد. این رزمنده معلم ورزش، مردمدار و مهربان است. من آن زمان سفر بودم و وقتی از سفر بازگشتم با آقای بهرام توکلی نازنین درباره نقش بیشتر صحبت کردیم و ایشان توضیح



به رفیقش بگوید حسرت هو بیج بستنی که نخورده به دلش مانده و کاش لیوان را تا آخر خورده بود. این شاید برای مخاطب خنده دار به نظر برسد ولی واقعیت جبهه همین بود و چنین لحظاتی به وفور در میان خاطرات رزمندگان شنیده و خوانده می‌شود.

فیلم را روی پرده دیده‌اید؟ نظر تان درباره فیلم به عنوان یک مخاطب و سینما دوست چیست؟
فیلم را دوبار در جشنواره دیده‌ام. یک بار همراه تماشاگران و بار دیگر به همراه منتقدان. به نظر من تا به حال در سینمای ایران چنین فیلمی ساخته نشده است. این فیلم در حد و اندازه استانداردهای جهانی است و همه ویژگی‌های تولیدهای بزرگ روز سینمای جهان را دارد. «تنگه ابوقریب» می‌تواند به عنوان یک الگوی ایرانی در زمینه فیلم جنگی به دنیا معرفی شود.

چه پیش‌بینی از استقبال مخاطب از این فیلم دارید؟
بسیاری از سینما دوستان منتظر اکران این فیلم هستند و پخش‌کننده برنامه‌ریزی حرفه‌ای و جدی برای فروش خوب فیلم داشته است. هم به عنوان بازیگر فیلم و هم به عنوان یک سینما دوست امیدوارم فیلم به فروش خوبی دست پیدا کند و سینما دوستان این فیلم را حتما روی پرده سینما ببینند.

می‌شوند. از این جهت بهرام توکلی می‌تواند الگویی برای کارگردانی باشند. کارگردانی که به همه چیز از منظر نگاه شخصی می‌نگرد.

اتفاقاً منتقدان نیز در این مورد اتفاق نظر دارند که فیلم «تنگه ابوقریب» در سینمای جنگ اثری جدید و خلاقانه است که شبیه به آن را ندیده‌ایم.

شاید بزرگترین حسن فیلم همین باشد که منظر نگاه خاص خود (نگاه کارگردان) را دارد. در سینمای جهان هم هر کارگردانی نگاه شخصی خود را حفظ کرده موفق به ساخت فیلم جنگی خوبی شده است.

شما قبلاً در فیلم‌ها و سریال‌های بسیاری که در ژانر جنگی تولید شده، بازی کرده‌اید. بازی در فیلم «تنگه ابوقریب» چه تفاوتی با سایر نقش‌آفرینی‌هایتان داشت؟

در این فیلم، ماجرا زندگی کردن بود و همه نقش‌هایمان را زندگی کردیم. برای مردم عادی که جنگ را ندیده‌اند جای تعجب دارد که رزمندگان در میان آتش و خون با هم شوخی کنند و بخندند، ولی واقعاً چنین اتفاق‌هایی در جنگ می‌افتاد و اگر به خاطرات رزمندگان رجوع کنید و با پای صحبت‌هایشان بنشینید خواهید دید که آنها در میانه جنگ هم شوخی می‌کردند. برای تماشاگر عجیب است که یک رزمنده در میان کارزار جنگ و وقتی با مرگ فاصله‌ای به باریکی یک مو دارد با خنده

آخرین سکانس جنگی فیلمبرداری شد کنار سد دز بودیم و حمید آذرنگ از خوشحالی پرید توی آب و فریاد زد «تموم شد، تموم شد» (می‌خندد) البته این خوشحالی برای پایان فیلمبرداری نبود، به این خاطر بود که فیلم همان‌طور که می‌خواستیم به اتمام رسید. سختی فیزیکی کار واقعاً زیاد بود و ما مدام در طوفانی از انفجار و دود بودیم، اما از این سختی رنج نمی‌کشیدیم و همه مصمم بودیم باید بهترین کار را ارائه کنیم.

شما هم علاقه‌مند به کارگردانی هستید و هم در این زمینه تجربه دارید. اگر بخواهید از این زاویه به فیلم نگاه کنید چه خواهید گفت؟

کارگردانی بهرام توکلی واقعا مثال زدنی است. او ذهنیتی از کلیت کار و فضا داشت و سعی میکرد این ذهنیت را به ما منتقل کند و اگر مادر نقش به ذهنیت ایشان نزدیک نمی‌شدیم آن را با حوصله اصلاح می‌کرد. به نظرم نگاه او به داستان فیلم و شخصیت‌ها منحصر به فرد بود و از این جهت کارگردانی ایشان را هم خاص می‌کرد، برایم این ویژگی بسیار جذاب بود. درواقع ایشان همه چیز را به ذهنیت خود شبیه می‌کرد و از این جهت می‌توانم بگویم از او بسیار آموختم. او به من آموخت که دیدگاه شخصی بسیار مهم‌تر از دیدگاهی است که دیگران به انسان می‌دهند. ما معایب و محاسن دیدگاه‌های خود را راحت‌تر می‌فهمیم تا دیدگاه‌هایی که به ما القا



«تنگه ابوقریب» و جان گرفتن سینمای دفاع مقدس



داود کنشلو

درباره اکران این فیلم سینمایی نیز در این یادداشت باید حرف زد. در سینمای فعلی ما بنا به دلایلی که بارها گفته شده، فیلم‌های طنز حرف اول را در گیشه می‌زنند؛ اتفاقاتی که با توجه به مشکلات اقتصادی مردم دور از ذهن نیز نیست، چون آنها انتظار دارند وقتی به سالن سینما می‌روند برای دقایقی مشکلات خود را فراموش کنند، اما این اتفاق کار را برای فیلم‌هایی نظیر تنگه ابوقریب دشوار می‌کند، اما این فیلم توانسته در این چند روز که اکران فیلم می‌گذرد نشان دهد مردم فیلم خوب را می‌شناسند و از آن استقبال می‌کنند. این اتفاق خود نکته‌ای را به همه می‌فهماند آنهم این که این توجیهات که مردم سینمای دفاع مقدس را دوست ندارند به هیچ وجه صحت ندارد، زیرا مردم به دنبال دیدن کار خوب هستند.

در همین رابطه ممکن است سوالی در ذهن به وجود آید. آن هم این که اگر مردم به دنبال دیدن فیلم خوب هستند، چرا از برخی فیلم‌های سطحی که به اسم فیلم طنز تولید می‌شود، استقبال می‌کنند؟ جواب این سوال، مردم از هر ژانری انتظار خاص خود را دارند. برای همین وقتی به سینما می‌روند تا فیلم کم‌دی ببینند تنها به دنبال شاد بودن هستند، اما درباره فیلم‌های جدی به ویژه دفاع مقدس وضع کاملاً فرق می‌کند و مخاطب انتظار دارد کیفیت کار به اندازه مفهوم خوب باشد.

سخن پایانی خطاب به کارگردان فیلم است. بهرام توکلی در تنگه ابوقریب بهترین فیلم کارنامه خود را تا به امروز جلوی دوربین برده است، اما امیدوارم این اتفاق باعث نشود که وی در دام تکرار گرفتار آید، چون خیلی مواقع در سینمای ما فیلمسازان بعد از ساخت یک اثر خوب تکرار می‌شوند و این آفت بزرگی برای سینمای این سرزمین است.

قهرمان‌های خود را بالا و پایین کرده تا تماشاگر بهتر بتواند آنها را باور کند. برای همین از مطلق‌نگری در این کار پرهیز شده است. تنگه ابوقریب به آدم‌ها نگاهی واقع‌گرا دارد و هیچگاه در پی قضاوت آدم‌ها نیست، حتی شخصیت‌های فرعی این فیلم هم چنین هستند. برای مثال شخصیت ارتشی فیلم، تصویری از خود ارائه می‌دهد که ابتدا نمی‌شد آن را حدس زد، اما در موقعیت خاص خود متوجه می‌شویم که وی نیز از هیچ‌گونه جانفشانی دریغ ندارد.

درباره صحنه‌های جنگ فیلم هم انتقاداتی مطرح شده که شاید تا حدی درست باشد، آن نیز به خشونت این صحنه‌ها مربوط می‌شود، اما به نظرم کارگردان چاره دیگری نداشت، چون باید برای نشان دادن واقعیت برخی از تلخی‌ها جنگ را هم تصویر کرد. نکته بعدی که در بسیاری از نقدهای تنگه ابوقریب آن را شاهد هستیم به شباهت‌های این فیلم با «نجات سرباز رایان» مربوط می‌شود. این تشابه شاید در برخی صحنه‌های جنگی وجود داشت باشد، چون هر دو کار صحنه‌های نبرد را با دوربین روی دست گرفته‌اند، اما به نظرم این توجیه به هیچ وجه مناسب نیست، چون اگر بخواهیم اینگونه قضاوت کنیم، ناچاراً باید بسیاری از فیلم‌های جنگی را شبیه به هم خوانیم.

درباره بازیگری این فیلم حرف برای گفتن زیاد است، چون بازی‌ها بسیار دوست داشتنی هستند. امیر جدیدی، مهدی پاکدل، جواد عزتی و... بازی از خود ارائه می‌دهند که در بالاترین شکل ارائه می‌شود. برای همین هم امیر جدیدی توانست سیمرغ بهترین بازیگر را به خود اختصاص دهد، هر چند به باور من سیمرغ بهترین نقش مکمل نیز باید به جواد عزتی برای بازی در این فیلم داده می‌شد. درباره جواد عزتی یک نکته وجود دارد آنهم این که این بازیگر در هر شکل بازی بهترین کیفیت را از خود ارائه می‌دهد، حال آن کار می‌خواهد یک کار طنز بود یا این که موضوع آن درام یا دفاع مقدس باشد.

فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» ساخته بهرام توکلی کاری است که از آن می‌توان به عنوان یکی از شاخص‌ترین آثار سینمای دفاع مقدس نام برد که استانداردهای این ژانر را تغییر داد.

«تنگه ابوقریب» بهترین فیلم جشنواره سال گذشته، کاری در ژانر دفاع مقدس است. این فیلم تجربه‌ای نو در این ژانر محسوب می‌شود که تا به امروز مشابه آن را کمتر در سینمای کشورمان شاهد بوده‌ایم، هر چند فیلم سینمایی «دوئل» نیز تا حدی به لحاظ فرم از استانداردهای خوبی بهره برده بود، اما در تنگه ابوقریب ما اتفاق بسیار زیباتری را شاهد هستیم.

نکته جالب درباره این فیلم دفاع مقدسی به کارگردان آن مربوط می‌شود، زیرا عموماً برای نقد برخی فیلم‌های دفاع مقدسی، این مطلب که فیلمساز در این حوزه تجربه لازم را نداشته، دلیلی است تا فیلم‌های مورد نظر نقد شود، اما بهرام توکلی کارگردان این فیلم سینمایی با وجود تجربه اول خود در این ژانر، توانست اتفاقی خیره کننده رقم زند تا اندازه‌ای که کارش سیمرغ بهترین فیلم را به خود اختصاص داد.

تنگه ابوقریب به اتفاق می‌پردازد که در واقعیت تاریخی رخ داده و جز افتخارات جنگ محسوب می‌شود، زیرا تعدادی اندک در مقابل جمع کثیری از بعضی‌ها مقاومت کردند تا نگذارند دشمن به خاکشان دست درازی کند. این حماسه نیز به بهترین شکل ممکن رخ می‌دهد بدون اینکه فیلمساز بخواهد درباره آن اغراق کند. در همین رابطه پروداکشن و میزانشنی که کارگردان برای کارش انتخاب کرده، شگفت‌انگیزه است، البته امکاناتی که سازمان اوج به لحاظ سخت افزار در اختیار فیلمساز قرار داده تا حد زیادی در امتیازات حاصله این فیلم دخیل است، اما باز هم نمی‌توان از زیبایی این فیلم گذشت.

درباره فیلمنامه این فیلم سینمایی باید به روی نکته‌ای تاکید ویژه داشت آن نیز شخصیت پردازی دقیق کار است. کارگردان در بخش بخش تنگه ابوقریب،

هوای تازه

درباره آغاز اکران عمومی «تنگه ابوقریب»



محدثه واعظی پور

با آغاز اکران عمومی فیلم سینمایی «تنگه ابوقریب» از چهارشنبه ۱۷ مردادماه، سینماها رنگ و بوی تازه گرفته است.

رونق بازار کمدی‌ها نشانه خوبی نیست. آن هم کمدی‌های سطح پایین و جلفی که بیشتر جذابیتشان را مدیون شوخی‌های نازل و خط قرمزی‌شان هستند. سینماها در انحصار این کمدی‌هاست که یکی پس از دیگری مثل قارچ از زمین می‌رویند، به سرعت نوبت اکران می‌گیرند و روی پرده می‌روند. در این فضا از چهارشنبه ۱۷ مردادماه دو فیلم تازه اکران می‌شوند. «همه چی عادی» یک کمدی عامه‌پسند دیگر است که قرار است تماشاگر را بخنداند و چند ساعتی از فضای پر تب و تاب این روزها دور کند. اما مهمترین اتفاق اکران، آغاز نمایش عمومی «تنگه ابوقریب» ساخته بهرام توکلی است. فیلمی متفاوت در کارنامه سازنده «اینجا بدون من»، «پایرهنه در بهشت» و «پرسه در مه». فیلمسازی که تا امروز جنس قصه‌ها، فیلم‌ها و شخصیت‌هایش شباهتی به سینمای دفاع مقدس نداشته با یکی از بهترین فیلم‌هایی که درباره جنگ ساخته شده از راه می‌رسد.

«تنگه ابوقریب» در سی و ششمین جشنواره فیلم فجر ستایش شده و انبوهی جایزه به دست آورده و برای تماشاگران بیگانه نیست. اما چنین آثاری قطعاً نمی‌توانند ر کوردشکنی کمدی‌ها را داشته باشند. با این همه، می‌توان امیدوار بود تبلیغات درست و حمایت رسانه‌ها از این فیلم باعث بهتر دیده شدن آن شود. شاید یکی از ویژگی‌های بارزش «تنگه ابوقریب» این است که با سواسی هنرمندانه ساخته شده و برای شعور مخاطبش احترام قائل است. این موضوع برای آنهایی که از فضای دلزده‌کننده و تکراری سینمای عامه‌پسند خسته شده‌اند، جذاب است. ترکیب بازیگران فیلم یکی دیگر از امتیازهای آن است. امیر جدیدی در نقش یک بچه تهرن بامرام، دوست داشتنی و جواد عزتی در نقشی جدی قابل باور و همدلی برانگیز است. مهدی پاکدل، حمیدرضا آذرنگ، مهدی قربانی و علی سلیمانی با حضوری بدون اغراق و دلنشین به شخصیت‌هایی شیرین و پرشور تبدیل شده‌اند که دنبال کردن سرنوشتشان برای تماشاگر فیلم، مهم می‌شود.

«تنگه ابوقریب» فیلم فضا سازی است و فیلمبرداری خوب حمید خضوعی ایبانه در خلق فضای پر تنش و ناآرام جبهه، بسیار موثر بوده است. تازه‌ترین تجربه همکاری توکلی و سعید ملک‌ان (تهیه‌کننده فیلم) اثری تأثیرگذار و تراژیک است. فیلمی در ستایش وطن و قهرمانانی که پای انتخابشان می‌ایستند و آگاهانه به مسلخ می‌روند. فیلم از لحظه درستی آغاز می‌شود، از آرامشی شکننده و شادی گذرایی که شخصیت‌های فیلم را دربر گرفته، اما این خوشی زودگذر، جایش را به حماسه‌ای قهرمانانه و ملی می‌دهد. اکران «تنگه ابوقریب» در فضایی که رقابت کمدی‌ها به وجود آورده می‌تواند یک چالش بزرگ باشد. فیلم بهرام توکلی باید در میانه یک کارزار پرزرق و برق و از لابلای عکس‌های رنگارنگ و لیخنه‌های تصنعی کمدین‌ها، راهش را به دل مردم باز کند. «تنگه ابوقریب» فاصله زیادی با اغلب فیلم‌های روی پرده دارد، اما برای مردمی که قهرمانی را ستایش می‌کنند و به قهرمانان‌شان می‌بالند تحفه گرانبهایی است. نگاه کردن به چشم‌های پرغور شخصیت‌های فیلم، وقتی در بطن خون و آتش ایستادگی می‌کنند ترکیبی از افتخار و اندوه را در دل تماشاگر زنده می‌کند. «تنگه ابوقریب» برای بهرام توکلی یک نقطه عطف و شروعی تازه است. ندگی واحد هنرهای تصویری حوزه هنری کارگردانی کرده بود.



سینماهایی که دیگر نفس نمی‌کشند!



فاطمه پوشکی

صندلی‌های سینمایی کشور است و به نسبت جمعیت ایران به بیش از نه هزار و ۶۰۰ سالن سینما نیاز داریم! رها کردن بسیاری از سالن‌های سینمایی و به گرد فراموشی سپردن آن‌ها کمتر از قتل نیست. «کشتن مکان‌های فرهنگی» با غفلت‌ها و شیطنت‌ها.

مشابه خیابان لاله زار را در بسیاری از شهرهای دیگر هم شاهد هستیم. شهرهایی که دیگر یادشان نیست که روزی روزگاری سینما داشته‌اند. یاسوج، شهرکرد، قائمشهر، نهاوند، شهرهای سیستان و بلوچستان، ایلام، سمنان، اراک، آذربایجان غربی، اردبیل، و ...

همگان واقفند سالن‌های سینما صرفاً مکانی برای فیلم دیدن نیستند که با رشد و گسترش فناوری‌های نوین این امکان به راحتی در هر خانه‌ای فراهم است. این مکان‌ها به مثابه گذارهای فرهنگی و پاتوق‌های تفریحی مشی زندگی اجتماعی و نقطه ثقل انتشار و گسترش نشاط و مشارکت‌های اجتماعی نیز هستند. گلوگاه‌های پیوند دائمی خانواده با اجتماع. مانند ورزشگاه‌ها، میادین و پارک‌ها و ... مضافاً اینکه، در این مکان‌ها، رفتارهای فرهنگی و هنجارهای اجتماعی در سطحی عالی‌تر و با زبان هنرمندانه و تاثیرگذارتری معرفی می‌شوند.

در تهران در میدان توپخانه از سینما سارا فقط سردر کهنه و ویرانه و کثیفش بر جای مانده و سالنش به انبار دیوی کالا تبدیل شده است. سینمایی که در سال‌های دور جزو سینماهای لوکس لاله زار بوده و در مقاطعی به مخروبه و محل تجمع معتادان بدل شده بود.

درست چند قدم آن طرف‌تر، از سینما «سارا» سمت چپ لاله زار سردر «تئاتر تهران» قرار دارد. که دیگر

منحصربفردی داشت امروزه محو شده و جایش را مغازه‌ها و فروشگاه‌های الکتریکی گرفته‌اند. نسل امروز هیچ خاطره‌ای از این خیابان و سینماهای آن ندارد. مشابه این خیابان و سینماهای آن در شهرهای مختلف کشور هم، شاهد چنین مرگ خاموشی هستند. ساختمان‌هایی که با گذشت زمان، نه تنها برای نسل جوان و نوجوان حس و خاطره‌ای را رقم نمی‌زنند بلکه چنان در لایه‌های ضخیم غبار فراموشی و در محاق معماری کور ساختمان‌های مدرن فرو رفته‌اند که دیگر برای قدیمی‌ها هم حس و نوستالژیایی ندارند. و متأسفانه، در توسعه لگام گسیخته امروز شهرها «ما به ازاهایی» هم، برای آن‌ها طراحی نشده است.

اینکه چه کسی یا دستگاه‌هایی این فاجعه را رقم زدند نیازمند بررسی است. در کشوری که از هزار و ۱۸۰ شهر آن فقط ۶۰ شهرش دارای سینماست. علاوه بر آن، حتی برخی استان‌هایش هم، از داشتن یک سالن سینمایی استاندارد محروم است روند رو به اضمحلال مکان‌های فرهنگی قدیمی و هویت دار به شدت تلخ و قابل تأمل است.

این در حالی است که وضعیت سینما و پرده نمایش در شهرهای مختلف هم چندان مطلوب و رضایت بخش نیست - از سینماهایی که تغییر کاربری داده و به انبار و رستوران تبدیل شده‌اند تا سینماهایی که تعطیل و متروکه هستند.

در منابع و مطالعات آماری تصریح شده است: ۶۲ مجتمع، ۱۹۵ سینما، ۸ سالن و ۱۴ فرهنگسرا با ۴۱۵ پرده و ۱۲۹ هزار و ۱۲۳ صندلی همه ظرفیت

سینماهای زیادی در گوشه و کنار شهرها قرار دارند که روزگاری پاتوق مشتاقان سینما و گروه‌های مختلف مردم بوده‌اند - مکان‌هایی مملو از عشق، هیجان، حماسه، تمرین زندگی و مشی مشارکت‌های مدنی و ... که بسیاری از آن‌ها، سال‌هاست که دیگر نفس نمی‌کشند، نبض زندگی در آن‌ها نمی‌تپد و به بیغوله‌ها، خرابه‌ها و میعادگاه معتادین و ... تبدیل شده است.

اگر چه هنوز، جای شکرش باقی است که موسسه‌ای به اسم «بهمن سبز» در این وانفسای بحران زده حوزه فرهنگ و معضلات اساسی مبتلا به صنعت و اقتصاد چراغش همچنان، در گوشه و کنار روشن است. و هنوز، نفس کم نیاورده و گام به گام به احیای سینماهای قدیمی می‌پردازد؛ سینماهایی که خیلی از هم نسل‌های شان سال‌هاست در شعاع بی‌توجهی و غفلت مسئولان سینمایی و مدیران شهرداری‌ها و یا در سایه شیطنت مالکان آن‌ها تغییر کاربری می‌دهند و به پاساژها و انبارها تبدیل می‌شوند.

کمتر سینما رویی از نسل‌های گذشته داریم که «لاله زار» را با سینماهایش نشناسد. خیابانی که روزگاری، یکی از مهمترین مراکز تئاتر و سینمای کشور با ۱۶ سالن سینما و ۶ سالن تئاتر بود؛ سینماهایی چون: سارا، رکس، خورشید، فردوسی، البرز، ایران، مایاک، مرجان، متروپل، کریستال، تابان، فاروس، رودکی، شهرزاد و ... در این منطقه فعال بودند و در طول سالیان یکی یکی از نفس افتاده‌اند و امروز، کاملاً تعطیل و تبدیل به ویرانه‌ای بدل شده‌اند.

هویت خیابان لاله زار که با سینماهایش شخص



حتی سینما قصر طلایی در سال ۱۳۹۰ توسط اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی خریداری و در طرح بازسازی به «سالن اجتماعات ستارگان» تغییر کاربری داده است. سینما شهر صنعتی نیز، توسط شهرداری تملک و پس از چندین سال مخروبه ماندن به فرهنگسرا تغییر کاربری یافت. در مجموع از شش سینمای اراک امروز فقط ۲ سینمای فرهنگ و عصر جدید مانده‌اند. سینمای ساوه و پردیس خمین نیز نیمه‌فعال اند و سینماهای محلات و شازند تعطیل شده‌اند.

ارومیه که دورزمانی سینماهای «آزادی» (تخت جمشید)، سینما انقلاب و سینما ایران و بعدها نیز، سینماهای فرهنگ و تربیت، همچنین، سینما قدس قدس در اشنویه، وحدت در بوکان، فرهنگ در پیرانشهر، میهن و آسیا در خوی، قدس در سردشت، سعدی در سلماس، بهمن در شاهین‌دژ، قدس در ماکو، تربیت در مهاباد، انقلاب در میان‌دوب و فرهنگ و ایران در نقده را با ظرفیتی بالای ۱۱ هزار صندلی (به ازای هر هزار نفر ۴ صندلی) در اختیار داشت امروز از نوزده سینمای موجود استان، شانزده سینما تعطیل و تنها سه سینمای فرسوده ارومیه نیمه‌فعال است. و ده‌ها شهر دیگر که ذکر آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد.

به کجا می‌رویم؟ وقتی رهبری از سینما به کلید پیشرفت و توسعه تعبیر می‌کنند این حجم از اهمال کاری و بی‌خیالی چه معنا دارد؟

شد و بعدها کاملاً تخریب و با تغییر کاربری تبدیل به پاساژ بزرگی شد. «سینما نپتون» که به پاساژی به نام «سجاد» بدل شد. و سینماهای دیگری که دیگر نیستند، حتی یاد و خاطره شان هم محو شده است. محمدشهر و ساوجبلاغ، نظرآباد و اشتهارد در استان البرز سینمایی ندارند. دومین سینمای شهر قزوین در خیابان امام اکنون رستوران شده است. یک سینمای پنجاه ساله دیگری در این شهر که اکنون، اثری از آن نیست. «سینما ملت» این شهر هم، ملتی را به خود نمی‌بیند و تعطیل است. سینما فرهنگ نپاوند که روزگاری نه‌چندان دور مردم جلوی گیشه فروش بلیت آن صف می‌کشیدند، پس از نیم‌قرن فعالیت از ۱۰ سال قبل تعطیل است. به تعبیر روزنامه نگاری امروز این سینما مانند یک لباس از مدافتاده گوشه‌ای از شهر، غرق خاک است. در اردبیل دو شهرستان گرمی و خلخال اصلاً، سینما ندارند و طی سال‌ها، چهار سینما از سینماهای شهر اردبیل تعطیل و یک سینما تخریب شده است. اکنون، سینما قدس و انقلاب اردبیل باقی مانده‌اند. سینماهای تعطیل دچار استهلاک وسایل شده‌اند. در اصفهان وضعیت تا همین چندی پیش رو به وخامت بود ولی با دستور واگذاری سینماهای نیمه‌تعطیل و تعطیل به حوزه هنری تاحدودی این وضعیت سروسامان گرفت و «بهمن سبز» چند سینما از جمله: چهار باغ و ساحل و ... را بازسازی و نوسازی کرد در حالی که، تعدادی از سینماهای این شهر مانند: ایران و اندیشه همچنان تعطیل هستند «سینما قصر طلایی» با ظرفیت هزار تماشاچی و «سینما شهر صنعتی» اراک نیز، تعطیل شده‌اند.

نه از تاک نشان است و نه از تاک نشان - و از تئاتر و از هنر نشانی بر خود ندارد. شبی از یک مرکز هنری که زمانی قرار بوده موزه تئاتر شود. جلوتر، کوچه ای کوچک - کوچه باربد - با ۶ سینما: نادر، شهرزاد، جهان، مترو، اطلس و فردوسی که یکی یکی اکنون، خرابه و تعطیل شدند. سینما «نادر» که اطرافش دور زمانی استودیوی صدای «ایران فیلم» بود و امروز پارکینگ موتورسواران شده است. سینمایی که هنوز در حافظه تاریخی خیلی‌ها، تصاویر و موسیقی فیلم‌های وسترن چون: «به خاطر چند دلار بیشتر» و یا «قلعه عقاب‌ها» باقی مانده، مردمی که از هشت صبح دم در این سینما صف می‌کشیدند و بسیاری از فیلم‌ها با حضور هنرپیشه‌های مطرح در این کوچه ساخته شده بود.

از سینما «البرز» با خاطره قهرمانان کشتی اش - سینمای پاتوق کشتی گیران - هم، ردی بر جای نمانده است. محمد خادم، مرحوم غلامرضا تختی، حبیب الله بلور سرمربی تیم ملی و محمد رضا طالقانی در این سینما فیلم می‌دیدند.

و ده‌ها سینمای دیگر. در این میان یکسری سینما به دست اهلیش افتاده است و از کلنگ تخریب و غبار ایام جان به در برده اند. بهمن، سپیده، استقلال و شاهد و ...

این فاجعه در دیگر شهرها هم تکرار شده است. شهر کرد تنها یک سینمای رسمی به نام سینما بهمن دارد که آن نیمه‌تعطیل است. سینمای بروجن تعطیل شده است. قائمشهر در مازندران، بعد از تهران متراکم‌ترین شهر در زمان‌های دور صاحب چندین سینما بود. «سینما دیانا (فجر)» که تعطیل



جای خالی پردیس در همدان



سعید شرفی مدیر امور سینمایی همدان

سینما به منزله یک وسیله فرهنگی-آموزشی نقش مهمی را به خصوص در کشورهای در حال توسعه ایفا می کند. این هنر-صنعت سالانه میلیاردها بیننده دارد و این امر تاثیر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زیادی به دنبال دارد و معمولا سرمایه گذاری در این صنعت با عمر طولانی همراه است. یکی از مهم ترین بخش های چرخه اقتصادی صنعت سینما، گیشه و فروش فیلم ها در سالن های سینماست، سال های اخیر شاهد افتتاح پردیس های سینمایی مختلفی در پایتخت و شهرهای بزرگ کشورمان همچون پردیس سینمایی آزادی، کوروش، مگامال، اریکه ایرانیان و ... در تهران پردیس سینمایی هویزه و اطلس در خراسان رضوی پردیس سینمایی چهارباغ در اصفهان، پردیس سینمایی بهمن در سمنان و ... بوده ایم که این امر کمک شایانی به رونق فرهنگی و اقتصادی سینماها داده است اما در این میان همدان با جمعیتی بیش از ۶۷۵ هزار نفر جمعیت هنوز از داشتن فضایی مشابه بی بهره است. همدان با داشتن ظرفیت های بالای فرهنگی و وجود سینما قدس در پیاده راه بوعلی بهترین پتانسیل را برای احداث پردیس سینمایی دارا است. انشاالله تلاش داریم تا با معرفی حساسیت موضوع و نیاز ارتقاء سطح کیفی سینما با جذب اعتبارات لازم این مهم را به انجام رسانیم. همچنین، در تلاشیم تا از فضای موجود در سینما بهمن ملایر حداکثر استفاده را برده و سالن دو این سینما را نیز احداث کنیم.

سینماهای در اختیار موسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز در استان همدان اکنون با سه سینما و پنج سالن در حال فعالیت هستند که در سه ماهه ابتدای سال جاری با نمایش ۲۰ حلقه فیلم نسبت به سال ۹۵ با بیش از صد رشد در آمار مخاطب، میزبان حدود ۱۵۱ هزار نفر در سینماها بودیم. نمایش فیلم های هنر و تجربه برای مخاطب حرفه ای در سینما فلسطین و فیلم های مخصوص کودک در سینما قدس همدان و بهمن ملایر به صورت مستمر، نمایش فیلم های جشنواره بین المللی فجر در سال گذشته و جشنواره ملی پویانمایی در سال جاری از جمله کارهایی است که برای مخاطبان خاص سینما انجام داده ایم و با پیروی از اهداف سازمانی در تلاشیم تا با نمایش فیلم های ارزشی و فاخر هر چه بیشتر از حضور خانواده در سینما تقدیر کنیم. تلاش ما این است تا با ایجاد انگیزه و نمایش فیلم های متنوع برای مخاطبان رفتن به سینما را در سبد نیازهای فرهنگی خانواده قرار دهیم و دسترسی به اطلاعات و اخبار سینماها را جهت انتخاب فیلم برای آنها ایجاد کنیم.

سینما به منزله یک وسیله فرهنگی-آموزشی نقش مهمی را به خصوص در کشورهای در حال توسعه ایفا می کند. این هنر-صنعت سالانه میلیاردها بیننده دارد و این امر تاثیر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زیادی به دنبال دارد و معمولا سرمایه گذاری در این صنعت با عمر طولانی همراه است. یکی از مهم ترین بخش های چرخه اقتصادی صنعت سینما، گیشه و فروش فیلم ها در سالن های سینماست. سینما باید مری باشد برای آنهایی که در سینما وارد می شوند. حضرت امام خمینی (ره) /صحیفه نور، جلد ۹- صفحه ۱۵۵

سینما، ترکیبی از مزایای موجود در هر یک از هنرها است و با عنوان هنر هفتم شناخته می شود. این هنر، مزیت تصویر را از مجسمه سازی و معماری به عاریه گرفت، شخصیت پردازی را از ادبیات به ارث برد، صدا را از موسیقی وامدار است و برای ارائه جمعی و کوشش گروهی به تئاتر نظر انداخت. سینما آمیزه ای از ذوق، فن و علم است که روز به روز به غنای آن افزوده شده و کامل ترین وسیله ارتباطی در جهان امروز شناخته می شود.

در سال ۱۳۱۰ سینما فلسطین همدان با نام الوند با حضور هنرمندانی از جمله مرتضی نی داود به صورت یک سالن لژ و بالکن با ظرفیت ۵۰۰ صندلی افتتاح شد. در سال ۱۳۳۷ سینما قدس همدان با نام همان نیز به صورت یک سالن لژ و بالکن با ظرفیت ۵۲۰ صندلی فعالیت خود را آغاز کرد و بالاخره در سال سینما باید مری باشد برای آنهایی که در سینما وارد می شوند. در شهرستان ملایر به نام بهمن نام قدیم کورش با ظرفیت ۶۰۰ صندلی آغاز به کار کرد. از آنجا که تاش تمامی صاحب نظران این عرصه استفاده حداکثری از فضا و امکانات موجود در سینماها جهت ارائه با کیفیت و مطلوب فیلمها است، سال نهایی مذکور مجدداً از سال ۱۳۸۵ توسط حوزه هنری با همکاری و مشارکت سازمان توسعه سینمایی سوره و مؤسسه سینما شهر در مسیر جدید بازسازی قرار گرفتند. در سال ۱۳۸۵ همزمان با افتتاحیه جشنواره بین المللی فیلم کودک و نوجوان سینما قدس یک و دو بازسازی و از ابتدای سال ۱۳۹۳ به سیستم نمایش دیجیتال و صدای دالبی مجهز شد. سینما بهمن ملایر نیز در سال ۱۳۸۹ بازسازی و از ابتدای سال ۱۳۹۳ به سیستم نمایش دیجیتال و صدای دالبی مجهز شد. در نهایت سینما فلسطین بعد از حدود ۹ سال تعطیلی در مهر ماه سال ۱۳۹۴ همزمان با افتتاحیه جشنواره بین المللی فیلم کودک و نوجوان با پیگیری موسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز به صورت دوسال مجزا و مجهز به سیستم نمایش دیجیتال و صدای دالبی به چرخه اکران بازگشت.

سینماهای استان همدان از سال ۱۳۷۳ به مالکیت و مدیریت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی منتقل شد که مدیریت و اداره آنها از مهر ماه سال ۱۳۹۲ در اختیار موسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز است.

سینمای رو به نزول کمدی



ناز نعمتی

تلویزیونی هم به لحاظ محتوایی و هم از نظر فنی نسبت به فیلم‌های سینمایی بهتر هستند. به صورتی که در سال‌های اخیر کارگردانان مطرح و بازیگر درجه یک سینما نیز به صنعت سریال سازی اقبال نشان داده و هفته ای نیست خبری جدید از حضورشان در سریال‌ها شنیده یا خوانده نشود.

در کشور ما اما متأسفانه، اقبال مخاطبان به گونه کمدی نه تنها باعث بالا رفتن کیفیت این آثار نشده است که این ژانر سینمایی مدام در حال نزول و افتادن به ورطه لودگی‌های سطحی و شوخی‌های جنسی و سبک است. ساخت کمدی‌هایی که بتوانند مخاطب را به سینما بکشانند بسیار کم خرج است. کافی است تهیه کنندگان یکی دو بازیگر معروف کمدی را به بازی کردن در آثارشان راضی کنند و فیلمنامه ای دم دستی تهیه کرده و به کمک یک کارگردان فیلم را کلید بزنند. این میان تنها چیزی که به آن توجه نمی‌شود کیفیت فیلم و قصه و احترام به شعور مخاطبی است که برای تماشای فیلم به سالن سینما آمده. متأسفانه، تا وقتی آثار کمدی دم دستی و بی خاصیت به فروش‌های چند میلیاردی دست پیدا می‌کنند سازندگان شان به فکر بالا بردن کیفیت آثارشان نخواهند بود. تا وقتی حضور چند بازیگر کمدی و گنجاندن سیلی از شوخی‌های جنسی و متلک‌های سیاسی دم دستی جوابگو باشد چه نیازی به فیلمنامه خوب و قصه تازه و ساختار مناسب است!

به شادی و پایکوبی بپردازند. وقتی برای این نیاز هیچ پاسخی در جامعه وجود ندارد مردم در نهایت برای داشتن دقایقی خوش در کنار خانواده و دوستان به گزینه‌های محدودی که پیش رو دارند اقبال نشان می‌دهند که یکی از آنها سینمای کمدی است.

تماشای یک فیلم کمدی در کنار خانواده کمترین هزینه را به سبد خانوار تحمیل می‌کند و در شرایطی که اوضاع اقتصادی و تورم بر خانواده‌های کم درآمد و آسیب پذیر و حتی خانواده‌هایی با درآمد متوسط فشار وارد می‌کند، بهترین گزینه انتخاب تماشای یک فیلم کمدی برای داشتن ساعتی مفرح است. اما سوال اینجاست که آیا حالا که سالهاست مخاطب به آثار کمدی اقبال نشان داده و سالن‌های سینما را پر کرده و پول را به جیب سازندگان این آثار سرازیر می‌کند، سازندگان هم خود را نسبت به این مهر مخاطبان مسئول و متعهد می‌دانند یا خیر؟

در تمام کشورهای صاحب صنعت سینما و البته، شبکه‌های تلویزیونی وقتی گونه ای سینمایی با اقبال مواجه می‌شود سینماگران به تکاپو می‌افتند که چگونه و با استفاده از چه تدابیری در راه ارتقای هر چه بیشتر آن گونه سینمای گام بردارند تا هم میزان رضایت و سطح سلیقه مخاطب را بالا ببرند و هم گیشه موفق داشته باشند. مثال واضح در این مورد بالا رفتن سطح سریال‌های تلویزیونی و شبکه‌های اینترنتی و وابسته به کمپانی‌های فیلمسازی است. با بالا رفتن تب سریال بینی در دهه اخیر در دنیا شاهد هستیم که سطح کیفی سریال‌ها به شکل اعجاب انگیزی بالا رفته و گاهی حتی، قسمت‌های مختلف یک سریال

با نگاهی اجمالی بر لیست فروش فیلم‌ها در سال‌های اخیر خواهید دید سینمای ایران کاملاً در قبضه فیلم‌های کمدی است و صدر لیست پرفروش‌های سینما سال‌هاست به نام این ژانر سند خورده است. واقعیت این است که در اوضاع نه چندان خوب اقتصادی سینما، فروش فیلم‌ها طبعاً باید جای خوشحالی داشته باشد اما نزول سلیقه مخاطب و دست کم گرفتن هوش و ذائقه تماشاگران و دستاویز شدن به هر حربه مبتذل و بی‌مایه برای رسیدن به فروش خوب اِدا جای خوشنودی ندارد.

مردم ایران علاقه بسیاری به طنز کلامی دارند و این علاقه دارای پیشینه تاریخی است و ریشه‌های آن را می‌توان در نمایش‌های روحوضی و سیاه بازی جست. مردم ما مزه پرانی را دوست دارند و با حوصله برای هر رویداد اجتماعی، اقتصادی و... جملات و مطالب طنزآمیز خلق می‌کنند. اگر نگاهی به شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های مختلف بیندازید خواهید دید حجم بالایی از مطالبی که در روز در گوشی‌های هوشمند بین کاربران رد و بدل می‌شوند مطالب طنزآمیز و فکاهی هستند. علاوه بر ذوق و علاقه مردم کشورمان به طنز، می‌توان دلایل دیگری نیز برای این اقبال به طنز و لطیفه را در نیاز جامعه به شادی و داشتن ساعات مفرح دید. واقعیت این است که ما در کشورمان چندان توجهی به این نیاز ذاتی یعنی شاد بودن و ایجاد موقعیت‌هایی برای شادی نداریم و این موضوع باعث می‌شود مردم حتی برای باخت روبروی تیم آرژانتین و مساوی مقابل اسپانیا حتی در صورت عدم صعود هم در نیمه‌های شب به خیابان‌ها ریخته و





چرا «موسسه هنرهای تصویری سوره» همه انتظارات شمارا برآورده می‌کند؟

فیلم سینمایی انقلابی با تهیه‌کنندگی مستقیم حوزه هنری یعنی «تیرباران» محصول ۱۳۶۶ با محوریت زندگی شهید اندرزگو تا فیلم‌های انقلابی و سینمای دفاع مقدس شامل آثار جاویدان زنده یاد ملاقلی‌پور، ابراهیم حاتمی کیا، جمال شورجه، احمد رضا درویش و... فیلم‌هایی همچون: مهاجر، مزرعه پدری، دیده بان، هیوا، تانسل بعدی «از کرخه تا راین»، آژانس شیشه ای، روبان قرمز، ارتفاع پست و غیره همگی آرشید دهه نخست این موسسه را تشکیل می‌دهند که تا همین جا بار

شبکه نمایش خانگی که در بدو شکل‌گیری خود رسالتی دیگری داشت و قرار بود فیلم‌های سینمایی را بعد از تمام شدن اکران و گذشت مدت نه چندان کمی، در قالب نوارهای ویدئویی و سپس سی‌دی به خانه‌های مردم بیاورد تا خانواده‌ها بتوانند فیلم‌های مورد علاقه‌شان را که در سینما دیدند چندبار دیگر در خانه ببینند، حالا چند سالی است که تغییر ماهیت داده و خود به عنوان یکی از رقبای اصلی سینما قد علم کرده است. این شبکه گسترده در قالب موسسات و عناوین گوناگونی از دولتی تا خصوصی فراز و نشیب‌های مختلفی را پشت سر گذاشته و در این آشفته بازار عدم رعایت حق کپی رایت و قاچاق غیر قابل کنترل محصولات فرهنگی، تعداد زیادی از این موسسات از بازار رقابت بازماندند و تعداد معدودی ماندند و سیمرغ شدند. در این میان «موسسه هنرهای تصویری سوره» که از دو دهه پیش، تشکیل شده و طفل نوپای این سازمان بوده است، اکنون برای خودش قد کشیده و با همه ناهمواری‌ها سری میان سرها در آورده و اگر نگوئیم یک‌تاز این میدان است، در بدترین حالت به گواه آمار فروش و استقبال و اعتماد مردمی جز برترین‌ها و پیشگامان این عرصه به شمار می‌رود.

گنجینه سینمای انقلاب و دفاع مقدس

«موسسه هنرهای تصویری سوره» هم مانند سایرین در ابتدا ساز و کاری محدود و ساده داشت و فیلم‌های تولید حوزه هنری را در بهترین سال‌های سینمای انقلاب و دفاع مقدس، بعد از گذشت زمان اکران تبدیل به VHS و CD می‌کرد و در بسته‌بندی‌هایی در خورشان فیلم شامل توضیحات و عکس‌ها و موارد ضروری با قیمتی مناسب عرضه می‌نمود. از نخستین

معنوی و مفهوم والای چند دهه سینمای ارزشی در ایران بعد از انقلاب را به تنهایی به دوش می کشد و گنجینه ارزشمندی از برهه ای حساس و مهم در سینمای ایران در دل این موسسه گنجانده شده است.

به روز رسانی و همسان سازی با فضای تبلیغاتی مورد نیاز جامعه

«موسسه هنرهای تصویری سوره» در دهه های بعدی فعالیت خود به فراخور نیاز اجتماع به روز رسانی شد، سرعت تبدیل فیلم های سینمایی به سی دی ها و سپس DVD های با کیفیت هر روز بیشتر شد و علاوه بر فیلم های سینمایی مسئولیت پخش سریال های از قبل پخش شده در تلویزیون را هم بر عهده گرفت. در سال های بعد شبکه گسترده نمایش خانگی فعالیت جدید خود یعنی تولید محتوا را آغاز کرد که دوبله و پخش سریال های خارجی و همچنین، تولید تله فیلم ها و فیلم های تلویزیونی شروع این مسیر بود، مسیری که با تولید سریال های چندین قسمتی صرفاً به منظور پخش در شبکه خانگی همچون «مرد هزار چهره»، «قهوه تلخ»، «قلب یخی» و... شروع شد و شاید بتوان گفت با «شهرزاد» و «عاشقانه» به اوج رسید.

اما نکته حائز اهمیت اینجاست که «موسسه هنرهای تصویری سوره» هم در این میان دست روی دست گذاشت و نه تنها از رقبا مدرن خود عقب نماند بلکه با ورود به دنیای انیمیشن ایرانی برگ برنده ای منحصر به فرد رو کرد و مانند همیشه با محوریت فرهنگ و تکنولوژی ایرانی پیشتاز فعالیت در بین سایر موسسات هم راستا شد.

مجموعه انیمیشن ایرانی «شکرستان» با پخش و حمایت حوزه هنری به اوج اعتلا رسید. پس از استقبال از این انیمیشن، عروسک هایی به شکل شخصیت های این مجموعه با حمایت سازمان تبلیغات اسلامی و به همت مرکز نشر الکترونیک و با همکاری مرکز انیمیشن حوزه هنری، توسط دو شرکت «آیس تویز» و «پالیز» ساخته و در بازار ایران به فروش رفت و بیشترین استقبال از عروسک های «ننه قمر» و «اسکندر» صورت گرفت. در ادامه در سال ۱۳۹۴ مرکز مطالعات و تولیدات انیمیشن حوزه هنری و انتشارات سوره مهر، ۳۰ جلد از مجموعه کتاب های شکرستان را با عناوینی همچون نیم مشت نمک، وردهای دزدگیر، شیر آب، پر جادویی، عمونوروز و چهل دزد و... منتشر کرد.

در نهایت هم بازی تلفن همراه «صمد پرواز» براساس تصاویر و شخصیت های انیمیشن شکرستان به وسیله حوزه هنری استان تهران تولید شد و همه این حمایت ها، مجموعه «شکرستان» را اینچنین مشهور، محبوب و ماندگار کرد و این ظرایف خلاقانه و داشتن پشتوانه حمایتی قوی همچون حوزه هنری، و «موسسه هنرهای تصویری سوره» این آثار را چنین نام دار و سرآمد کرده است.

چشم انداز آینده؛ زیرساخت های تلویزیون تعاملی IPTV

«موسسه هنرهای تصویری سوره» در چشم انداز آینده کاری خود در پرتابل رسمی اش علاوه بر فراهم آوردن واحد فنی سیار، نوید مدیریت محتوای بسترهای نمایشی VOD و IPTV داده است. نسل جدید تلویزیون تلاش بر آن دارد تا در خانه هایمان واقعاً فرد دیگری داشته باشیم و بتوانیم با او رابطه دو طرفه برقرار کنیم. این ارتباط دو طرفه باعث می شود تا حتی الامکان محتوای دلخواه بیننده به او نمایش داده شود. تلویزیون هوشمند یا تعاملی تلویزیونی است که به بیننده اجازه می دهد از راه هایی به جز تغییر کانال یا کم و زیاد کردن صدا با آن ارتباط برقرار کند. تلویزیون هوشمند دارای یک «مسیر بازگشت» و تعامل و ارتباط دو طرفه بین بیننده و مرکز پخش است. یعنی در این تلویزیون، اطلاعات نه تنها از مرکز پخش به بیننده می رسد، بلکه اطلاعاتی نیز از سوی بیننده به مرکز پخش باز می گردد. ویژگی جالب سیستم های تلویزیون تعاملی آن است که توانایی آن را دارد تا هر دستگاه تلویزیون یا بیننده، محتوای دلخواه بیننده آن را در اختیار بگذارد. با این روش هر تلویزیون خانگی بر اساس سلیقه، علاقه، تخصص و فضای فکری بیننده خود محتوای مخصوص به او را ارائه و قابل دسترس قرار خواهد داد.

سیستم IPTV نوعی سیستم تلویزیون تعاملی است که بر بستر شبکه IP پیاده سازی شده است و برای عملکرد نیاز به اتصال شبکه و اینترنت دارد. برای بهره برداری از سیستم تلویزیون تعاملی با استفاده از پروتکل اینترنتی می توان از تلویزیون های هوشمند بدون احتیاج به وسیله جانبی، و یا از دستگاهی جانبی به نام گیرنده دیجیتال تلویزیونی (STB) در کنار تلویزیون های موجود استفاده نمود تا بدین وسیله به آن قابلیت های تلویزیون هوشمند را افزود.

تلویزیون اینترنتی در ایران نیز همانند دیگر فناوری های جدید در بدو ورود با مشکلاتی همراه بوده و در حالی که در بسیاری از کشورها این فناوری جدید در کنار سایر رسانه های جمعی تبدیل به ابزاری عادی برای ارائه اخبار، محتوا و اطلاع رسانی شده، در ایران همچنان چالش هایی در مسیر بهره برداری از این سرویس وجود دارد. اگر چه بهره برداری از تلویزیون اینترنتی نیازمند به مشارکت فراسازمانی صدا و سیما، شرکت مخابرات و بخش خصوصی است، اما همانطور که گفتیم «موسسه هنرهای تصویری سوره» هم از این رویداد مهم باز نمانده و تمام بسترهای مناسب را برای شروع بهره برداری از این تکنولوژی آماده ساخته است.

سینما در درون خانه ها

این «موسسه» با بیست و چند سال سابقه درخشان در پخش و تولید و جهت دهی فکری و فرهنگی یکی از آن اسم هایی است که حالا واقعاً به گردن

فرهنگ سمعی و بصری این کشور حق محترمی دارد و امروزه که علیرغم همه پیشرفت های سخت افزاری صنعت سینما همچنان مشکل کمبود سالن سینما در شهرستان ها را داریم و حتی در شهرهای بزرگ و مدرن هم علیرغم وجود سینماها و سالن های استاندارد، با بحران کمبود مخاطب مواجه شده ایم، آوردن فیلم ها با پرداخت مبلغی معادل یک بلیت معمولی سینما، در قلب خانه پدیده مهم و ارزشمندی است که بیش از پیش اهمیت شبکه نمایش خانگی را برای ما مسلح می کند. شبکه ای که اگر چه به لحاظ اقتصادی به صرفه است اما به دلیل ورود فیلم به هسته مرکزی خانواده، یعنی خانه، می تواند خطرناک و آسیب رسان باشد. پس دقت در انتخاب یک فیلم برای خریدن DVD آن به مراتب مهم تر از دقت در انتخاب یک فیلم برای رفتن به سینماست. در خانه صحبت از خانواده و دور هم دیدن و شنیدن است و امنیت و سلامت فیلم قطعاً حرف اول و آخر را می زند. سرآمد در انتخاب مضامین سالم و خانوادگی موسسات تولید و پخش گوناگون شاید آنقدر که به سرعت پخش و کیفیت دیجیتالی و تبلیغات شهری و جاذبه های گرافیکی و مختصات از این دست اهمیت می دهند، در انتخاب مضمون اثر خودشان را به زحمت نمی اندازند و انواع فیلم های کودک، بزرگسال، ارزشی و فکاهی و مبتذل و فیلم فارسی و... را بسته بندی و توزیع می کنند، اما «موسسه هنرهای تصویری» بی تردید از معدود موسساتی که سرآمد انتخاب مضامین سالم و خانوادگی است و بدون کمترین خدشه به کیفیت و سرعت و پخش و تبلیغات و... با رعایت همه الزامات حرفه ای و استاندارد بین المللی، همیشه مضمون پاک را سرلوحه کار خود قرار داده و بی شک همین آرشو سالم و خانوادگی است که آثار این موسسه را اینقدر به درون خانه ها برده و در نتیجه این اعتماد، سودآوری مالی مطلوبی برای خودش داشته است.

«موسسه هنرهای تصویری سوره» که با ساختار مدیریتی و اقتصادی «خودگردان» در حال حاضر در راستای طرح تکریم مخاطب و کمک به فضای شهری پاک و بی ترافیک، امتیازاتی ارزنده برای خرید آنلاین فیلم و محصولاتش از وب سایت موسسه هنرهای تصویری سوره قائل شده است. امتیازاتی از قبیل دسترسی به جدیدترین فیلم ها به صورت مستقیم، قیمت مناسب به دلیل عرضه مستقیم، شرکت در قرعه کشی های ماهانه و در نهایت ارسال رایگان به درب منزل شما. و در پایان باید گفت این یعنی «موسسه هنرهای تصویری سوره» می تواند همه انتظارات شما را از یک شبکه نمایش خانگی برآورده کند.



سد معبر مقابل سینما

علی رستگار

اگر وجه هنری تأثیرگذار سینمای ایران در داخل و جنبه اعتباری موفق آن در عرصه جهانی را کنار بگذاریم و روی وجه صنعتی و سینمای بدنه تجاری و سویه سرگرم‌کننده این سینما تمرکز کنیم، باید هر چه بیشتر بازوهای اجرایی آن را تقویت و از سنگ اندازی‌ها و مانع تراشی‌های بی‌دلیل خودداری کرد.

به عبارت دیگر سینمای ایران به اندازه کافی نحیف و رنجور است و با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم می‌کند و مواجهه بدون توجه و قهری با آن در زمینه‌های مختلف تولید و پخش، غیرمنصفانه به نظر می‌رسد.

اگران نشدن یک فیلم کمدی سرگرم‌کننده‌ای مثل «خالتور» - با وجود برخی نقد و نظرات منفی به ساختار و کیفیت آن - در پردیس‌ها و سینماهای زیر مجموعه شهرداری تهران از جمله ملت، راگا، تماشا و رازی بتازگی باعث ایجاد حاشیه و جنجال شده و این سوال را به وجود آورده که چرا شهرداری و موسسه تصویر شهر مانع نمایش این فیلم در سینماهای تحت نظارت خود شده‌اند؟ این در حالی است که حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی با وجود رویکرد و ملاحظات جدی‌تر که مسبوق به سابقه است، مشکلی با «خالتور» نداشته و این فیلم در همه سینماهای زیرمجموعه این سازمان نمایش دارد. مقایسه عملکرد شهرداری در این زمینه با حوزه هنری، قابل توجه و نیازمند بررسی است. حوزه هنری، به عنوان نهادی با دیدگاه انقلابی و ایدئولوژی مبتنی بر نظام جمهوری اسلامی ایران، بخوبی و با شفافیت طی سال‌ها مواضع روشنی دارد و در عرصه‌های مختلف از جمله سینما منطبق به آن عمل می‌کند. چندی پیش بود که محمد حمزه‌زاده، قائم مقام رئیس و معاون سینمایی حوزه هنری در برنامه تلویزیونی «چشم شب روشن» حاضر شد و از یک روش انتخاب با توجه به دیدگاه‌ها و مواضع حوزه هنری برای نمایش در سینماهای تحت نظارت خود حرف زد. او در بخشی از این برنامه گفت: «اگر فیلمی بخواهد اخلاق، اصول و اعتقادات، باورهای مذهبی مردم و باورهای سیاسی آنها و دستاوردهایی را که انقلاب اسلامی در طول این سال‌ها داشته است هدف بگیرد و بخواهد درباره آنها نکاتی را بازگو کند یا پیشنهادهایی بدهد که آن پیشنهادهای مغل مبانی‌ای که ما یا مردم به آنها اعتقاد داریم، باشند آن فیلم‌ها (برای اگران در سینماهای حوزه هنری) انتخاب نمی‌شوند. از طرفی دیگر اگر ما فیلمی را در اختیار مردم قرار دادیم و مردم به تماشای آن نشستند، این مردم حق دارند که از ما به عنوان سازمان سینمایی شکایت کنند که چرا شما در سینما به ما چنین محتوایی را ارائه کردید.»

در واقع حوزه هنری، متر و معیار مردمی و انقلابی مشخصی برای مواجهه با فیلم‌های سینمایی دارد و به این دلیل - که البته این روش هم گاهی مورد اعتراض برخی اهالی سینما قرار می‌گیرد - بعضی از فیلم‌ها را در سینماهای تحت نظارت خود نمایش نمی‌دهد. اما تصویر شهر و شهرداری هنوز رویکرد و دیدگاه مشخصی را در مواجهه با فیلم‌های سینمایی تبیین نکرده یا دست کم بخوبی میان اهالی سینما و مردم جان‌نبداخته است و شفاف اعلام موضع نکرده که چه فیلم‌هایی را در سینماهای تحت مدیریت و نظارت خود اگران می‌کند و چه آثاری را نمایش نمی‌دهد، ضمن این که بویژه درباره همین مورد اخیر و فیلم «خالتور» این سوال پررنگ‌تر هم می‌شود؟ بیشتر این پردیس‌های متعلق به شهرداری و تصویر شهر مثل راگا و تماشا در جنوب شهر تهران قرار دارند، یعنی جایی که می‌تواند مخاطب بالقوه و خوبی برای فیلمی سرگرم‌کننده باشد. در واقع سالن سینماهایی که در این مناطق برای سرگرمی مردم طراحی و ایجاد و برای آن سرمایه‌گذاری شده، می‌تواند از چنین ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی برای افزایش رونق و جذب مردم و رضایت

آنها استفاده کند، کاری که با این تصمیم‌ها نتیجه معکوسی خواهد داشت.

محمدحسین فرحبخش با انتقاد از عملکرد موسسه تصویر شهر و شهرداری تهران در برخورد با این اثر کمدی سرگرم‌کننده به جام جم گفت: تصویر شهر به صورت سرخود تصمیم به تحریم فیلم ما گرفته است و آن را در پردیس‌های ملت، راگا، رازی و تماشا اگران نمی‌کند، در حالی که پردیس‌ها طبق آیین‌نامه شورای صنفی نمایش باید همه فیلم‌ها را نمایش دهند.

وی افزود: طبق آیین‌نامه شورای صنفی نمایش هر سینمایی یک فیلم بیشتر نمی‌تواند اگران کند، اما پردیس‌هایی که مثلاً پنج سالن دارند، به شرطی که همه فیلم‌ها را نمایش دهند، می‌توانند آنها را به صورت شناور و گردشی و به شکل سه سانس اگران کنند. پردیس‌هایی همچون آزادی، کوروش، زندگی، چارسو و مگامال همه فیلم‌ها را به صورت شناور اگران می‌کنند، اما شهرداری و تصویر شهر خودش فیلم‌ها را تحریم می‌کند. به نظر این رفتار علی‌احمدی به عنوان مدیرعامل این موسسه با فیلم‌ها درست نیست. او در پاسخ به چرایی اگران نشدن فیلم خالتور در سینماهای شهرداری می‌گوید من در محرم و صفر فیلم طنز اگران نمی‌کنم. من هم به او می‌گویم کجای قانون و کجای اسلام این را گفته است! حوزه هنری این فیلم را اگران می‌کند، اما شما این کار را نمی‌کنید؟ ولی باوجود اعلام قبلی به دفتر ما که بعد از ماه صفر این فیلم را اگران می‌کنیم، هنوز این اتفاق نیفتاده است.

این تهیه‌کننده سینما ادامه داد: خود مدیران داخلی این سینما طالب اگران خالتور هستند، چرا باید مردم جنوب شهر نتوانند این فیلم را ببینند؟ چرا پردیس ملت نباید این فیلم را نمایش دهد؟ اگر مدیرعامل تصویر شهر این استدلال را بیاورد که من جایی برای نمایش این فیلم ندارم، باز هم پذیرفتنی نیست، چون فیلم ما وارد چهارمین هفته نمایش خود شده است. این پردیس‌ها سه هفته جایی برای اگران این فیلم نداشتند، در هفته چهارم چطور؟ باز هم جایی برای اگران آن ندارند؟ ضمن این که فیلم‌های قوی هم

روی اگران نیست که بگوییم سالن‌ها را در اختیار آنها قرار داده‌اند. فروش فیلم‌ها افت کرده است. سخنم با شهرداری تهران این است که این آقا چه کاره است که چنین تصمیمی برای فیلم‌ها می‌گیرد؟! قبلاً هم شهرداری فیلم‌های آس و پاس، پاتو کفش من نکن و من و شرمین را هم تحریم کرد. آنها از عید تا حالا حداقل هفت هشت فیلم را در سینماهایشان نمایش نداده‌اند. من معترض و بسزودی بیانی‌ای می‌دهم و جلسه‌ای هم با جناب شهرداری تهران خواهم گذاشت. جامعه تهیه‌کنندگان سینمای ایران برنامه‌ای برای اعتراض جمعی به شهرداری تهران برای این اقدام خودسرانه دارد.

بی‌مناسبت ندیدیم به بهانه این مساله، سراغ یکی از مدیران حوزه هنری هم برویم و تفاوت‌های تصمیم‌های این سازمان را با نهادها و مجموعه‌های دیگر کشور در مواجهه با فیلم‌ها بررسی کنیم. معاون اجرایی سازمان سینمایی حوزه هنری درباره این موضوع به جام جم گفت: ابتدا ذکر این نکته ضروری است که اساساً شورای صنفی نمایش نمی‌تواند برای سینما دار تعیین تکلیف کند. درست است که سینما داران هم در شورای صنفی، عضو هستند، اما در همه جای دنیا سینما دار این حق را دارد که فیلم را انتخاب کند.

علی قربانی افزود: درباره چرایی و کیفیت این روش انتخاب، آقای حمزه‌زاده به طور کامل و مشخص در برنامه چشم شب روشن صحبت کرد و جهت را نشان داد. دیگر سینما دارها مثل شهرداری یا سینما دارهای خصوصی هم می‌توانند این حق انتخاب را داشته باشند که آیا فیلم‌ها متناسب با سینماهای آنها هست یا نه. تعریفی که حوزه هنری از سینما کرد این است که سینمای ما، سینمای خانواده و اخلاق‌مدار است، یعنی سینمایی که خانواده‌ها بتوانند راحت برای دیدن فیلم‌ها به آنجا بروند و هیچ برداشت بدی از این محیط نداشته باشند. ما متناسب با همین تعریف، فیلم‌ها را برای اگران انتخاب می‌کنیم. شاید شهرداری هم متناسب با تعریفی که از سینما دارد، اقدام به این تصمیم در مواجهه با برخی فیلم‌ها کرده است.



سینمای ایران بازتاب دهنده دغدغه‌های شخصی سینماگران است نه مردم

رسول حسینی

خود می‌گیرند و در این گمان به سر می‌برند که حرف‌شان حرف جامعه است. از طرفی موضوعاتی چون قاچاق ارز و کالا، اختلاس، پول‌شویی، ضد و بندهای مافیایی در قدرت و ثروت نیز از مسائلی است که زندگی اکثریت جامعه را تحت الشعاع خود قرار داده و مخاطب پرسش‌گر به دنبال جواب روشنی است که چرا درصد قابل توجهی از ثروت کشور در انحصار درصد محدودی از جامعه است. در مقابل سینماگران نیز به دلیل مرعوب شدن توسط همان درصد محدود که به «آقازاده‌ها» تعبیر می‌شوند نمی‌توانند این مسئله اجتماعی را در آثار خود طرح کنند.

چرا که این واقعیت تلخ را باید پذیرفت که بخشی از سرمایه تولید آثار سینمایی از سوی همین آقازاده‌ها به سینما تزریق می‌شود. وقتی چنین است چگونه می‌توان از این سینما و سینماگرش توقع دغدغه‌مندی داشت. به قولی: «نمی‌توان از دلی که غنچ می‌رود توقع پر دلی داشت.»

برای همین است که سینمای ایران اسیر سرمایه‌های آقازاده‌ها و نگاه بسته سینماگران و ممیزی‌های مدیرانش است. مخاطب هم در این وضعیت به جای مطالبه‌گری به دیدن آن فیلم‌های کذایی تن می‌دهد، نتیجه چنین فضایی اوضاع نابسامانی است که کسی پاسخ‌گوی آن نیست و علی‌الظاهر هم راه برون‌رفتی هم دیده نمی‌شود. باید سینما را به دست مردم داد تا آنها برای دراندازی طرحی جدید برای سینمای دغدغه‌مند ایرانی تصمیم بگیرند و نسبت‌ها و حدودش را تعیین کنند. (دفاع پرس)

طرح مسئله جامعه بپردازد، موضوعاتی مانند خیانت، طلاق و ازدواج سفید، دختران فراری و... را به نمایش می‌گذارد. موضوعاتی که مسئله اکثریت جامعه نیست و به همین دلیل باید گفت این سینما آینه جامعه ایران نیست. از همین روست که سینمای ایران به سینمایی خنثی بدل شده است. دغدغه‌نهایی صاحبانش نیز معطوف به این است که چه درصدی از گیشه را تصاحب کند تا از رقیبان خود جلو بیفتد. این رویه در درازمدت جز تولید سلبریتی‌ها و ایجاد مدلی از زندگی که تناسبی با جامعه ندارد، ثمری نخواهد داشت.

به عنوان نمونه دغدغه اغلب مردم ایران «معشیت» است این موضوع چقدر در سینمای ایران نمود پیدا کرده است. طرح مسئله معیشت باید دربرگیری داشته باشد. نه معیشتی که در زیر لایه‌های خود باز هم به مسائل طبقه خاصی از جامعه را شامل شود.

سینماگر باید دلایل بحران معیشت را نشان دهد نه صرف وجود بحران را. هر چند بیکاری موضوعی است که اغلب خانواده‌های ایرانی با آن درگیر هستند، اما نسبت شاغلین جامعه به افراد بیکار درصد قابل توجهی نیست تا آن را به عنوان یک مسئله اجتماعی طرح کرد.

چون سینماگر طعم شهرت و معروف شدن را چشیده عامدا حصری بین خود و مردم جامعه‌اش می‌کشد. او در جزیره‌ای زندگی می‌کند که ساکنانش از جنس خودش است. برای همین آنچه در فیلم‌های ساکنان این جزیره به عنوان مسئله اجتماعی طرح می‌شود ناهنجاری‌های اهالی آن جزیره است. جالب‌تر اینکه بازخوردهای آثارشان را نیز از معدود آدم‌های اطراف

اغلب فیلمسازانی که در سینمای ایران مشغولند با ادعای اینکه برای مردم کار می‌کنند، آثاری را خلق می‌کنند که در بهترین حالت آینه زندگی و دغدغه‌های شخصی‌شان است.

سینمای ایران بازتاب دهنده دغدغه‌های شخصی سینماگران است نه مردم. سینما باید چه باشد و چه چیزی را چگونه بگوید؟ این اساسی‌ترین پرسشی است که وضعیت مخاطب و سینماگر را نسبت به هم مشخص می‌کند. هر چه ترسیم این وضعیت واقعی‌تر باشد، جامعه‌ای که مخاطب و سینماگر را در خود جای داده را بهتر می‌توان شناخت.

از آنجایی که سینما پدیده‌ای ذاتاً آرمان‌گراست ممکن است وضعیت مورد اشاره کمتر حقیقی باشد با این حال، امر محالی نیست. هر دو سوی معادله، یعنی مخاطب و سینماگر به یک اندازه در تحقق این حقیقت سهیم‌اند.

در این نوشتار فقط به جامعه ایرانی اشاره می‌شود و اینکه چرا نسبت مخاطب و سینماگر به قدری از هم فاصله دارند که به سختی می‌توان جامعه ایران را در آثار سینمایی آن مشاهده کرد. یعنی سینمای ایران وامدار جامعه خود نیست و در عین حال مخاطبان نسبت به این سینما در موضع مطالبه‌گری قرار ندارد. آثار سینمایی که اکران می‌شوند در بهترین شکل ممکن بازتاب دهنده طبقه سینماگران است. اغلب فیلم‌های هنرمندان ایرانی نوعی حدیث نفس و شرح دریغ‌ها و زندگی آرمانی فیلم‌سازان خود هستند نه مردم. مخاطبان ایرانی پول می‌پردازند تا تماشاگران منفعل زندگی جامعه سینمایی باشند نه زندگی خود. سینمای دغدغه‌مندی که باید به رسالت خود در

الگویی برای موسسه‌های شبکه نمایش خانگی



جبار آذین



سبک آوینی در سینما



علی مزامیر

هم نمی پردازد، قهرمان پروری نمی کند، به شکلی تکرار شونده سراغ بسیجی‌ها می‌رود و با آنها مصاحبه می‌کند در نماهای باز و به صورت طولانی. از آنها می‌خواهد برداشت خود را از دفاع مقدس به زبان بیاورند.

آوینی در روایت فتح هنگام نشان دادن دشمن عراقی، او را همانند یک ایرانی به تصویر می‌کشد و این برای آنها که اهل تاملند سوال برانگیز است، در واقع او تعریف بسیار پیچیده‌ای از جنگ تحمیلی دارد که با تعاریف متداول ما متفاوت است، شهید می‌خواهد به دور از کلیشه‌ها و با استفاده از انسان‌هایی به «روایت فتح» پردازد که فرهنگ و هویتی خاص خود دارند آدم‌های با قد و قواره معمولی، از خانواده‌هایی معمولی و در محله‌هایی معمولی که نیروی فوق‌العاده‌ای در بازنشان نهفته نیست. شهید می‌خواهد سینما را به فرهنگ و هویت این آدم‌ها نزدیک کند و موفقیت مستندهای او هم در همین است. «سبک آوینی» در سینما بر اساس همین معیارها شناخته می‌شود.

نگارش نریشن‌ها با ترکیبی شاعرانه، از اندیشه‌های باطنی او و همچنین تعریف پیچیده و ماوراءالطبیعی‌اش از دفاع مقدس پرده‌برداری می‌کند و معنایی باطنی که سینمای آوینی را از کنونی بون بدر می‌آورد، او در خلال تصاویرش در جستجوی «حقیقتی» است و با پرسش از ظواهر و معنای باطنی رویدادها به سلوکی عارفانه دعوت می‌کند.

به واسطه همین نگاه و توان تسخیر جوهر سینماست که مستندهای او با وجود پخش چندین باره از سیما، هنوز برای اکثر مردم جذابیت دارد و صدای سید هنگام خواندن نریشن‌ها، ضرب نفوذ بالای خود را در دلها حفظ کرده است. سینمای مستند مرتضی سلوک عملی و علمی اوست و دشمنان او هم نتوانسته‌اند به تصاویر او ایمان نیاورند.

«همه مشکلات ما به تصور و تلقی ما از هنر به عنوان ظرف و مظهر باز می‌گردد. این تصور را باید رها کرد تا وقتی هنر را ظرف می‌دانید و می‌خواهید پیام را به صورت مظهر در آن بریزید به جایی نمی‌رسید. اصلاً تفکر «قالب و محتوا» به مثابه ظرف و مظهر از ریشه غلط است. این تفکر از نظرگاه سنتی درباره هنر نتیجه شده و غیر از اینکه ما را گمراه کند، فایده دیگری ندارد...»

شهید سید مرتضی آوینی این تلقی از سینما را یکی از مهمترین دلایل ناکامی آن در کشور می‌داند و معتقد است بسیاری از مسئولان و سینماگران ما سینما را ظرفی می‌پندارند که می‌شود هر مظهری را در آن ریخت اما وقتی می‌بینند این کار جواب نمی‌دهد بیشتر و بیشتر به سراغ فیلم‌های آمریکایی می‌روند و شخصیت‌های خود را به آن نزدیک می‌کنند و تازه سر از «مبویسم» در می‌آورند.

آوینی معتقد است جوهر سینما را باید مسخر فرهنگ کرد نه اینکه فرهنگ خود را به فرهنگ سینما اقتدر نزدیک کنیم که از هویت خود تهی شود و به شخصیت‌هایی شبیه شخصیت‌های سینمایی آمریکایی بدل شود. تسخیر جوهر سینما کار بسیار سختی است اما شدنی است و برخی از سینماگران ما توانسته‌اند در حد وسع خود این کار را انجام دهند. اسلام از طریق انسان، عالم جدید را مسخر می‌کند، از طریق ساختن انسان‌هایی جدید و از طریق پرورش هنرمندان مسلمان «و این راهی است فردی که تنها هنرمند با فردیت و شخصیت خود آن را طی می‌کند.»

اگر به مستندهای شهید به دقت نگرسته باشیم از نظر ثبات و بافت شکلی و روش و وفاداری به موضوع به نتایج خاصی می‌رسیم. شهید در مستندهایش با پیروزی‌های بزرگ رزمندگان در جبهه‌ها کار چندانی ندارد، به حجم و گسترده‌گی عملیات‌های پیروزمندان

شبکه نمایش خانگی کشور، گروه‌هایی مختلف و متعدد از مدیران، هنرمندان و کارشناسان را در کنار تاجران و کاسبکاران در خود جای داده است. آن‌ها با تمام توان مالی و امکانات و حمایت‌ها و بی‌حمایتی‌های سازمان‌ها و جریان‌های هنری و فرهنگی به کار خود ادامه می‌دهند.

شبکه نمایش خانگی در آغاز فعالیتش، دوستدار و علاقه‌مند فراوان داشت، ولی در ادامه، فقط آن‌هایی ماندند و دوام آوردند که یا به حامیان پولدار وصل بودند و یا با مدیریت درست و کارکرد مناسب توانستند، در این شبکه بمانند و کار کنند. مدتی قبل بیست و سه موسسه وابسته و غیروابسته در این فضا فعال بودند، اما ضعف‌های مدیریتی و دانشی و مالی و عملکرد نامناسب برخی، آن‌ها را از فعالیت بازداشت و پس از کلی ضرردهی، هفده موسسه تعطیل شدند، لیکن سایرین همچنان به کار خود ادامه می‌دهند.

موسسه هنرهای تصویری سوره از زیرمجموعه‌های حوزه هنری، یکی از فعالان شبکه خانگی است که برخلاف دیگر گروه‌های عضو شبکه، در مدت فعالیت خود، نه تنها ضرر نداده که سالیانه میلیون‌ها تومان سودرسانی هم داشته است. شاید در نگاه نخست، این گونه تصور شود که پشتیبانی و تزریق مالی حوزه هنری، عامل سرپایی و موفقیت این موسسه بوده است، ولی واقعیت‌ها و آمار نشان می‌دهد که این موسسه به رغم وابستگی به حوزه هنری، خودگردان بوده و با مدیریت درست و بروز، توانسته با کسب اعتماد خانواده‌ها که از سیاست‌ها و اهداف اصلی حوزه است، به توفیق اجتماعی و مالی دست یابد. نظرسنجی پیوسته، تحلیل نیاز مخاطب، حضور فعال در بازار شبکه و استفاده از فناوری در پخش و توزیع از جمله عواملی‌اند که زمینه‌ساز موفقیت موسسه هنرهای تصویری حوزه هنری شده‌اند و در میان آن‌ها، بدون شک اعتمادسازی و کسب اعتماد خانواده‌ها، عامل اصلی راهیابی آن به میان مردم و خانواده‌ها بوده است. راهکارها و روش‌ها و اهدافی که موسسه مورد اشاره را به موفقیت رسانده‌اند، می‌تواند الگوی اجرایی دیگر موسسه‌های فعال شبکه خانگی باشد. موسسه هنرهای تصویری سوره، عامل پخش و توزیع فیلم‌های ارزشی، انقلابی و دفاع مقدسی است.

خانواده، دم مسیحایی سینمای ایران

سید رضا اورنگ

برای برخی از تهیه‌کنندگانی که هنوز دل در گروی فیلمفارسی داشتند فراهم کرد تا دوباره نقی بزنند به گنداب این گونه فیلم‌ها. کم کم ملودرام‌های خانوادگی از پرده سینماها حذف شدند تا فیلمفارسی‌ها با روتیک پنهان، الفاظ ناشایست و بی‌اخلاقی در عرصه بی‌رقیب سینمای ایران جولان دهند. این مهم باعث شد خانواده‌ها و اکثر مخاطبانی که به سینمای بعد از انقلاب دل بسته بودند، با سالن‌های سینما قهر کرده و دیگر پای به آنجا نگذارند. در حال حاضر سینمای ایران کم مخاطب‌ترین دوران خود را تجربه می‌کند. در طول تاریخ سینما چنین وضعیتی دیده نشده است.

آشتی دوباره خانواده‌ها و مخاطبان اصیل با سینما بسیار بعید می‌نماید، به نظر می‌آید فقط یک معجزه بتواند این اتفاق را رقم بزند. با این وجود باید یک عزم ملی به وجود آید تا سخیف سازان به حاشیه رانده شده و سینماگران توانا و اخلاقمدار وارد متن سینما شوند و آن را از مرگ حتمی نجات دهند.

نهادهایی چون حوزه هنری، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بنیاد سینمایی فارابی، به ویژه حوزه هنری با توجه به امکاناتی که دارد، باید آستین همت را بالا بزنند و با تولید آثار ارزشمند و خانواده پسند دوباره مخاطبان را به سینما برگردانند.

باید هم فیلم خوب تولید کرد و روی پرده فرستاد و هم آثار خارجی را اکران کرد تا مخاطبان را از قهر بیرون آورد. در طول این سه دهه به مخاطبان توهین شده و حق انتخاب از آنان گرفته شده است، باید این احترام به مخاطبان برگردد و حق انتخاب شان را محترم شمرد. اگر غیر از این باشد باید فاتحه سینما را خواند. امیدواریم حوزه هنری، کانون و بنیاد فارابی با همراهی دولت، هر چه زودتر تولید فیلم‌های خوب را شروع کرده و زمینه اکران واقعی فیلم‌های خوب خارجی را نیز ایجاد کنند تا سینمای ایران از مرگ حتمی نجات یابد.

بدون مخاطب سینما می‌میرد، همان گونه که به قول قدیمی‌ها اگر نفسی در خانه‌ای نباشد آن خانه فرو می‌ریزد.

دسته بندی مخاطبان در ایران، آن گونه که باید و شاید شکل نگرفته است. در پیش از انقلاب اسلامی نیز کمتر فیلمی روی پرده می‌آمد که خاص خانواده‌ها باشد. با تعریفی که از فیلم‌های خانوادگی کردیم، طبیعتاً فیلمفارسی‌ها در قالب آن نمی‌گنجند.

قبل از انقلاب خانواده‌ها بیشتر به تماشای فیلم‌های خارجی می‌نشستند، زیرا با توجه به اکران ژانرهای مختلف، خانواده‌ها به راحتی می‌توانستند فیلم مورد نظر خود را انتخاب کرده و به تماشای آن بنشینند.

در اواخر دهه چهل یک اتفاق خاص در سینمای ایران افتاد و آن اکران فیلم مستند «خانه خدا» ساخته مرحوم جلال مقدم بود. این فیلم با توجه به موضوع آن توانست مخاطبانی را به سالن‌های تاریک سینما بکشد که به خاطر دیدگاه مذهبی‌شان، حتی یک بار نیز پا به سالن سینما نگذاشته بودند. خانواده‌ها بیشترین مخاطبان این فیلم بودند، زیرا با خیال راحت می‌توانستند به تماشای آن بنشینند.

پیروزی انقلاب اسلامی تحول بزرگی در سینما ایجاد کرد، مهم‌ترین تحول آشتی مردم مومن و خانواده‌ها با سینما بود. چون صحنه‌های مستحجن در فیلم‌ها وجود نداشت که برای کودکان و نوجوانان بدآموزی داشته باشد. این تحول موجب بالا رفتن آمار مخاطبان سینما شد. سازمان‌های نوظهوری نیز مانند حوزه هنری وارد این عرصه شده و فیلم‌هایی تولید کردند که مورد توجه خانواده‌ها باشند. تهیه‌کنندگان هم که دیگر نمی‌توانستند در فیلم‌های شان صحنه‌های رقص و آواز داشته باشند، برای اینکه بتوانند روی پا بمانند، ملودرام‌های خانوادگی تولید کردند که اکثر آنها مورد اقبال مخاطبان و خانواده‌ها قرار گرفت.

وضعیت سینما با توجه به اتفاقات دهه شصت بسیار خوب بود و اقتصاد سینما پر رونق، اما ناگهان عده‌ای تهیه‌کننده محدودگر، مدیران وقت سینمایی را تحت تاثیر قرار دادند تا اکران فیلم‌های خارجی را ممنوع کنند. این مسئله خیلی زود باعث شد سالن‌های سینما مخاطبان شان را از دست داده و یکی یکی ورشکست شوند.

ممنوعیت اکران فیلم‌های خارجی، موقعیتی

هنر- صنعت سینما ارزان‌ترین سرگرمی و تفریح برای مردم جهان است. تماشای کنسرت‌های موسیقی و دیدن تئاتر برای قشرهای پایین دست، غیر ممکن یا بسیار سخت است. به همین دلیل اقبال مردم به سینما بیشتر است. سینما مادر هنرها نیست، اما جلوه‌ای از تمام هنرها را می‌توان در آن مشاهده کرد. شخصی که برای تماشای فیلم به سینما می‌رود، آنچه را که دوست دارد می‌بیند و احساساتش برانگیخته می‌شود. علاقه مردم به دیدن فیلم که از همان روزهای ابتدایی تولد سینما بروز پیدا کرد، باعث شد مردانی هوشمند و سرمایه‌دار پا به میدان سینما بگذارند تا از این علاقه مردم، هم برای اعتلای سینما کمک بگیرند و هم کسب درآمد کنند. این افراد که بعد تهیه‌کننده و صاحب کمپانی نام گرفتند، توانستند با ابتکارات خود، سینما را مطرح‌ترین رسانه کرده و گردش اقتصادی خوبی نیز به راه بیندازند. مهم‌ترین کشف آنان مخاطب بود. از همان ابتدا به این مهم پی بردند، فقط مخاطب است که می‌تواند موجب پیشرفت سینما شده و چرخ‌های اقتصاد آن را بچرخاند. برای همین از همان ابتدا فریاد زدند که حق همیشه با مخاطب است و باید مطابق ذوق و خواست او عمل کنند. این شعار ساده باعث انقلابی در عالم هنر و سینما شد.

صاحبان کمپانی‌ها مخاطبان را دسته بندی کردند تا بتوانند مطابق با سلیقه آنان فیلم‌های متفاوتی را بسازند که مورد اقبال قرار گرفته و گیشه سینما همیشه پر رونق باشد. این دسته بندی در هالیوود سبب شد ژانر به وجود بیاید.

یکی از مهم‌ترین گروه‌های مخاطبان، خانواده‌ها بودند که قشر عظیمی را دربر می‌گرفتند. از همین رو کمپانی‌های معظم هالیوود همواره فیلم‌هایی را تولید می‌کردند که مورد اقبال خانواده‌ها قرار بگیرند. در این گونه فیلم‌ها صحنه‌های آنچنانی و خشونت وجود نداشت و یا کمتر دیده می‌شد، زیرا از کودک تازه پا گرفته تا پیران از پا افتاده را شامل می‌شد. بیشتر این فیلم‌ها ملودرام‌های خانوادگی بودند با داستان‌هایی ساده، اما گیرا که به مذاق مخاطبان خوش آید.





فصل اکران واقعیت فراموش شده



محمود کاظمی

«شاهزاده روم» که پخش هر دوی آنها با موسسه بهمن سبز بوده، نیمه دوم سال زمان بهتری برای اکران فیلم کودک و نوجوان است. در این مقطع از سال، به دلیل فعالیت مدارس و جذب آنها، می توان هم آثار متعلق به کودکان و نوجوانان را به دست آنها رساند و زمینه دیده شدنشان را فراهم کرد، هم فضایی ایجاد کرد تا خانواده ها و کودکان در کنار هم فیلم ببینند و متوجه اکران آثاری شوند که مخاطب خاص دارند. در فصل های دیگر اکران و با تعطیلی مدارس، تمرکز و یکپارچگی برای دیده شدن این فیلم ها از دست می رود و بضاعت قابل توجهی بدون استفاده باقی می ماند. «خاله قورباغه» فیلمی است مناسب کودکان ایرانی، پر از آواز و شوخی با مسائلی که در جامعه با آن درگیر هستیم، «خاله قورباغه» فیلم روز است، پس می تواند مخاطبی بیش از این داشته باشد.

این روزها فیلم «خاله قورباغه» روی پرده رفته. فیلمی کودکانه و نوستالژیک که به مرور بر فروش و میزان مخاطبانش افزوده می شود و احتمالاً زمانی که شما این یادداشت را می خوانید رونق گیشه آن بیشتر شده است.

شروع اکران «خاله قورباغه» البته امیدوارکننده نبود. موتور فروش فیلم دیر روشن شد و پخش نشدن تیزرهای تلویزیونی باعث شد مخاطبان با تاخیر متوجه اکران آن شوند. بازار داغ رقابت فوتبال هم، مزید بر علت بود تا گیشه «خاله قورباغه» در روزهایی که همه سینماها با افت فروش مواجه شدند، کم فروغ به نظر برسد. اما آهسته آهسته وضعیت بهتر شد. بلبوردهای تبلیغاتی و انتشار اطلاعات در فضاهای مجازی، بر مخاطبان فیلم افزود و وضعیت فروش سیر صعودی گرفت. اما یک نکته در اکران «خاله قورباغه» جلب توجه می کند.

به نظر میرسد با توجه به فروش خوب «فیلساه» و

تیرماه امسال میزان مدیران محترم امور سینمایی استانها بودیم. در کارگاهی دو روزه و در جلساتی صمیمی، صریح و بدون محافظه کاری صحبت کردیم و از نقاط ضعف و قوت بهمن سبز سخن گفتیم. خوشبختانه فضایی که بر سمینارهای مدیران حاکم است، همواره زنده و پویا بوده و شکل اداری و فرمایشی پیدا نکرده است.

امید که همه ما، از دستاوردهای این نشست و گپ و گفت به بهترین شکل استفاده کنیم، تا در دیدار بعدی موفقیت هایمان بیشتر و نواقصمان اندک باشد. آنچه از مجموعه بحث ها و نقدها دریافتیم اهتمام عمومی برای رشد و ترقی در بهمن سبز بود، همه دوستانم با توجه به بضاعت و تواناییشان در حال تلاش هستند و امیدوارم در پنج ساله دوم فعالیت موسسه، حاصل کارمان مورد رضایت خداوند متعال و مردمی باشد که برای ارتقای کیفیت فضای فرهنگی و تفریحی شان کوشش کرده ایم.



کمدی‌های سینما در چنگ شوخی‌های ۱۸+

معروفش، آرایش منشی و معاشقه مرد با همسرانش را می‌توان به عنوان یکی از بارزترین مصادیق شوخی‌های جنسی بعد از انقلاب نام برد. بعد از آن به ترتیب فیلم‌های نان و عشق و موتور هزار ساخته ابوالحسن داوودی، خواب سفید ساخته حمید جبلی، دو کمدی مهمی هستند که رگه‌هایی کمرنگ از کمدی جنسی را در خود داشتند البته این نوع فیلم‌ها از حیث نخستین بودن، حائز اهمیتند چون هیچ کدام مصادیق بارز جنسی را در خود ندارند.

یکسال بعد از آن، ساخت کمدی‌های بی‌پروا، دختر و پسر رشد چشمگیری داشت. فیلم‌های عروس خوش قدم، دنیا، دختر ایلرونی، توکیو بدون توقف را می‌توان از این حیث فیلم‌ها نام برد. در سال‌های بعد فیلم کما که یکی از معروف‌ترین سکانس‌هایش رقص امین حیایی و گلزار بود و فیلم مارمولک با حواشی سیاسی پیرامون فیلم و دیالوگ‌های عجیب و غریبش، با زمینه‌های پر رنگ جنسی تنور کمدی جنسی را در سینما داغ‌تر و داغ‌تر کرد. به طوری که در سال ۸۴ تا ۸۶ تولید این نوع کمدی‌ها به اوج خود رسید. حال در دهه نود این خط بی‌حیاگری جنسی در فیلم‌های کمدی با اهتمام بیشتری از سوی عده‌ای طنزپرداز دنبال می‌شود. چنانچه در فیلم زنان ونوسی و مردان مریخی ساخته کاظم راست‌گفتار و فیلم آتشکار ساخته محسن امیر یوسفی به اشاره مستقیمی از روابط جنسی می‌پردازد. حال در دهه نود این خط بی‌حیاگری جنسی در فیلم‌های کمدی با اهتمام بیشتری از سوی عده‌ای طنزپرداز دنبال می‌شود. (بانی فیلم)

دلایل اجتماعی آن چیست می‌تواند در گرایش به فیلم‌های کمدی موثر باشد. انسان ایرانی شوخ‌طبعی را به عنوان یک عنصر و خصلت فرهنگ ملی برای سازگاری و شکل دادن به زندگی مدرنش مورد استفاده قرار داده است و توجه مخاطب امروز به فیلم‌های کمدی را می‌توان از این حیث مورد بررسی قرار داد و آن را هم امتداد همان خصلت شوخ طبعانه در جهت سازگاری بیشتر با زندگی و زیست - جهان خود تعبیر کرد که حالا سویه بصری و تکنولوژیک یافته است. تا اینجای بحث ظاهراً باید به نیازسنجی متولیان سینمای ایران تبریک گفت که به فراخور نیاز تماشاگرانشان فیلم تولید می‌کنند. مشکل اصلی اما از جایی آغاز می‌شود که برخی از این کمدی‌ها چنان بنجل و بی‌مزه هستند که نه صدای خنده‌ای در سالن‌های نمایش آنها شنیده می‌شود و نه با روراستی و تبلیغات صادقانه تماشاگران را ترغیب به خرید بلیت کرده‌اند.

معضل بزرگ‌تر هم از جایی آغاز می‌شود که این فیلم‌های به اصطلاح پر فروش بدل به بستری ایده آل برای طرح شوخی‌های مبتذل و اشاره‌های آشکار و پنهان به مسائل جنسی می‌شوند. شوخی‌هایی که گاه از شدت صراحت، مرزهای وقاحت را نیز جا به جا کرده‌اند و گویا سازندگانشان با ذهنیت هر چه وقیح‌تر، باز هم تر آنرا کلید زده‌اند. شوخی‌هایی که امروز در فیلم‌های به وفور یافت می‌شوند و در دهان اغلب کاراکترها به عنوان دیالوگ می‌چرخند. جالب اینجاست اگر این فیلم‌ها ممیزی می‌شوند، پس چطور هنوز گرفتار این ادبیات قبیح هستند و آیا آن بخش‌های حذف شده چقدر بدتر از این‌هایی هستند که از تیغ سانسور گذشته‌اند!

ولی واقعاً چه بر سر سینمای ایران آمد که از کمدی‌های شریف و بانمک به سمت این دست طنزهای سخیف کشیده شد. فرهنگ نیوز در این مورد می‌نویسد: «در دهه هفتاد اگر فیلم اجاره نشین‌ها ساخته داریوش مهرجویی، آپارتمان شماره ۱۳ ساخته یدالله صمدی، همسر ساخته مهدی فخیم زاده، لیلی با من است ساخته کمال تبریزی و فیلم مومیایی ۳ با قالب اجتماعی و فانتزی، با مولفه‌های اخلاقی گیشه‌ها را فتح می‌کرد در دهه هشتاد با کمرنگ شدن این نوع کمدی اخلاقی و با گذشتن از خطوط قرمز مولفه‌های اخلاقی، کمدی جنسی گیشه‌ها را فتح کرد. کمدی مرد عوضی ساخته محمدرضا هنرمند با سکانس‌های

می‌گویند سینمای کمدی همیشه وقتی دوران اوج خود را سپری می‌کند که مخاطبان عام از اوضاع زندگی چندان رضایت ندارند و خواستار خنده و شادی هستند تا از این رهگذر دست کم لحظاتی مشکلات خود را به دست فراموشی بسپارند. از سویی برخی معتقدند آدم‌ها وقتی حالشان خوب است و روزگار به کامشان هم فیلم‌های کمدی را در اولویت تماشا دارند و با فراغ بال به آنها می‌خندند. این تئوری شاید جنبه‌های عینی و ملموس‌تری در کشور ما داشته باشد. بویژه امروز که شرایط اقتصادی مردم تعریفی ندارد و در عین حال کمدی‌ها در سینماها گیشه داغی دارند.

به طبع دست‌اندرکاران سینمای ایران نیز در مواجهه با استقبال گرم سینما روها از کمدی‌های سالهای اخیر، گویی تمرکز خود را بیشتر روی ساخت این دست فیلم‌ها گذاشته‌اند.

فقط در سال جاری هشت فیلم از ۱۵ فیلم اکران شده در سینمای ایران که بالاتر از یک میلیارد فروخته‌اند، متعلق به ژانر کمدی هستند. ضمن اینکه صدرنشین جدول فروش هم «مصادره» است که در ژانر کمدی ساخته شده. «نهنگ عنبر ۲»، «گشت ۲»، «خوب، بد، جلف»، «من سالوادور نیستم»، «پنجاه کیلو آلبالو»، «بار کد» و «اکسیدان» هم فیلم‌هایی هستند که سال گذشته موفق به فروشی بیش از ۱۰ میلیارد تومان در گیشه شدند. ایسنا در این باره می‌نویسد: «اینکه چرا فیلم‌های کمدی فارغ از کیفیت ساختاری و محتوایی آن مورد استقبال مردم قرار می‌گیرد نیازمند واکاوی پژوهش‌گرانه است که صرفاً مربوط به مطالعات سینمایی نیست و باید از دانش‌های دیگر به‌ویژه دانش‌های میان‌رشته‌ای مثل مطالعات فرهنگی و ارتباطات و جامعه‌شناسی برای فهم و رمزگشایی آن بهره‌برد؛ به عبارت دیگر اگر گرایش مخاطبان سینما را به ژانر کمدی به عنوان یک رفتار و کنش اجتماعی تعریف کنیم بدون شک عوامل فرامتنی سینما از جمله فرهنگ، نظام اجتماعی، طبقه، نژاد، جنسیت و بسیاری از عوامل اجتماعی دیگر در شکل‌گیری رفتار مخاطبان و انتخاب‌های آنها در تماشای فیلم موثر است... ضمن اینکه گرایش به فیلم‌های کمدی را می‌توان در رفتارشناسی ایرانیان هم ردیابی کرد به این معنا که ایرانیان غالباً از روحیه طنز و شوخ‌طبعی برخوردار هستند و همین روحیه فارغ از اینکه



سینمای کمدی؛ دوراهی سخت خنده یا خانواده

مرز و بی مرزی شوخی با ارزش‌های اخلاقی جامعه در کمدی

«شوخی یا مزاح به تمایل اشخاص به ارائه تجربیات شخصی که موجب خنده و تفریح می‌گردد، می‌گویند. مردم در اکثر سنن مایل به انجام شوخی هستند و اکثریت آنها پس از شنیدن شوخی لبخند زده و خوشحال می‌شوند.» این ساده‌ترین تعریف آکادمیک شوخی به معنی عام و فراگیر و بین‌المللی است، اما با کمی تعمق بیشتر کاملاً متوجه خواهیم شد که شوخی یکی از آن مواردی است که با عرف و فرهنگ هر جامعه‌ای ارتباط تنگاتنگ دارد و میزان و نوع و حد و اندازه شوخی هر جامعه را تفکر مردم آن، فضای حاکمیتی، حتی نوع آب و هوای آن اقلیم و بسیاری المان‌های دیگر تعیین می‌کند. به همین دلیل است که یک شوخی مشابه در نقطه‌ای جهان بسیار خنده‌دار است، در نقطه دیگری بی‌مزه؛ در جایی زشت و زننده و در جایی حتی منع و پیگیرد قانونی دارد.

شوخی را می‌توان در قالب‌های گوناگون از جوک‌ها و لطیفه‌های محاوره و معمولی که روزمره بین افراد دارد و بدل می‌شود تا انواع کمدی‌های سینمایی، تلویزیونی، تئاتر، استندآپ (که این روزها در ایران هم خیلی رواج پیدا کرده و در ادامه به آن خواهیم پرداخت) و... دسته‌بندی کرد. که البته مادر این گزارش سعی می‌کنیم بیشتر تمرکزمان را روی سینما و بعد تلویزیون بگذاریم.

اگر در برهه‌ای از زمان، مثلاً زمان حال جامعه ما، به طور ناگهانی ببینیم طی کمتر از یک دهه و یا حتی کمتر از ۵ سال لحن و مدل و مرز شوخی‌ها چنان تغییر کرده که متولدین دهه ۶۰ به قبل، نیمی از آن را متوجه نمی‌شوند، علت آن را باید چگونه کشف کنیم؟ آیا واقعا ارگانی یا سازمانی یا مرکزی وجود دارد که یک خط صاف بکشد و تعیین کند شوخی نباید پیش را از این خط فراتر بگذارد؟ نه واقعا چنین نیست. نه در ایران، بلکه در هیچ دوره تاریخی و هیچ کجای دنیا تعیین خطوط به اصطلاح قرمز به این شکل مرسوم نیست و در عمل اصلاً نمی‌توان چنین محدودیت‌های قاطعی برای هنرمندان هیچ کجای دنیا تعیین کرد. پس راهکار چیست؟ خانواده؛ مرز شوخی را تعیین می‌کند

اولین قدم برای حل هر مسئله‌ای ارائه تعریفی جامع و مانع از موضوع مورد بحث است. به فرض اگر ما احساس می‌کنیم شوخی‌های امروز رسانه‌ها از حدی که باید گذشته و از خطی که نباید عبور کرده



مریم اکبرلو

در سال‌های گذشته هر چقدر سینما و تلویزیون ما در گریه گرفتن از خانواده‌ها موفق عمل کرده بودند در خنداندن یک خانواده در کنار هم شکست خورده بودند. همه ما خانوادگی با «شیار ۱۴۳» گریستیم، خانوادگی و نگران در انتظار پایان «ابد و یک روز» نشستیم، خانوادگی و اشکبار آرزوی آزادی پدر خانواده «دهلیز» را کردیم، خانوادگی با «فیلم‌ها و سریال‌ها» گریستیم. اما کی بود آخرین باری که همگی دور هم و با هم فیلم کمدی سالم و تمیز دیدیم...



بر نمی‌تابد که همگی دور هم به این شوخی‌های سطح پایین و اغلب با ارجاعات جنسی بخندد و به همین دلیل جوان و نوجوان امروز (مخاطبان اصلی رسانه) ترجیح می‌دهد جدا از خانواده و به همراه دوستان و همسالان خودش به سینما برود یا جنگ‌های شادی و استندآپ (عموماً غیر اخلاقی) را با پرداخت هزینه بلیت نسبتاً زیادی در جایی خارج از خانه ببیند. زیرا اگر نگوییم برای توضیح و تشریح معنی این شوخی‌ها برای خانواده اش خجالت می‌کشد، در بهترین حالت این است که می‌خواهد بدون دغدغه و سرزنش به مطالبی هر چند پوچ و گذرا برای یک ساعت بخندد و بعد به خانواده برود.

مردم باهوش ایران سخت می‌خندند، به چه قیمتی آنها را خندانند

از سالیان قبل‌تر تحقیقات زیادی روی نوع نگرش مردم به جهان و سخت و راحت خنده گرفتن از آنها انجام شده بود که به اذعان همگی این تحقیقات، مردم ایران به دلیل هوش جمعی بالا و پشتوانه‌های ادبی و طنزنویسی غنی بسیار دیر و سخت می‌خندند و کم‌دین‌های بزرگ ما همیشه می‌گفتند شوخی ساختن برای مردم ایران یکی از سخت‌ترین کارهای دنیاست. آن زمان در کنار این مسئله، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات کم‌دین‌ها حد و مرز اخلاقی جامعه ما بود که به لحاظ کشوری ایرانی، اسلامی از زوایای مختلف محدودیت‌های فرهنگی خاصی بر آن اعمال می‌شد و تیغ تیز سانسور همیشه روی آثار نمایشی ما اعز از سینما، تلویزیون، تئاتر، رادیو

زود رنگ عوض می‌کرد و شکاف نسل‌ها از چند دهه به کمتر از یک دهه رسید. تا جایی که متولدین ۷۰ و ۸۰ با ادبای حرف می‌زدند که متولدین قبلی متوجه نمی‌شدند، جوری لباس می‌پوشیدند که بزرگ‌ترها نمی‌پسندیدند و در ادامه همه تغییرها به چیزهایی می‌خندیدند که بزرگ‌ترها اصلاً نمی‌فهمیدند.

حالا در مقطعی قرار دادیم که این نسل خاص و پیچیده مخاطب اصلی سینما و تلویزیون است و ناخودآگاه جمعی جامعه به سمت آنها تمایل شده و برای جذب کردن شان مجبور است با زبان خودشان صحبت کند. زبانی که اگر کمی از فضاهای مجازی دور باشیم و نشانه‌ها و ارجاعات برون متنی بسیاری از شوخی‌ها را ندانیم، به راحتی نصفی از خنده‌های این نسل در سینما یا پای تلویزیون را نمی‌فهمیم و بعد از اینکه برایمان رمزگشایی کنند و توضیح دهند که این شوخی کنایه به چه مسئله‌ای بود که ما را به خنده انداخت، نه تنها نمی‌خندیم بلکه عصبانی و ناراحت هم می‌شویم، زیرا برای گوش‌های ما عجیب و زشت به نظر می‌رسد.

حلقه مفقوده این نسل و شوخی‌های مورد پسندشان، عنصر مهم «خانواده» است و همین وجه ممیز خانواده مرز خوبی برای تفکیک شوخی سالم و ناسالم است. شوخی‌های نسل جدید جامعه که متأسفانه کل فضای جامعه را تحت تأثیر قرار داده و همان طور که گفتیم ناخودآگاه هنرمندان بزرگسال را هم به طمع جذب مخاطب به این سمت کشانده است، همین «خانواده» است. خانواده‌ای که عرف آن

باید بتوانیم آن خط را تعریف و تعیین کنیم. حتماً این جمله را از قدیمی‌ترها زیاد شنیده‌ایم که «ما هم سن شما بودیم پامان را جلوی بزرگ‌تر دراز نمی‌کردیم» و یا جملاتی از این دست، متعلق به نسلی است که با طنزهای «لورل، هاردی» و «جری لوئیس» می‌خندیدند، آنها طنز غمگین و فاخر «چارلی چاپلین» را دوست داشتند و در مدرن‌ترین حالت به طنزهای تلویزیونی «ساعت خوش» رسیده بودند و با آن از ته دل می‌خندیدند. طنزهایی که امروزه نسل‌های جدید بسیاری از آیت‌های آن را بی‌مزه می‌دانند و برایشان سوال است بزرگ‌ترها به چی می‌خندیدند! پس همین شکاف نسل‌ها و تغییر حال و هوای جامعه یکی از موانع تعیین دقیق خط قرمز و مرز شوخی است.

از بزرگ‌ترها که بگذریم نسل بعد یا همان دهه شصتی‌ها در کودکی شان با فیلم سینمایی‌های «کلاه قرمزی» و «دزد عروسک‌ها» و درخشان‌ترین فیلم‌های سینمای کودک در ایران خندیدند و در جوانی با «لیلی با من است»، «دروغ ممنوع»، «مرد عوضی»، «مومیایی ۳» و مجموعه‌های تلویزیونی «زیر آسمان شهر» و «پاورچین» و «خانه به دوش» و غیره. این نسل آرام و مآخوذ به حیا از کودکی یاد گرفته بود که باید با خانواده به سینما برود و شب‌ها در کانون گرم خانواده دور سفره شام یا افطار سرپال طنز ببیند و واقعا بخندد. کمی که جلوتر آمدیم هر روز حال و هوای جامعه بیشتر تغییر کرد و با پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات جهانی و مجازی همه چیز خیلی زود به

و ادبیات نوشتاری و غیره سایه می انداخت تا اینکه در چند سال گذشته به ناگاه دایره جسارت و تظاهر به مدرن بودن و با فرهنگ بودن و به اصطلاح روشنفکر نمایی چنان گسترده شد که ابتدا از کنترل تصمیم گیران رسانه خارج گردید و سپس، خندانند مردم به هر قیمتی، یکی از سرفصل های مهم کاری هر مدیر و هنرمند و تصمیم گیر برای ذائقه مردم شد. آخرین باری که با خانواده فیلم کمدی دیدیم چه حسی داشتیم؟

سال هاست فیلم های کمدی در صدر جدول فروش سینماها قرار دارند و با همه مشکلات خارج از این بحث سینما و عدم بازگشت سرمایه و کمبود سالن سینما و... معدود فیلم های کمدی هستند که چراغ سینمای عامه پسند را روشن نگه داشته اند و مردم را به سینما می کشانند. اما این مردم واقعا چه کسانی هستند؟ این مردم در چه رنج سنی قرار دارند؟ شاید خیلی از ما که البته، اتهام عقب افتاده بودن بهمان می زنند، یادمان نیاید آخرین فیلم طنزی که با خانواده به تماشای آن نشستیم چه فیلمی بود؟ یا اگر اسمش را یادمان نباید قطعا خاطره خوشی از آن نداریم و یاد لحظه هایی می افتادیم که با عنوان کردن فلان کلمه یا فلان حرکت، چقدر دلمان می خواست مقابل پدر و مادرمان، یا فرزندمان نباشیم. یا مدام در هول و تسكان این بودیم که اگر فرزندمان معنی این ارجاع برون متنی را نداند و از ما بپرسد باید چه پاسخی بدهیم؟

بله؛ حقیقت این است که حفظ کانون صمیمی و سالم خانواده دیگر با تماشای فیلم سینمایی چه در سینما چه در منزل محقق نمی شود و تعداد انگشت شماری از فیلم های ساخته شده در سال هستند که می توان با خیال راحت در کنار خانواده آن را دید و اتفاقا، سینمای مورد بحث ما یعنی سینمای کمدی در عین سهم بالایش از گیشه، سهم بسیار بسیار کمی از این فیلم های خانوادگی دارد.

شاید بشود سینما نرفت، اما می شود تلویزیون هم ندید؟

همان طور که گفتیم خانواده هایی که حرمت و ارزش روابط بین افراد در درون خانواده برایشان مهم بود کم کم فهمیدند که باید کمتر به سینما رفتن فکر کنند و تفریحات فرهنگی دیگری را جایگزین آن کنند، البته آنها خیلی زود فهمیدند این تفریحات فرهنگی باید چیزی غیر از شبه تئاتر های طنز و جنگ های شادی سیار در سالن های آمفی تئاتر مختلف در سطح شهر باشد زیرا وضعیت سلامت و کنترل اخلاقی آن جنگ ها به مراتب بدتر از سینما است و انگار چون نسخه ضبط شده ای ندارد، شورای پروانه و ساخت و بازبینی و اکرانی هم ندارد و کلا با چاشنی موزیک زنده و حرکات موزون اجازه دارند هر حرفی با هر گروه از کلماتی که دلشان می خواهد بیان کنند و هیچ حرمتی برای رنج سنی مخاطبی که روی صندلی به تماشایشان نشسته و رابطه بین افرادی که

مخاطبانشان را تشکیل می دهند، قائل نیستند.

آخرین دستاویز مردم رسانه ملی بود، سریال ها و جنگ های طنز تلویزیون که ساعت ها سرگرمشان می کرد و با خیال راحت در کنار اعضای خانواده پای آن می نشستند. این طنزهای و فرهنگ خنده و خندانند با خلاقیت رامید جوان و گروه «خندوانه» داشت همه خواسته های مردم از یک برنامه شاد تلویزیونی را برآورده می کرد و برای اولین بار اتفاقی را رقم زد که در تلویزیون بعد از انقلاب واقعا سابقه نداشت. همه اقدار مردم در همه رنج های سنی کم کم به گروه مخاطبان این برنامه که انصافا با فرم و ایده های یکر و خلاقانه آغاز شد و درخشان ادامه داد، پیوستند. «خندوانه» از دو فصل گذشته مسابقه های جالبی طراحی کرد که ابتدا سلبریتی ها و سپس مردم را به شیوه های معمول چنین برنامه هایی در سراسر دنیا طی روند اجرای برنامه با خود همراه کرد و با مشارکت خود مردم از مردم خنده گرفت. مسابقه هایی که از لبانگ و ادابازی و خانواده شاد شروع شد و با «خنداننده شو» به اوج رسید.

طمع خنده گرفتن بیشتر، همه چیز را خراب کرد «خنداننده شو» خوب شروع شد، عالی پیش رفت، هر روز آکادمیک تر و استاندارد تر شد، فرهنگ شوخی را رواج داد، ظرفیت ها را بالاتر برد، برای محدود شرکت کننده هایش فرصت شغلی ایجاد کرد و غیره و غیره تا آنجا که طمع خنده گرفتن بیشتر از مردم همه چیز را خراب کرد. مردمی که به این برنامه اعتماد کرده بودند و به عنوان آخرین امیدهایشان برای دور هم بودن خانواده، پایش می نشستند و بی دغدغه لذت می بردند.

همین که مدل چنین اجراهایی برای مردم تازه گی داشت، اینکه چنین برنامه هایی خانم ها را وارد عرصه اجرای طنز کرده بود، اینکه برنامه به سبک نمونه های بین المللی اش ضبط و تدوین و پخش می شد همگی کافی بود تا مردم ساعتی شاد و سالم داشته باشند اما به ناگاه طمعی که از آن حرف زدیم گریبان سیاست گذاران برنامه را گرفت. سختی های نوشتن و اجرای یک متن سالم و بی حاشیه و سوءاستفاده از موج سواری مردم باعث شد تا متن ها و حرکات بدن و روال کلی برنامه به سمتی برود که نباید می رفت و حالا این آخرین دستاویز خانواده ها هم تبدیل شد به دو ساعت خوانش ریتمیک چک های فضای مجازی، چک هایی باز بین بردن حرمت خانواده، تبلیغ برای ریختن قیچ رابطه بین دختر و پسر بدون هیچ پشتوانه و برنامه ای برای آینده، ارجاعات برون متنی غالبا جنسی، به کارگیری زبان بدن در نمایش المان های غربی خارج از ادب و عرف ما (مانند لایک) و...

که البته «خنداننده شو» اگر بخواد استند آپ های غیر تلویزیونی را سرمشق خود قرار دهد و به سبک آنها به همان میزان خنده از مردم بگیرد حالا حالاها برای افزایش وقاحت و درجه حرارت شوخی های به اصطلاح بالای ۱۸ سال جای دارد. متین نصیری

و ابوطالب حسینی حالا حالاها راه دارند تا به حامد آهنگی یا گروه تانیش برسند که با اوج شوخی های غیر متعارفشان در پردیس کوروش هر شب میلیون ها درآمد و ساعت ها خنده بی وقفه از مردم می گیرند. خنده هایی که واقعا جا دارد از خودمان بپرسیم به چه قیمت؟! با شوخی هایی که اینقدر خارج از عرف و فرهنگ ماست که همین حامد آهنگی میلیونی در همین برنامه «خندوانه» که بازترین و راحت ترین برنامه طنز تلویزیونی است نتوانست از مردم خنده بگیرد و به راحتی فراموش شد.

خنده یا خانواده

در سال های گذشته هر چقدر سینما و تلویزیون ما در گریه گرفتن از خانواده ها موفق بوده و عملکرد قابل ارائه ای داشته در خندانند یک خانواده در کنار هم شکست خورده است. همه ما خانوادگی با «شیر ۱۴۳» گریستیم، خانوادگی و نگران در انتظار پایان «ابد و یک روز» نشستیم، خانوادگی و اشکبار آرزوی آزادی پدر خانواده «دهلیز» را کردیم، خانوادگی با «فیلم ها و سریال ها» گریستیم. اما کی بود آخرین باری که همه باهم فیلم کمدی سالم و تمیز دیدیم...

بله سال هاست سینمای طنز شده «۵۰ کیلو آلبالو»، «پا تو کفش من نکن»، «آس و پاس»، «من و شارمین» و...، تئاتر طنز شده «فیسپوک»، «از دواج اینستاگرامی»، «خواستگار بابام»، «باجنای های کله پوک»، «میخوام بیام زنم شی» و... سینمای خانگی شانه تخم مرغی طنز شده «از دواج در وقت اضافه»، «گدایان تهران»، «مردها فرشته نیستند»، «شیر یا خط»، «رجب آرتیست می شود» و... برنامه های طنز تلویزیونی هم شده مسابقه «خنداننده شو» که شوخی هایش به جایی رسیده پای بعضی از آنها حتی تنها مربی خانم این مسابقه (پانتشه آ بهرام) مجبور می شود سرش را پایین بیندازد و آرام بخندد.

آخرین راه

و آخرین چیزی که به ذهنمان می رسد این است که تا اطلاع ثانوی خانوادگی به سینما نرویم، خانوادگی DVD فیلم طنز نخیریم و این عضو آسیب رسان را در منزل نگه نداریم، خانوادگی تلویزیون نبینیم و همین که این الفاظ چه در ظاهر و چه در باطن رکیک و زنده، هنوز پایش را به کتاب های درسی بچه ها باز نکرده خدا را شاکر باشیم و فعلا تا تغییر رویه و روحیه حاکم بر رسانه های نمایشی، از این ورطه رخت خویش را بیرون بکشیم و پی کار خودمان برویم.





سخنگوی جبهه ملی ایران در برنامه تلویزیونی شوکران:

دولت‌های سلطه‌گر هنوز وجود دارند

عضو هیئت موسس انجمن علوم سیاسی با تقدیر از روش چالشی شوکران در انتهای برنامه گفت: من خیلی ناراحتم که دانشجویان نه چالشی دارند نه سوالی می‌کنند و هیچی هیچی، کلاس دکتری و فوق دکتری هم همین‌طور است. بنابراین حتی ممکن است سولاتی را مطرح کنند که جرعه‌ای برای من نوعی باشد که فکر نکرده بودم و بالعکس، ولی متأسفانه نیست. نوعی که شما انتخاب کردید یک راهی است که می‌تواند به جامعه کمک کند. اگر از اشخاص دعوت می‌کنید و باز تاب آن گفت‌وگوها برای جامعه و به خصوص جوانان مفید است.

شوکران: برنامه‌ای جسور و بی‌پروا

شوکران؛ محصول مشترک حوزه هنری و شبکه چهار سیما به تهیه‌کنندگی علی قربانی و سردبیری پیام فضلی نژاد است که دوشنبه‌ها حوالی ساعت ۲۱ روی آنتن می‌رود و بازپخش آن نیز روزهای سه‌شنبه ۱۰ صبح، جمعه ۱۴ ظهر و یکشنبه ساعت ۱۹ است.

قسمت اول

برنامه شوکران در اولین قسمت خود میزبان دکتر داوود هرمیداس باوند سخنگوی جبهه ملی ایران

قسمت دوم

این برنامه در قسمت دوم میزبان دکتر شاهین فرهت پدر سمفونی ایران بود.

قسمت سوم

سومین قسمت برنامه تلویزیونی شوکران دوشنبه ۱۵ مرداد با حضور دکتر هوشنگ ماهرویان از نسل اول چریک‌های فدایی خلق و جامعه‌شناس ۷۲ ساله از شبکه چهار سیما پخش شد. پس از مناظرات معروف در اولین سال پیروزی انقلاب که برخی از اعضای جریان‌های چپ در تلویزیون حضور یافتند، این نخستین باری است که یکی از پیشروان چریک‌های فدایی خلق در تلویزیون جمهوری اسلامی حضور یافت.

لیبرال می‌شوند و بدون تردید بچه‌هایشان که از ایران می‌روند هیچ، خودشان هم اگر فرصت پیدا کنند ابایی ندارند که به خارج کشور بروند و این‌ها همه نقص است. این نظریه پرداز سیاسی افزود: متأسفانه جامعه ما در فرهنگ اجتماعی و سیاسی بیشتر در رابطه با خود است، به جای اینکه فراتر از خود باشد. این مشکلی است که ما در مملکت داریم و به همین دلیل خیلی آسان نه تنها فرار مغزها بلکه جلائی وطن صورت می‌گیرد.

وی در پاسخ به این پرسش فضلی‌نژاد که آیا گمان می‌کنید هنوز استعمار در اشکال جدید در جهان حضور دارد یا نه، خاطر نشان کرد: قدرت‌های سلطه‌گر عناوینش عوض شده، ولی هنوز وجود دارد. بنابراین تنها راهش خرد سیاسی است که شما واقعیت‌ها را تشخیص بدهید و سعی کنید از این واقعیت‌ها به نحوی استفاده بهینه و متقابل بکنید که دچار تحمیلات قدرت‌های سلطه‌گر نشوید.

سخنگوی جبهه ملی ایران در بخش دیگری از گفت‌وگوی خود با برنامه شوکران درباره سرنوشت جبهه ملی اظهار داشت: ما امیدیم آن گروه همبستگی دموکراسی را ایجاد کردیم و بردیم زیر چتر جبهه ملی. به آقای ادیب برومند هم گفتیم ایشان ریاست عالیۀ آن را هم داشته باشد. یعنی با وجود اینکه آن گروهی که تشکیل شده بود و ظاهراً رهبری جبهه را به من داده بودند، ولی من عنوان رهبری را از خودم جدا کردم و به آقای ادیب برومند دادم. اما متأسفانه دو روز بعد آقای ادیب برومند پس از مذاکره با بی‌بی‌سی و صدای آمریکا خودشان مصاحبه قبلی خودشان را تکذیب کردند. بنابراین ما با یک وضع غیرمنتظره‌ای مواجه شدیم؛ ما خواستیم جبهه ملی را پویا بکنیم، آقای سحابی را هم بیاوریم و آن نگاهشان که بیشتر می‌خواستند شخصیت خاصی نباشد بیاوریم و بکشانیم ولی متأسفانه از درون خودمان، خودمان دچار فروپاشی شدیم. آن برنامه‌ای که می‌خواستیم عملی نشد.

نخستین قسمت از برنامه «شوکران» دوشنبه شب با حضور داوود هرمیداس باوند، سخنگوی جبهه ملی ایران، روی آنتن رفت.

نخستین برنامه تلویزیونی «شوکران» دوشنبه اول مرداد از شبکه چهارم سیما روی آنتن رفت. «داوود هرمیداس باوند» از بنیان‌گذاران انجمن علوم سیاسی و سخنگوی جبهه ملی ایران مهمان این برنامه بود و به پرسش‌های صریح «پیام فضلی‌نژاد» مجری و کارشناس برنامه پاسخ گفت.

هرمیداس باوند در پاسخ به این سوال که چرا برخی اندیشمندان علوم سیاسی مدام در چرخه پیش‌بینی‌های غلط و امیدهای واهی به مردم گیر کرده‌اند، گفت: این افراد نظراتشان بیشتر روی مصالح و منافع خاص خودشان هست که ما به آن فرصت طلبی می‌گوییم. مثلاً خیلی از دانشجویانم وقتی به طور خصوصی با من صحبت می‌کنند، نظراتشان متفاوت است ولی از نظر مصالح و منافع برخلاف باورهایشان همسو هستند، منتفع هم می‌شوند.

وی در پاسخ به این سوال که شما پذیرش برجام را موجب رونق اقتصاد کشور دانسته بودید، گفت: مسئله برجام را باید در شرایط و مقطع تاریخی خودش تایید کرد؛ حال اگر انتظارات از برجام تحقق پیدا نکرده، مقوله دیگری است.

باوند خاطر نشان کرد: کشورها به دنبال منافع ملی خودشان هستند، حتی در ارزش‌های جهان شمول هم گاهی وقت‌ها ارزش‌هایی مثل حقوق بشر سوءاستفاده ابزاری می‌کنند. بنابراین در یک چنین جهانی ما باید از فرصت‌هایی که به نفع مان پیش می‌آید استفاده بهینه بکنیم.

هرمیداس باوند در بخش دیگری از این برنامه با اشاره به سبک زندگی و تفکر لیبرالی برخی مسئولان پیشین و فعلی کشور گفت: کسانی که در ساختار سیستم و نظام هستند، به محض اینکه از گردونه قدرت خارج می‌شوند



مروری بر شرایط ایران، آمریکا و اروپا در قرن ۱۹؛ چگونه کشورهای مختلف قدر تمند شدند؟

خلاصه اولین جلسه از نشست «سوژه یابی بررسی اتفاقات دهه ۶۰ و ۷۰» استاد یعقوب توکلی بدین شرح است. گفتنی است در این نشست مباحث مختلفی پیرامون فعالیت کشورهای مختلف در دوره جنگ جهانی اول و دوم مطرح شد.

فلسفه مارکسیسم، اولین دشمن جدی کشورهای منطقه

توکلی در ابتدای صحبت‌های خود ضمن اشاره به دشمنان جدی در حوزه‌های مختلف گفت: برای من توفیقی است که فرصتی به دست آمده تا بخشی از تاریخ ایران معاصر را که در هیاهوی تبلیغات و بهار شبهات ممکن است از دست رفته باشد، بتوانیم مجدداً بازخوانی کنیم. واقعیت این است که ما در ۴ حوزه، دشمنان جدی داریم و منظورمان از دشمن، یعنی کسانی که علیه ما صف کشیدند و دست به اقدامات کاملاً مشخص عملی می‌زنند. اولین حوزه، دشمنان اسلام هستند که ما به صورت عمومی آنان را با جریان لیبرالیسم، فلسفه مارکسیسم و عرفان‌هایی انحرافی می‌شناسیم. این جریان بر اساس عقل خودبنیاد انسان است و ممکن است بعضی جاها، توجه به خداوند داشته باشند و بعضی جاها بی‌توجه باشند. در موارد بسیار زیادی، می‌توان گفت که این دسته، جز عرفان‌های ضدشریعت است و خدای بدون تکلیف و خدای بدون شریعت را ترویج می‌کنند.

تاکنون هیچ تناقضی بین صحبت‌های رهبران کشورهای شیعه جهان ندیده‌اید

وی حوزه تشیع را به عنوان دومین حوزه مورد بحث در سالیان اخیر دانست و گفت: حوزه دیگر حوزه تشیع است. در حوزه تشیع با هم این وضعیت وجود دارد و شاهد این واقعیت هستیم که تحول عظیمی را انقلاب اسلامی در جهان معاصر صورت داد. علاوه بر اینکه ما این تحول را صورت دادیم، جنبش‌های دیگری در کشورهای همسایه ما و کسانی که صدای ما را شنیدند و پژواک صدای انقلاب آنجا بیشتر شنیده شد نیز به وجود آمد. در طول تاریخ کشور ما و جغرافیای تشیع تاکنون چنین وحدت جغرافیایی و وحدت فکری شکل نگرفته است یعنی شما طی سال‌های اخیر در جنگ منطقه ندیده‌اید که بین حرف‌های آقای خامنه‌ای یا

حرف‌های آقای سیدحسن نصرالله یا شیخ نعیم قاسم یا آقای اکرم الکعبی با آقای عبدالملک حوئی یک تضاد جدی و یا یک تناقضی باشد. این اتفاق بزرگ که در منطقه رخ داد نشان می‌دهد که تشیع به طور جدی مورد هدف قرار گرفته است.

مروری دقیق و جامع بر کشورهایایی که به جغرافیای ایران ندان طمع داشتند

یعقوب توکلی، سومین حوزه مورد بحث را «ایران» نامید و بیان داشت: یک حوزه مهم دیگر حوزه ایران است ما طیفی از کسانی را داریم که به جغرافیای ایران طمع داشتند و این طمع در ۲۰۰ سال گذشته خودش را نشان داد. حافظه تاریخی ما عمدتاً متوجه تصرف سرزمین‌هایی است که در شمال ایران توسط روس‌ها اشغال شد. البته این توجه، مسأله‌ای منطقی است اما همین حافظه تاریخی چندان حساسیتی نسبت به تجزیه افغانستان ندارد، چندان حساسیتی به تجزیه هرات پیدا نکرده است، به تجزیه ناشی از قرارداد گلداسمیت، خیلی توجهی نمی‌شود، تجزیه ناشی از تجاوز انگلستان به بحرین بزرگ نه بحرین کوچک، اصلاً مورد توجه قرار نمی‌گیرد و ... مثلاً یکی از جنبش‌هایی که در ایران راه افتاد جنبش شیخیه است، رئیس جنبش شیخیه یک مرجع تقلیدی به نام شیخ احمد احسایی است. او متعلق احساء و قطیف عربستان فعلی است و اصلاً کسی او را عرب نمی‌داند و بیش‌تر افراد او را ایرانی می‌دانند. یک نکته بسیار مهمی که اصلاً حواسمان نبود و نیست، تجزیه عثمانی‌ها از ماست. ما از زمان شکل‌گیری ایران به معنای ایران واقعی و امروزی، ۲۵ جنگ بزرگ با عثمانی‌ها داشتیم، چون بحث ایران مطرح است من یک نکته‌ای را می‌خواهم بی‌تعارف به شما بگویم و آن این است که ما باید قبول کنیم که بعضی از دروغ‌هایی که درباره تاریخ ایران و مقاومت سرسخت مردم ایران و باقی ماندن فرهنگ و سرزمین و ... گفته می‌شود، از واقعیت دور است. باید بعضی از این دروغ‌ها را قبول کنیم که دروغ است، بله الان شما می‌روید استانبول می‌بینید سردر کاخ ایاصوفیه یا مساجد، همه جا فارسی نوشته شده است اما وقتی مغول‌ها حدود سال‌های ۶۷۰ و ۷۰۰ به ما حمله کردند، ما حدود ۳۰۰ سال در ایران هیچ دولتی نداشتیم یعنی ۳۰۰ سال حکومت‌های محلی کوچک

ملوک الطوایفی در ایران شکل گرفت. یعنی ۳۰۰ سال هیچ کسی نتوانست ما را کنار هم جمع بکند و یک قدرت منسجم به نام ایران به وجود بیاورد و در حقیقت شما ۳۰۰ سال، تاریخی به نام ایران ندارید! شاه اسماعیل صفوی، پادشاهی که کمتر راجع به آن اطلاعات داریم

وی اضافه کرد: یکی از عجایب تاریخ ما شاه اسماعیل است. همه بچه‌های ما جومونگ را می‌شناسند دیگران را می‌شناسند ولی شاه اسماعیل را نمی‌شناسند. می‌بینید که یک تشکیلاتی با رهبری یک نوجوان ۱۲، ۱۳ ساله توانست ظرف ۱۰ سال تمام جغرافیای ایران را فتح کند و یک امپراطوری بزرگ تشکیل داد. زمانی که جنگ چالدران اتفاق افتاد شاه اسماعیل ۲۵، ۲۶ ساله بود و ۵۰، ۶۰ هزار نفر نیروی نظامی داشت. جالب است که در جنگ چالدران، داستان کینه طولانی جدایی خواهی کردستان شروع شد. در حقیقت منازعات ما و عثمانی‌ها و منازعات ایران و عراق از جنگ چالدران شروع شد.

۱۱ جریان فکری فعال بعد از انقلاب اسلامی در ایران شکل گرفت

این کارشناس مسائل سیاسی، به حوزه مهم دیگری که باید مورد توجه قرار بگیرد، اشاره کرد و گفت: حوزه دیگری که به نظر من بسیار مهم است حوزه ایران بعد از انقلاب اسلامی است. نکته جالب ادبیات مربوط به تاریخ معاصر در ایران این است که حدود ۱۱ جریان جدی وجود داشت. در سال‌های ۷۵، ۷۶ این جریان‌ها را در کتاب سبک شناسی به صورت تفکیک بیان کردم. البته ممکن است که اکنون شما یک یا دو جریان دیگر را به آن اضافه کنید. برای مثال، مجاهدین خلق وارد یک دوره تاریخ نگاری خودشان شده‌اند که آن هم یک طیف قابل توجهی از آثار را در خارج از کشور به شکل‌های مختلف در برمی‌گیرد. از این ۱۱ جریان که عرض کردم، جالب این است که فقط یک جریان آن مربوط به جریان انقلاب اسلامی و نویسندگان حوزه نظام است که اکنون بر چسب‌های مختلفی از جمله دولتی بودن، وابسته به نظام بودن و ... را به آن می‌زنند.



پرونده‌های قضایی در دادسرای نظامی مورد بررسی قرار می‌گرفت!!!

خلاصه دومین جلسه از نشست «سوژه یابی بررسی اتفاقات دهه ۵۰ و ۶۰» استاد یعقوب توکلی بدین شرح است. گفتنی است در این نشست مباحث مختلفی پیرامون تشکیل سازمان امنیتی ساواک توسط محمدرضا شاه مطرح شد.

ساواک در ابتدا پلیس سیاسی بود

توکلی در ابتدای صحبت‌های خود ضمن اشاره به ماجرای تشکیل ساواک اشاره کرد و گفت: ساواک چند دوره دارد؛ اگر بخواهیم برای نیروهای امنیتی رژیم پهلوی یک عقبه‌ای را توضیح بدهیم، ابتدا پلیس سیاسی است که در دوره رضاشاه تشکیل می‌شود. در این دوره ما با چهره‌های مختلف آن مانند سرپاس مختاری، سرپاس رادسر و سرلشکر آیرم روبرو هستیم. پلیس سیاسی وظیفه سرکوب مخالفان را برعهده داشت و این پلیس سیاسی یک پشتوانه قضایی داشت و آن هم این بود که رضا خان در قانون مربوط به نیروهای نظامی ایران تغییری را ایجاد کرد. این تغییر چنان بود که ارتش و نیروی نظامی وظیفه دفاع از مرزها را در همه جای دنیا برعهده داشت و در درگیری‌های داخلی کشور ورود پیدا نمی‌کرد چرا که وظیفه درگیری‌ها در داخل کشور در همه جا به پلیس سپرده می‌شود. پلیس سیاسی وظیفه مبارزه، استماع اخبار و جاسوسی را برعهده داشت ولی این سازمان چندان منسجم نبود چرا که از خیلی از اطلاعات باخبر نمی‌شد. مثلاً ماجرای گروه ۵۳ نفره دکتر تقی‌ارانی را اصلاً پلیس سیاسی نفهمید و به صورت کاملاً اتفاقی یک کسی آمد برای آنها گفت. در دوره محمدرضا شاه، نیروی ژاندارمری و رکن ۲ به کانون مبارزه با مخالفان اضافه شدند یعنی شهربانی، ژاندارمری و رکن ۲ وجود

داشت که هر کسی در این ۳ سازمان متهم شناخته می‌شد پرونده‌اش را به دادسرای نظامی ارجاع می‌دادند. در این میان، تغییری که رضاشاه ایجاد کرده بود این بود که وظیفه دفاع از امنیت داخلی را هم به ارتش داده بود. لذا در هر دوره‌ای در منازعات داخلی خصوصاً در دوره پهلوی اول، ارتشی‌ها ورود کردند و کشتار دسته جمعی گسترده‌ای را رقم زدند که از آن جمله می‌توان به ماجرای مسجد گوهرشاد اشاره کرد. موضوع مهم دیگر این بود که اشخاصی که دستگیر می‌شدند به دادسرای نظامی ارجاع داده می‌شدند یعنی شما اگر یک کتاب می‌خواندید یا یک اعلامیه‌ای می‌خواندید یا شعاری می‌دادید یا حرکتی می‌کردید جرم شما در حد یک جرم نظامی در میدان جنگ بود. برای مثال، آقای محمد ولی خان اسدی در ماجرای گوهرشاد با اصحاب شورش مذاکره کرد و با روش نظامی و اعمال بر خورد نظامی مخالفت کرد. بلافاصله او را در دادگاه نظامی توسط سر تیپ عباس البرز به صورت یک نظامی خیانتکار محاکمه کردند و اعدامش کردند. جالب این‌جا است که دادگاه‌های نظامی روش‌های خاصی برای محاکمه افراد داشت. برای مثال، آنهایی که در مسند قضا قرار می‌گرفتند، الزاماً آدم‌های قضایی نبودند بلکه نظامیانی بودند که می‌خواستند تکلیف یک پرونده را براساس منطق نظامی مشخص کنند. دکتر مصطفی محقق داماد ادعای اشتباهی را مطرح کرده بود و آن این بود که ادعا کرده بود نظام

دادگستری رژیم پهلوی به شدت مستقل بوده و قضات ما در این دوره به پرونده سیاسیون رسیدگی نمی‌کردند و هر آدم سیاسی را که دستگیر می‌کردند عدم صلاحیت می‌زدند اما واقعیت این نیست. جالب است که در دهه ۵۰ یکی از کسانی که پرونده‌های بسیاری را به سمت دادگاه‌های نظامی یعنی شدت مجازات ارجاع داد خانم شیرین عبادی بود که در سمت دادستان تهران ایفای وظیفه می‌کرد.

دخالت مستقیم آمریکای در تشکیل ساواک /

بختیار خشن‌ترین آدم دوران پهلوی بود

یعقوب توکلی به چرایی تشکیل ساواک در ایران اشاره کرد و گفت: سال ۱۳۳۵ آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که در ایران باید نیروهای اطلاعاتی متحد شوند و یک نیروی امنیتی شناخته شده داشته باشیم که این سازمان امنیتی شناخته شده تحت عنوان سازمان اطلاعات و امنیت کشور تشکیل شد و اولین رئیس آن هم آقای تیمور بختیار بود. در ابتدا حدود ۱۵۰ نفر در این سازمان مشغول به کار شدند که عمدتاً از بین نیروهای ژاندار پلیس سیاسی و رکن ۲ و فرمانداری نظامی انتخاب شدند. هر کدام از اینها کارهای مختلفی می‌کردند برای مثال آقای سپهد محسن مبصر در خاطرات خودش که در مجله نیمروز لندن منتشر شد، درباره چگونگی دستگیری عناصر سازمان نظامی حزب توده توضیح مفصلی می‌دهد. او می‌گوید وقتی ما سروان ابوالحسن عباسی را

دستگیر کردیم اسناد زیادی از چمدانش به دست آوردیم از جمله آن، یک دفترچه ای بود که در این دفترچه اسامی افسران حزب توده نوشته شده بود و این اسامی را کدگذاری کرده بودند. او می گوید مدت زیاد طول کشید تا توانستم از آن سر در بیاورم. وقتی این نام‌ها مشخص شد که چه کسانی هستند، تک به تک به سراغشان رفتیم. گاهی وقت‌ها می دیدیم اینها فرار می کنند و حضور ندارند. یکی از آنان سروان پولاددژ بود که توانست تقریباً ۱۵۰، ۱۶۰ نفر را فراری بدهد ولی بقیه دستگیر شدند. یکی از دلایلی که در خاطرات مختلف افراد می خوانید که ما فرضاً رفتیم در زندان فلان توده‌ای و در آنجا توده‌ای زیاد این است که این ۴۴۰، ۴۵۰ نفری که در سال ۱۳۳۳ دستگیر شدند، حبس‌های طولانی بالای ۲۵ سال داشتند و در زندان مانده بودند. در نهایت در سال ۱۳۳۵ ساواک تشکیل شد و در دولت اقبال در سال ۱۳۳۶ اساسنامه آن در مجلس تصویب شد. اعضای ساواک شروع به مطالعه در مورد مسائل مختلفی کردند. برای مثال از جمله اسناد قابل توجهی که ساواک تهیه کرد، اطلاعاتی از وضعیت درسی مراجع تقلید در قم بود. برای مثال به جلسه درس آیت الله العظمی بروجردی رفتند و اعضا را شمردند و مثلاً گفتند حدود ۱۱۰۰ نفر در این کلاس شرکت می کنند. هم‌چنین تعداد شاگردان کلاس درس‌های مراجع دیگر از جمله امام خمینی، آقای گلپایگانی، آقای مرعشی نجفی، علامه طباطبایی و

... را نیز شمرده بودند.

متصل شدن نظام اطلاعاتی پهلوی به غرب و اسرائیل توکلی به انتخاب سرلشکر پاک‌روان به عنوان رئیس ساواک اشاره کرد و گفت: محمدرضا شاه، شخص دیگری را به جای بختیار برگزید که آن هم داستان خاصی دارد. دقت کنید که در تاریخ دوران پهلوی، دو شخصیت امنیتی معروف در ایران داریم که از قضا اهل هنر، فلسفه و خواندن ادبیات نیز بودند. یکی از آن دو نفر، سرهنگ رکن الدین مختار است که موزیسین خیلی خوبی بود و علیرغم چهره خشنی که داشت، موسیقی را به خوبی بلد بود. شخص دوم، سرلشکر حسن پاک‌روان بود. او به واسطه اینکه آدم باسوادتری بین نیروهای نظامی بود، رفتار مهربانانه‌ای با مخالفان داشت بنابراین کسانی که در دوره پاک‌روان دستگیر شدند، خیلی شکنجه نشدند در حقیقت، سیاست کاری پاک‌روان برخلاف رویه تیمور بختیار، سیاست آرام‌تری بود. با این وجود، موضوع بسیار مهم دیگری در این برهه از زمان رخ می‌دهد. آن اتفاق این است که در این زمان ضرورتی پیش آمد که ما باید به نظام اطلاعاتی غرب وصل شویم. این نظام اطلاعاتی را انگلستان و آمریکا برای ما ایجاد نکردند بلکه حلقه وصل ما با اسرائیل این سرویس امنیتی را برای ما فراهم کرد. در حقیقت، همکاری‌های ایران و اسرائیل در این دوره گسترش پیدا می‌کند. اسرائیل در ایران سفارت نیز داشت که به نام سفارت «برن ۲» معروف بود. دفتر آژانس

یهود که در خیابان فلسطین واقع شده بود، سفارت اسرائیل بود. جالب است که در اسناد و مدارک نیز اصلاً نام اسرائیل را نمی‌آوردند و تمام مکاتبات به نام سفارت برن ۲ انجام می‌شد. همین موضوع باعث شد تا آرام آرام حضور اسرائیلی‌ها در این دوره جدی شود. به همین دلیل، پاک‌روان جمعی از نیروهای جوان ساواک را به اسرائیل فرستاده بود تا در آنجا آموزش ببینند. ویژگی نظام اطلاعاتی موساد در اسرائیل بسیار پیچیده است که در مباحث بعدی حتماً آن را توضیح خواهم داد. برای مثال، اسرائیلی‌ها به این دلیل که افرادشان از کشورهای مختلف گرد هم آمده بودند، تجربیات مختلف سازمان‌های اطلاعاتی دنیا را داشتند. می‌خواهم بگویم که یعنی شکنجه اسرائیل، تجمیعی از دولت‌های مختلف بود.

توکلی در پایان خاطرنشان کرد: در این برهه از زمان، سه اداره مستشاری اطلاعاتی در ایران بود یک اداره مستشاری انگلستان، دوم اداره مستشاری آمریکا، سازمان سیا بود و بعد اداره مستشاری موساد که هر کدام نماینده داشتند، نماینده آمریکا معمولاً تغییر می‌کرد اما نماینده انگلیس به طور طولانی مدت ریاست این اداره مستشاری را برعهده داشت که البته آقای شاپوری رئیس آن بود.





مبارزه مسلحانه چگونه وارد حافظه تاریخی معاصر کشور شد؟

اتفاق دیگری هم که او در دوران دانش‌آموزی خود انجام می‌دهد، برگزاری تظاهرات ضد کشف حجاب در تهران و علیه رضا شاه است.

توکل‌ی به ماجرای حوزه رفتن نواب صفوی نیز اشاره کرد و گفت: در ماجرای تظاهرات بلوای نان، دولت به تظاهر کنندگان حمله می‌کند و جمعیت زیادی کشته می‌شوند. نواب فراری شده و به آبادان و در پالایشگاه آبادان می‌رود تا در آنجا مشغول به کار شود. در آنجا نیز با مقامات انگلیسی شرکت نفت درگیر می‌شود. ماجرا از این قرار است که در یک قسمتی تراکت زده بودند و نوشته بودند «ورود ایرانی ممنوع». البته بعضی‌ها می‌گویند که نوشته شده بود «ورود سگ و ایرانی ممنوع». به هر حال جمله‌ای نژادپرستانه نوشته شده بوده است. نواب در پی این مساله در پالایشگاه شورش به راه می‌اندازد و به همین دلیل تحت تعقیب قرار می‌گیرد تا اینکه عموی او به او سفارش می‌کند که به جای این کارها به حوزه برود و در آنجا درس بخواند تا در ایران نباشد چرا که اگر در ایران می‌ماند، دستگیر می‌شود. او به نجف می‌رود و چند سالی در نجف درس می‌خواند.

توکل‌ی در بخش پایانی صحبت‌های خود در پاسخ به سوالاتی مبنی بر این که آیا امام با رویکرد شهید نواب موافق بود یا خیر، گفت: ایشان با اصل مخالفت با رژیم پهلوی مخالفتی نداشت اما با اقدام به ترور موافق نبود امام کلاً با مبارزه مسلحانه مخالف بود یعنی به شدت ایستادگی کرد حتی بعداً موقوفه هم که آمدند امام از آنان حمایت نکرد. از اقدام به ترور آنها حمایت نکرد ولی از اعضای موقوفه حمایت کرد و حواسش به آنها بود.

فدائیان اسلام اولین گروهی بود که از مبارزه مسلحانه علیه شاه استفاده کرد

وی ادامه داد: در سمت ما، اولین جریانی که زبان اسلحه را انتخاب کرد و به این نتیجه رسید که باید در برابر زور حکومت از عنصر زور استفاده بکند، فدائیان اسلام هستند. فدائیان اسلام در سال ۱۳۲۵ برای اولین بار با ترور کسروی اعمال قدرت نظامی را در فضای سیاست نیز آوردند. فدائیان اسلام سازمان نبود و ساختاری به معنای مصطلح حزبی نداشت. بیشتر یک مجموعه‌ای از هیات‌ها و شبه هیات‌ها بود که یک مقدار ملاحظات سیاسی و امنیتی هم داشتند. همین موضوع باعث شده بود که آنان تشکیلات سازمانی منظمی نداشته باشند. اما بی شبهات هم به سازمان نبودند چرا که نفر اول و نفر دوم داشت و اعضای تصمیم‌گیر آن هم چند نفر اول هستند. البته بعداً یک شورایی تشکیل می‌شود که آن شورا هم بیشتر شبیه شوراهای هیئات مذهبی است که اتفاقاً سیاسی هم هستند. اولین بار فدائیان اسلام بودند که دست به اقدام مسلحانه زدند. علتش هم ماجرای تبلیغات گسترده سیداحمد کسروی علیه تشیع بود.

چگونه پای شهید نواب به حوزه علمیه باز شد؟
وی در ادامه به شخصیت نواب صفوی پرداخت و افزود: نواب یک جوانی بسیار پرشور بود. ابتدای ورود نواب به فضای سیاست در ایران داستان جالبی دارد او که دانش‌آموز سال چهارم هنرستان صنعتی در سال ۱۳۲۱ بود، در پی بحران قحطی در تهران، یک تظاهرات جدی به راه می‌اندازد که منتهی به سقوط نخست‌وزیر قوام السلطنه در سال ۱۳۲۱ منجر می‌شود. این تظاهرات به «بلوای نان» معروف است. یک

خلاصه سومین جلسه از نشست «سوژه یابی بررسی اتفاقات دهه ۵۰ و ۶۰» استاد یعقوب توکل‌ی بدین شرح است.

گفتنی است در این نشست مباحث مختلفی پیرامون شکل‌گیری، به قدرت رسیدن و افول سازمان فدائیان اسلام مطرح شد.

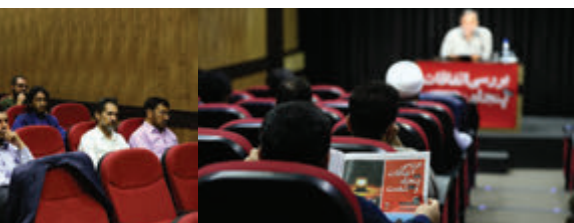
حزب توده، اولین گروه چریکی که از دل پهلوی بیرون آمد

یعقوب توکل‌ی در ابتدای صحبت‌های خود ضمن اشاره به گروه‌های چریکی که در کشور فعالیت می‌کردند پرداخت و گفت: امروز بحث ما گروه‌های مسلح چریکی است. در این جلسه می‌خواهیم گروه‌های مسلح و جریان‌های مختلف نظامی و سیاسی را در ایران تجزیه و تحلیل کنیم. شکل‌گیری گروه‌های مسلح ضد رژیم پهلوی از سه جریان نشأت گرفت؛ جریان اسلام‌گرا، جریان ملی‌گرا و جریان چپ‌گرا. همچنین که در جلسات گذشته عرض کردم ۳ جریان طرفدار حکومت پهلوی که از قضا درون حکومت پهلوی نیز بودند نیز برای خودشان گروه مسلح تشکیل دادند. اولین آن‌ها حزب توده است که در زمانی که جزء حکومت پهلوی بود سازمان نظامی تشکیل داد. هم چنین حزب اراده ملی به رهبری سیدضیاءالدین طباطبایی تلاش کرد تا حزب آریا را داخل ارتش تشکیل بدهد. علاوه بر این‌ها، حزب دموکرات قوام هم مجموعه تحت فرماندهی سرلشکر رزم آرا بود که به عنوان یک ساختار نظامی کار می‌کرد. در حقیقت، طرفداران آمریکادیل چتر سرلشکر رزم آرا کار نظامی می‌کردند.



چگونه مارکسیسم در سازمان مجاهدین خلق نفوذ کرد؟

خلاصه چهارمین جلسه از نشست «سوژه یابی بررسی اتفاقات دهه ۵۰ و ۶۰ استاد یعقوب توکلی بدین شرح است. گفتنی است در این نشست مباحث مختلفی پیرامون سازمان موفته اسلامی و سازمان مجاهدین خلق مطرح شد.



داشتند، تبعیت از مرجعیت تقلید را ویژگی اصلی خود بدانند و مقلدان بسیار خوبی نسبت به مراجع باشند. کمی که جلوتر رفتند، مجموعه ای از علما و روحانیت را نیز دور خودشان آوردند که شورای روحانیون آن توسط آقای مطهری، آقای بهشتی، آقای انواری و آقای مولایی تشکیل شد. این شورا بر فعالیت‌ها نظارت داشتند؛ لذا جلسات درس عمدتاً توسط این آقایان پر می شد و تدریس می گردید. برای مثال کتاب حق و باطل آقای مطهری، پیاده شده جلسات درس ایشان برای اعضای موفته اسلامی است که در پیوست آن، پرونده شهید اسدالله لاجوردی و آقای عسکراولادی در ساواک اضافه شده است.

آیت الله مطهری ۶ بار توسط ساواک بازداشت شد. **ماجرای سخنرانی امام در قم علیه کاپیتولاسیون و تلاش برای پخش ۲۰۰ هزار اعلامیه**

توکلی تصریح کرد: جالب است بدانید که آقای لاجوردی و عسکراولادی که در تشکیل این کلاس‌ها نقش بسیار مهمی داشتند، بازجویی های مفصلی پس دادند، کتک خوردند و ... البته ملاحظات وجود

رفت و تشکیلات مسلحانه را راه انداخت، سازمان موفته اسلامی بود. موفته اسلامی، خود مجموعه گروه و ترکیبی از هیئات مذهبی موجود در شهر تهران بود که البته هیات های اصفهانی ها، تبریزی ها، خراسانی ها و ... مقیم تهران نیز به آنان پیوسته بودند. باین حال، یک واقعیتی وجود داشت و آن هم این بود که هیات ها رقابت بسیار عجیبی با یکدیگر داشتند و چشم و هم چشمی هایی وجود داشت برای مثال می گفتند که دسته ما از دسته شما طولانی تر است، علم ما از علم شما بزرگتر است، یا فلان هیات امروز چقدر ناهار دارند و چه کردند؟ وقتی که آنان وارد فضای سیاسی و حمایت از ایده های امام شدند متوجه شدند که این اختلافات به سمت بحث های سیاسی و اجتماعی کشیده شده است. لذا امام به آقای عراقی، آقای هاشم آمانی و آقا صادق دستور دادند که شماها این هیات ها را با همدیگر متحد کنید، موفت کنید و کنار هم بیاورید. اجتماع این هیات ها باعث شد از مجموعه هیات های موجود در تهران، حرف واحدی شنیده شود فلذا رهبری واحد نیز پیدا کردند. همین موضوع باعث شد تا کسانی که در این مجموعه حضور

ترورهای فدائیان اسلام با ایده ها و الگوهای ایرانی انجام می شد

توکلی در ابتدای صحبت های خود گفت: بخشی از اقدام های فدائیان اسلام، شباهت هایی به کارهایی که کمیته مجازات در ایران انجام داد، داشت. به ویژه آخرین ترور مشهورشان که ترور نخست وزیر محمدعلی شاه بود و رضایت عامه را به همراه داشت. در حقیقت، تاثیر ادبیات ترور در آن زمان را می توان در دوران فعالیت فدائیان اسلام دید. جالب است که اکثر ترورهای فدائیان اسلام، براساس ایده ها، افکار و برنامه های ایرانی بود در حقیقت، تا حدودی روش های بومی در آن جریان داشت. البته باید به این موضوع توجه داشته باشید که مجاهدین خلق و چریک های فدایی، روشی کاملاً متفاوت داشتند و الگوهای عملیات نظامی آنان، شباهتی به الگوهای بومی ندارد.

سازمان موفته اسلامی، دومین گروهی که تشکیلات مسلحانه را راه انداخت

وی به سازمان موفته اسلامی به عنوان دومین گروهی که مبارزات مسلحانه را به راه انداخت، اشاره کرد و گفت: سازمان دیگری که به سمت مبارزات مسلحانه



لذا به این نتیجه رسیدیم که شاه را باقی بگذاریم و منصور را به عنوان عاقد قرار داد کاپیتولاسیون بزنیم. این تصمیم را عملی کردیم. برنامه هم مشخص بود که چه روزی منصور مجلس می رود و البته قابل دسترسی نیز بود. جالب است بدانید که افراد حزب موتلفه توانستند صورت مجلسی محرمانه مربوط به مذاکرات کاپیتولاسیون را عیناً به دست بیاورند. این صورت جلسه اصلاً منتشر نشده بود. وقتی امام از ماجرا کاپیتولاسیون باخبر شد، از اطرافیان خواست تا اصل صورت جلسه را بیاورند و اعضای موتلفه موفق شدند تا آن صورت جلسه را برای امام بیاورند. رژیم پهلوی اصلاً نتوانست پیدا کند که چه کسی اصل صورت جلسه را بیرون برده است. بعدها نیز کسانی که دنبال کارهای تاریخ شفاهی بودند، نتوانستند آدم اصلی را پیدا کنند چرا که راوی مساله شهید محلاتی بود. ایشان شهید شد و کسی نبود که گواهی بدهد این کار توسط چه کسی اتفاق افتاد. با بیان این صحبت‌ها می‌خواستم به قدرت نفوذ اعضای موتلفه اشاره کنم. نکته مهم این است که ترور بدون حضور و اطلاع امام خمینی صورت می‌گیرد. امام در تبعید است و آنها برای این کار، با آقای میلانی ملاقات کردند و ادعا می‌کنند که از آقای میلانی اجازه این کار را گرفته‌اند. بعد از این عملیات عمده هبران این جریان دستگیر شدند، آقای مطهری هم در پرونده متهم شد و توسط بازجو ردیابی شد منتها بازجوی این پرونده از آن جا که قبلاً شاگرد آقای مطهری بود کاری کرد تا شخصی به نام آقای حکمت وارد پرونده شود تا خط پرونده گم شود و این چنین پای آقای مطهری به پرونده کشیده نمی‌شود. در این پرونده، ۶ نفر محکوم به اعدام می‌شوند، آقای حاج آمانی و عراقی یک درجه تخفیف می‌خورند ولی در مورد ۴ نفر دیگر حکم اجرا می‌شود.

اعلام کرد که می‌خواهم فلان روز سخنرانی کنم. همه تلاش کردند تا امکانات را به بهترین نحو فراهم کنند تا صحبت‌های امام به سرعت در سطح کشور گسترش یابد. تبعید امام خمینی زمینه‌ساز شکل‌گیری مبارزه مسلحانه موتلفه اسلامی بود/ ماجرای ترور حسنعلی منصور و لو رفتن صورت جلسه کاپیتولاسیون این کارشناس مسائل تاریخ معاصر گفت: وقتی که امام دستگیر و تبعید شد در میان اعضای موتلفه اسلامی، این بحث پیش آمد که ما در برابر تبعید امام چه اقدامی باید بکنیم؟ برای مقابله در برابر اقدام رژیم پهلوی تصمیم گرفتند که دست به اقدام مسلحانه بزنند. جالب است که در این فضا اعضای باقیمانده فدائیان اسلام دوباره پیدا شدند و فعالیت خود را آغاز کردند. یعنی کسانی که با فدائیان ارتباط داشتند، یک گروه مسلح کوچکی را شکل دادند که مرحوم حاج صادق آمانی آن را رهبری می‌کرد و جوان -ترهایی مانند بخارایی، مرتضی نیک‌نژاد، رضا صفارهرندی و شهید اندرزگو از اعضای آن بودند. کار اطلاعاتی و تجسس گروه بیشتر با شهید اندرزگو بود آقای عراقی در خاطرات خود می‌گوید ما تقریباً به همه مقامات دسترسی داشتیم؛ از شاه گرفته تا اقبال. برای مثال حتی شهید اندرزگو چند بار با تغییر قیافه به ملاقات اقبال رفته بود و بر سر یک موضوعی با او بحث کرده بود. هم چنین دفتر نخست‌وزیری و برنامه‌های حسنعلی منصور به همین شیوه شناسایی شده بود. عراقی در خاطراتش بیان می‌کند که ما در نهایت به این نتیجه رسیدیم که اگر بخواهیم کسی را بزنیم باید یک به جای شاه، شخصیت میانه تری را هدف قرار بدهیم چرا که اگر شاه را بزنیم ممکن است حکومت سقوط کند و دولت دست توده‌ای‌ها بیفتد یا جریان‌هایی که ما نمی‌دانیم چه هستند روی کار بیایند.

داشت که سراغ آقای مطهری نرفته بودند. احیاناً فکر می‌کردند دستگیری آقای مطهری به عنوان یک استاد دانشگاهی که مورد توجه مردم هم است مساله درست کند و برایشان فشار اجتماعی بیاورد. البته در طرف مقابل می‌ترسیدند که دستگیری آقای مطهری برای او محبوبیت سیاسی ایجاد کند. چرا که در پرونده روحانیون دقت می‌کردند که اگر فلانی را دستگیر کنیم بعد از این مورد توجه اجتماع قرار می‌گیرد یا نه؟ مخاطبانش بیشتر می‌شود یا نه؟ ملاحظات اینگونه خیلی داشتند. معروف بود یکی از آقایانی که بعداً رئیس قوه قضاییه در ایران شد، در قم خیلی شاگرد نداشت ولی بعد از اینکه دستگیر شد و شکنجه بدی شد، یک عده از طلاب می‌آمدند و پای در سش می‌نشستند چرا که فکر می‌کردند ایشان اعتبار علمی و اجتماعی دارد. ساواک به حساسیت‌های این چنینی هم توجه داشت. باید بگویم که آقای مطهری ۶ بار بازداشت شده است که اصلاً مطرح نشد. هیات‌های موتلفه ابتدا در قالب تنظیم تظاهرات، نشست‌ها، جلسات و... فعالیت می‌کردند البته بعد از تبعید امام که به دلیل سخنرانی ایشان علیه کاپیتولاسیون بود، روند کاری‌شان کمی تغییر پیدا کرد. راجع به سخنرانی امام در مورد کاپیتولاسیون، نکته مهمی را باید به شما بگویم. هیات‌های موتلفه در آن روز توانستند ۲۰۰ هزار اعلامیه را در سراسر کشور توزیع بکنند بدون اینکه کسی دستگیر شود. حتی در مورد سخنرانی که امام در قم داشتند، ساواک گزارش داد که موتلفه اسلامی تعداد باطری‌های زیادی به مدرسه فیضیه برده بودند که سخنرانی امام به دلیل قطع برق، ناتمام نماند. تعبیر گزارش شگر ساواک از این ماجرا این است که می‌گوید خمینی را مثل امام آوردند یعنی با عظمت و احترام آوردند. در ماجرای سخنرانی ضد کاپیتولاسیون نیز چنین اتفاقاتی رخ داد. امام



ماجرای دیدار ۲ عضو اصلی مجاهدین خلق با امام خمینی؛ دسیسه‌ای که با هوشیاری امام خنثی شد

خلاصه پنجمین جلسه از نشست «سوژه یابی بررسی اتفاقات دهه ۵۰ و ۶۰» استاد یعقوب توکلی بدین شرح است.

گفتنی است در این نشست مباحث مختلفی پیرامون فعالیت سازمان مجاهدین خلق در کشور مطرح شد.



به واسطه ایجاد این کانون درگیری، همه کسانی که با شما موافق هستند، در گرداگردتان جمع می‌شوند و آرام آرام یک گروه چریکی بسیار گسترده تشکیل می‌شود. تمام نیروهایی که برای مقابله با این گروه چریکی وارد جنگل می‌شوند، در دام می‌افتند و شکست می‌خورند. خود کاسترو تجربه جنگ‌های این مدلی را داشته است و به کمک همین مدل موفق شد شهر هاوانا را بعد از ۷ سال اشغال کند. هم‌چنین مدل جنگ چریکی کوهستان، مدل دیگری است که در ایران نیز اجرا شد و بسیاری از گروه‌های چریک گرد از این مدل برای مبارزات خود استفاده کردند. جدی‌ترین مانع برای ورود به جنگ مسلحانه، روحانیت بود

این پژوهشگر، مدل جنگ‌های چریکی انتخاب

عموم گذاشته‌اند. برای مثال، مائو کتاب جنگ چریکی «روستا علیه شهرها» را نوشته است که در آن می‌گوید برای آن که در شر دشمن در امان باشیم، باید نیروهایمان را به روستاها ببریم و در آن‌جا پایگاه درست کنیم. سپس با بسط نیروها در روستا، شهرها را بگیریم. خود مائو نیز این کار را انجام داد و از این طریق به شهر پکن دسترسی پیدا کرد. کاسترو و چگوارا مدل دیگری را برای جنگ‌های چریکی پیشنهاد داده‌اند که این مدل در دوره‌ی میرزا کوچک خان در ایران مورد آزمایش قرار گرفت که نتایج خیلی خوبی نداشت. در این مدل، افراد باید می‌رفتند و در جایی مناسب از جنگل، کمپ‌سازی می‌کردند، سپس باید می‌رفتند و در جای دیگری از جنگل، یک کانون درگیری ایجاد می‌کردند و در نهایت

یعقوب توکلی در ابتدای سخنان خود، ضمن اشاره به مباحث مطرح شده در جلسه قبل گفت: در جلسه قبل، پیرامون نحوه شکل‌گیری سازمان مجاهدین خلق صحبت کردیم و هم‌چنین اشاره کردیم که سازمان به این نتیجه رسید که باید دست به عملیات‌های مسلحانه و سازمان‌یافته بزنند. به همین دلیل اعضای سازمان شروع به مطالعه کردند و در این مطالعات، تجربیات مختلف در جهان مورد بحث قرار گرفت.

تجربه جنگ‌های چریکی مختلف در دنیا این پژوهشگر به مدل‌های مختلف جنگ‌های چریکی اشاره کرد و گفت: باید دقت داشت که افراد زیادی بودند که تجربه‌ی جنگ چریکی را به شکل متن و کتاب درآورده‌اند و در اختیار



داشتند اگر چه ممکن است حالا عده‌ای بیايد و برای بالا بردن سهم خود، بخواهد نقششان را پررنگ‌تر جلوه بدهد.

خود محمدرضا پهلوی هم امام خمینی را رهبر انقلاب می‌دانست

یعقوب توکلی به نقل خاطره‌ای مهم از یکی از نزدیکان شاه اشاره کرد و گفت: اگر از من بپرسید که چه کسی جریان رهبری انقلاب را برعهده داشت، در پاسخ می‌گویم که رهبر انقلاب ایران امام خمینی بود. این موضوع را خود محمدرضا پهلوی و احسان نراقی به عنوان یکی از چهره‌های تاثیرگذار در نظام پهلوی نیز بیان کرده است. احسان نراقی در خاطرات خود می‌نویسد که «در روزهای پایانی به کاخ شاه رفتم تا به ایشان مشورتی بدهم. به محمدرضا گفتم که خاطراتان هست که در زمانی به مصدق توهین کردید؟ اکنون باز تساب آن توهین به خودتان برگشته است». شاه در جواب به احسان نراقی می‌گوید که این صدا، صدای مصدق و مصدقی‌ها نیست بلکه صدای خمینی و شاگردان او است. باید اشاره کنم که امام خمینی، شهید بهشتی و بقیه رهبران انقلاب اسلامی، نسبت به تجربه مشروطیت آگاهی داشتند و حواسشان به آن بود در حالی که آمریکایی‌ها به این موضوع فکر نمی‌کردند.

داد. او در کتاب خود می‌گوید که ۲ گروه غرب‌گرا در ایران یعنی حکومت‌گراها که معتقد به غرب سرمایه‌داری بودند و چپ‌گراها که معتقد به غرب کمونیسم بودند، چندین سال در ایران با هم جنگیدند. مشکل هر دو جریان این بود که با متن جامعه ارتباط نداشتند. در مقابل، جریانی که با متن جامعه و سنت آن ارتباط داشت، توانست از غفلت این ۲ جریان به خوبی استفاده کند و قدرت خود را بسط بدهد. در نهایت نیز رهبری انقلاب را به دست گرفت، مردم را با خود همراه کرد و پیروز انقلاب شد. آن جریان، جریان روحانیت بود. البته من نمی‌خواهم بگویم که بقیه حضور نداشتند. می‌خواهم بگویم که ما در جریان انقلاب حدود ۴ هزار شهید داریم. از این تعداد، حدود ۳۵۰ نفر، افراد گروه‌ها هستند و ۱۱۰ نفر نیز مربوط به حزب توده و ... هستند. علاوه بر این، ۱۲۰ نفر از این تعداد نیز مربوط به سازمان مجاهدین خلق است و ۱۱۰ نفر نیز از افراد گروه‌های مسلمان مانند موله هستند. در نهایت، حدود ۳ هزار و ۳۰۰ شهید باقی می‌ماند و آنان مردمی هستند که در خیابان کشته شدند. کسانی که به خیابان آمدند، به اعتبار مردم و مرجعیت آمدند در حالی که همشان معمم نبودند. البته در این تردیدی نیست که رهبری جریان را امام خمینی (رحمت الله علیه) برعهده

شده توسط سازمان مجاهدین خلق را شرح داد و گفت: در میان تمام این مدل‌هایی که گفتم، سازمان مجاهدین خلق، بهترین مدلی که برای خود مناسب دید، استفاده از جنگ چریکی شهری بود. جمله معروف لنین که می‌گوید «چریک در شهر مانند ماهی در دریا است»، بین اعضای سازمان رد و بدل می‌شد و اعتقاد عجیبی به این موضوع داشتند. این اتفاقات باعث شد تا زندگی آنان کم کم به سمت یک زندگی رمزآلود برود. البته باید این را بگویم که یک چریک چه در شهر و چه در جنگل، عمر طولانی برای خود قائل نیست و فکر می‌کنند که حداکثر ۶ ماه زنده می‌مانند. سازمان مجاهدین خلق، در فضای درگیری شهر، چند عملیات کوچک و درگیری را داشته است. یکی از عملیات‌های مهم آنان، ماجرای کشتن سرهنگ هائو کینز است که وحید افراخته و مرتضی صمدی لباف این کار را انجام دادند. بقیه عملیات‌های آنان خیلی جدی نیست و بیشتر شبیه به موقعیت درگیری است.

چه کسانی انقلاب را به پیروزی رساندند؟ روحانیت یا کت و شلوازی‌ها؟!

توکلی به رمزگشایی پیروزی انقلاب از منظر یک کارشناس خارجی پرداخت و گفت: کریستین دلانوا راجع به مبارزه مشترک ساواک و گروه‌های چپ و نتیجه‌نهایی جریان انقلاب، تحقیقی انجام



معرفی تمام جریان‌های چپ در ایران؛ از چپ‌های اجتماعی تا چپ‌های فلسفی

خلاصه ششمین جلسه نشست «سوژه یابی بررسی اتفاقات دهه ۵۰ و ۶۰» استاد یعقوب توکلی بدین شرح است. گفتنی است در این نشست مباحث مختلفی پیرامون فعالیت سازمان‌های چپ و مارکسیسم در کشور مطرح شد.

تقی ارانی کمونیستی؛ نمونه‌ی خوب کار تشکیلاتی در عین کمبود امکانات
توکلی تصریح کرد: همراه با این حزب کمونیست، آقای سید جعفر پیشه‌وری، یک گروه کمونیستی کوچکی را در آذربایجان تشکیل می‌دهد. او در سال ۱۳۰۷ دستگیر می‌شود و ۱۳ سال بدون هیچ‌گونه محاکمه و بازجویی به صورت بلا تکلیف در زندان می‌ماند. در کتابی اسناد مربوط به دستگیری سید جعفر پیشه‌وری آورده شده است. بعد از دستگیری سید جعفر پیشه‌وری، دیگر هیچ اقدام چپی را در کشور نداریم. تنها اقدام این بخش، حضور گروه ۵۳ نفره است. این گروه، شاگردان تقی ارانی بودند. جالب است بگویم که تقی ارانی می‌تواند به عنوان یک نمونه خوب کار تشکیلاتی در عین کمبود امکانات برای ما باشد. او یک معلم دبیرستان است اما می‌تواند ۵۳ دانش‌آموز را در کنار خود جمع کند و به آنان فلسفه مارکسیسم آموزش بدهد و آنان را مارکسیسم

را می‌شناسیم که در جلسات گذشته توضیحات کاملی در خصوص آن دادم. حزب توده برآمده از یک گروه خاصی از دانش‌آموزان مدارس تهران بود که توسط تقی ارانی هدایت شدند. خود تقی ارانی به دلیل تحصیل در اروپا، با مارکسیسم‌ها آشنا می‌شود. البته قبل از او مجموعه کوچکی از کارگران ایرانی در باکو را داریم که به رهبری کامران آقایی حزب عدالت را در باکو تاسیس می‌کنند. بعد از تاسیس این حزب در میان کارگران ایرانی مقیم در آذربایجان، در داخل ایران هم حزب کمونیست شکل می‌گیرد اما به شدت محدود است. جلسات چند ده نفره را دارند و خیلی فعالیت گسترده‌ای را انجام نمی‌دهند. آنان در ابتدا، رضاخان را به عنوان یک مرحله پیشرفت در فرآیند تحولات تاریخی ایران می‌دانند و ضمن مثبت دانستن حضور او در ایران، نقطه نظرات خود را به او بیان می‌کنند.

مذهبی‌ها انقلاب کردند یا مارکسیست‌ها؟
یعقوب توکلی در ابتدای صحبت‌های خود ضمن اشاره به موضوع این جلسه گفت: در این جلسه به سراغ سرنوشت گروه‌های مسلحانه فعال به ویژه آنان که در سال‌های آخر رژیم پهلوی کار می‌کردند می‌رویم. از جمله این گروه‌ها تمرکز ویژه‌ای را در این جلسه به گروه‌های چپ و مارکسیست اختصاص می‌دهیم. اگر بتوانیم به اندازه این گروه‌ها پردازیم، قطعاً می‌توانیم به اهمیت آنان پی ببریم. در این جلسه می‌خواهیم به این ادعا پردازیم که آیا انقلاب توسط مذهبی‌ها تصاحب شده است یا خیر؟

حزب توده برآمده از یک گروه دانش‌آموزی است / تشکیل حزب کارگران کمونیست ایرانی در آذربایجان
وی ادامه داد: در بین سازمان‌های چپ که دست به اقدامات مسلحانه زده بودند، ابتدا حزب توده



تاچپ‌های فلسفی

وی به دسته‌بندی گروه‌های چپ در ایران پرداخت و گفت: گروهی که تقی ارانی تشکیل داده بود، فلسفی‌ترین جریان مارکسیستی در میان تمام احزاب فعال در ایران است. معتقدم که چپ‌ها در ایران ۴ دسته هستند. اولین دسته، چپ‌های اجتماعی هستند که به دلیل نابرابری‌های اجتماعی با محیط چپ در دنیا آشنا شدند و به آن گرایش پیدا کردند. بسیاری از حکومت‌ها در دنیا هستند که به لحاظ اجتماعی سوسیالیست هستند اما به لحاظ اقتصادی تمایلی به سوسیالیست ندارند. گروه دوم، گروه چپ سنتی هستند. در ایران کسانی هستند که به دلیل سبقه سیاسی‌شان و ارتباط با شوروی، کمونیست شدند. برای مثال، سلیمان میرزا اسکندری، دبیر اول حزب توده کسی است که قبلاً با روس‌ها روابط داشته است. این افراد بعد از انقلاب اکثراً به سمت روس‌ها رفتند. جالب است بدانید که حضرت امام با همین آقای میرزا اسکندری، در سفری عازم به حج هستند. جریان سوم، جریان چپ سیاسی است. این جریان

بار بیاورد. او مقالات کمونیستی و مارکسیسم را در مجله‌ای که تاسیس کرده بود، ترجمه می‌کرد و منتشر می‌نمود. جالب است که پلیس سیاسی هم اصلاً متوجه نوشته‌های این نشریه نشد. با این که در پشت آن نوشته شده بود که مقالات این مجله براساس حزب دیالکتیک منتشر می‌شود. این ماجرا ادامه داشت تا زمانی که یک گروه تئاتری به رهبری محمد شورشیان و عبدالحسین نوشین، به دلیل فرار غیرمجاز از مرز، لو رفتند و در نهایت دستگیر شدند. وقتی محمد شورشیان دستگیر شد، برای این که کشته نشود، گفت رازی را برایتان آشکار می‌کنم که شما آن را نمی‌دانید. نشریه «دنیا» که چاپ می‌شود، متعلق به گروه مارکسیسم است و اندیشه‌های آن را تبلیغ می‌کند. بعد از اقرار محمد شورشیان، پلیس سیاسی، تقی ارانی و ۵۳ شاگردش را دستگیر کرد و بعد از آن به این عنوان مشهور شدند. کتاب‌های مختلفی در این حوزه وجود دارد.

انواع جریان چپ در ایران؛ از چپ‌های اجتماعی

معتقد است که برای ایستادگی در برابر سرمایه‌داری غرب و امپریالیسم، چاره‌ای جز اتخاذ یک حامی در دنیا نداریم و آن حامی کسی جز روسیه نیست. فلذا اعتقاد داشتند که برای مقاومت در برابر امپریالیسم، باید به سیاست‌های شوروی نزدیک بشویم و وقتی که وارد اردوگاه سوسیالیسم شدیم، امپریالیست‌ها دیگر نمی‌توانند به ما حمله کنند. طیف زیادی از کمونیست‌های حاضر در ایران، عضو همین دسته (چپ سیاسی) بودند. جریان چهارم، چپ‌های فلسفی بودند. آنان کسانی بودند که با نگاه هستی‌شناسی توحیدی هماهنگ نبودند و معتقد به طبیعت‌گرایی در نظام هستی بودند. برای مثال در گذشته ایران، کسانی مانند مزدک یا ابوشاکر دیسانی چنین بوده است و این چنین تمایلاتی داشته‌اند. علی میر فطروس کتابی دارد که ماهیت طبیعت‌گرایی را در گذشته مورد بررسی قرار می‌دهد و مناظره بین امام صادق علیه‌السلام و ابوشاکر دیسانی را بیان می‌کند. تفکر انکار خداوند و نقد دین در بین مارکسیست‌های ایرانی عمدتاً به وسیله تقی ارانی و در مجله دنیا آغاز شد.



فستیوال بین‌المللی چشم‌نویز

دوازدهمین جشنواره بین‌المللی
فیلم‌های صد ثانیه‌ای

THE 12th INTERNATIONAL 100 - SECOND
F I L M F E S T I V A L

ثبت‌نام از طریق سایت:

www.100fest.com

آخرین مهلت ارسال آثار تا پایان دی‌ماه ۱۳۹۷

برگزاری جشنواره ۸ تا ۱۰ اسفندماه ۱۳۹۷

ایران - تهران ■ ۵-۴-۸۴۱۷۲۲۰۴-۲-۱-۸۸۹۱۸۳۰

Submission Deadline: January 20th, 2019

Festival: February 27th - March 1st - 2019 Tehran - Iran



موسسه هنرهای تصویری سوره تقدیم میکند.



نازنین بیاتی
هانیه توسلی
و هومن سیدی

تهیه کننده: سیاهش حقیقی
فیلمی از رقیه توکلی

مادر



سرمایه گذار و مدیر طرح: حمیدرضا صالحی پوری | مشاور کارگردان: حمید نعمت الله | مدیر فیلمبرداری: مرضی فیدی | تدوین: هایده صلسی پاری | طراحی و ترکیب صدا: سیدعلیرضا علویان | صدایرداز: محمد شیوندی
موسیقی: ستار لورکی پوری | دستیار اول کارگردان و برنامه ریز: سیدروژه سجادی حسینی | مدیر تولید: سید حسین هادیان فر | طراحی صحنه: سید محمود کشفی پور | طراحی لباس: مهرداد اکبری | طراحی گریم: مهرداد میرکبایی | عکاس: محمدهادی آخوندی

لوپتو

کارگردان
عباس عسکری



مؤسسه فراسوی ابعاد به همراه مرکز تلویزیون و انیمیشن حوزه هنری تقدیم می کنند

